

مسائل بين المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

شماره ۴ (۸۲)

مرداد - شهریور سال ۱۳۵۵

فهرست مقالات این شماره :

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>	<u>نویسندگان مقاله ها</u>
۱۱ - ۳	اتحاد جماهیر شوروی و جهان معاصر	فرانس موری
۱۶ - ۱۳	انترناسیونالیسم و نبرد در راه استقلال	فرانکلین ایریزاری
۲۴ - ۱۷	بارسنگین د ویستیمین سال	دانری وینستون
۳۰ - ۲۵	کشورهای در حال رشد و خلع سلاح	نعیم اشهب
۳۳ - ۳۱	تاریخ تکرار می شود	ل . واسیلیف
۳۸ - ۳۴	در راه آزادی شما و آزادی ما	لینا آرگنتس
۴۶ - ۳۶	پیشروی انقلاب در آفریقا	لان سایه ناربانه برهانوی
۵۵ - ۴۷	ریشه های جابجایی افراطی معاصر	روبرت شتا یگروالد
۵۱ - ۵۶	بر علیه تروریسم و فساد	-
۶۳ - ۶۰	پرولتاریای کشورهای در حال رشد	-

اتحاد شوروی و جهان معاصر

فرانس موری

صدر حزب کمونیست
اتریش

رشد و تکامل جهان در سده ۲۰ بویژه در دوران پیر از جنگ جهانی دوم عبارت از پیروزی های فزون افکاره به فرنگ و متباد ، تاثیر متقابل ، رویارویی ، برخورد و در هم آمیزش متقابل نیروهاست . اجتماع و سیاسی و جنبش ها و طبقات گوناگون است . اما گرایش عمده این پیشرفت به ورا کامل و نهائی مشخص گردیده است . این گرایش عمده اعتلا ، بدو و وقفه نقش و نفوذ سوسیالیسم کمونیستی کشورهای جهان . جامعه سوسیالیستی و در ثبوت اول اتحاد شوروی است . جامعه کشورهای سوسیالیستی عمده است .

من افتخار حضور در ریگره ۲۰ حزب کمونیست اتحاد شوروی را داشتم . اهمیت تاریخی جهان نشانه این اجتماع سوسیالیسم را در سر نشود جامعه انسانی و پیروز نقش که در زادگاه انقلاب کمونیسم سوسیالیستی اکثریت رزاک را حمل می کند . این ، برزنف و دیگران کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی کمیتهی بسمر تجربه و تحلیلی عمیق علمی بود و در اسناد گنگره به ورا کامل منعکس گردید . اکنون ۶۰ سال است که ما با این ان سفید تاریخ را شاهد اکثریت حرکت در می آید ، اکثریتی که در حال حاضر آن به در واقعاده ترین مناطق و زوایای سیاره مرسیده است . گراف گویی نیست تا اگر گفته شود که در این زمین کشور سوسیالیستی درجه ان نمونه نوع جدید رشد اجتماعی و سیاسی بین المللی با کیفیت نوس را به جهان عرضه داشت و این پیرو شگرفی برتری سوسیالیسم بر سرمایه داران را نمایش داد و بدین شکل پیوسته پیشادنگ ترقیات اجتماعی جامعه انسانی تبدیل گردید .

ما کمونیست های اتریش افزایش مستمر اهمیت و نقش کشورهای ما ، نیروی ما را به سر مشق آن و

وجهه و منزلت رزافزون آن را در دنیا و میایونم مردم جهان درست در همین می بینیم .

پیوند ژرف ترقیات سراسر جهان با سیاست داخلی و خارجی اتحاد شوروی از همان نخستین

روز موعود به آن پیدا کردید . به نسبت استحکام صافی نظام اجتماعی نوین و افزایش تسلط و قدرت

اتحاد شوروی این پیوند درجه بیشتر و مشروقتنوع گردید . این پیوند امروز از هر زمان دیگر آشکارتر است

این قانونمندی در تمام اول تاریخ که درش و راه ادامه دادند .

پیروزی انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ و فرمان در باره صلح ، پایان یافتن جنگ جهانی اول را

تسریع کرد . انقلاب سوسیالیستی در روسیه ستاره راه اجتماعی برادر جنبش جهانی کارگر بود و همانند

محرك نیرومند مبارزه انقلابی در بسیاری از کشورهای ما را تسریع کرد . تا شریک انقلاب یکی از عوامل

بود که به زحمتگشان به سلسله از گزیده امکان داد در تحقیق بخشیدن به اصلاحات مهم اجتماعی

و سیاسی بد موکراته تنوین حاصل کنند . به نواحی مثال در اتریش در پایان جنگ جهانی اول زحمتکش

به برقراری روزگار هشت ساعته موفق شدند و نظام سلطنتی جای خود را به نظام جمہوری بورژوا -
دموکراتیک داد ، بورژوازی اثرش را بر انقلاب سوسیالیستی به یک رشته گذشتہای اجتماعی
سیاسی تن در داد .

چنانکه معلوم است ہم رویداد های روسیہ پر از پیروزی انقلاب سوسیالیستی و ہم سیرتاریخ
جمہا ن ہم بیوجه موافق با پیشگویی دشمنان سوسیالیسم کہ کین توز با بقاتی دیدگان شان را نابینا
ساختہ بود ، رشد و تکامل نیافت . در ابتدا آنها تصور میکردند کہ حکومت شوروی پدیده کوتاہ مدتی
است کہ بدون تردید پس از چند روز یا هفته از ہم فرو خواهد پاشید . اما وقتی چنین اتفاقی روی نداد
بہ آتش جنگ داخلی دامن زدند و مداخلہ نظامی علیہ جمہوری شوراهادست زدند .

خدا انقلاب داخلی و مداخلہ نظامی دول امپریالیستی با وجود برتری تجہیزات جنگی ، مغلوب
گردیدند . حکومت جوان شوروی بدانجهت توانست در جنگ داخلی پیروز شود کہ متکی بہ پشتیبانی
بقہ کارگروہ حقان کہ روخود و ہمبستگی و پشتیبانی بقہ کارگرین الطلی بود . از همان زمان
روشن بود کہ از بازہر " گرفتن حاکمیت " و یا " دیکتاتوری اقلیت " دیگر نمیتواند سخنی در میان
باشد . انقلاب سوسیالیستی بہ مفہوم صریح و کامل آن یک انقلاب خلقی بود .

در سالہای بعد دشمنان سوسیالیسم بدین امید بسته بودند کہ جمہوری شوروی قادر نخواهد
بود معضلات اقتصادی خود را بر طرف کند و وظائف مہمی را کہ بتدریج در سالہای جنگ انباشتہ شدہ
بود بہ انجام برساند ، اما زحمتکشان اتحاد شوروی علیرغم محاصرہ اقتصادی امپریالیستی موفق شدند
در زمان تاریخی کوتاہی اقتصاد کشور را کہ در نتیجہ جنگ جمہانی اول و سالہای دراز جنگ داخلی
از ہم پاشیدہ و ویران شدہ بود احیاء کنند . نخستین برنامه های پنجسالہ را با موفقیت بہ انجام
برسانند و پایه های صنایع سوسیالیستی را بنیازی نمایند . در دوران کہ جمہان سرمایہ داری با
سنگین ترین بحران اقتصادی در تاریخ دست بگیریان بود ، اقتصاد اتحاد شوروی با ثبات رشد
میافت و ہمکامیابیهای چشمگیری میرسد و بدین ترتیب بران نخستین بار برتری اقتصاد بر
سوسیالیستی را بجمہانیان نشان داد .

کامیابیهای اتحاد شوروی برای آنتی کمونیستہا در آموزندہ خوبی بود . ولی اکنون نیز آنها
مانند ۵۰ مان دورہ بہ پیشگوئیهای خود در بارہ " بحران " سیستم اقتصادی و اجتماعی سوسیالیسم
ادامہ میدهند و ہر بار ہم " تہذیب " آنها را جریان زندگی رد میکند و بدین ترتیب این مطالب بار دیگر
تایید میشود کہ پردہ پند آنتی کمونیسم بہ آنہا امکان نمیدهد واقعیت تاریخی را آنچنان کہ در زندگی
موجود است ببینند .

پس از اینہا حملہ فاشیسم آلمان و دیگر نیروہای امپریالیسم بر ضد اتحاد شوروی آغاز گردید .
نہ تمہا ہیتلر و نہ تمہا امپریالیستہای ایتالیا و ژاپن چنین تصور میکردند کہ اتحاد شوروی شولی است
با پای گلی " کہ زیر ضربات ارتش آہم امتلاشی خواهد شد . در ابتدا در انگلستان و فرانسہ و ایالات
متحدہ امریکا نیز برخی از محافظان فوڈ در سیاست خود این خط مشی را اتخاذ کردند کہ از مقابلہ
مستقیم با آلمان ہیتلری احتراز جویند و کوششهای تجاوزگرانہ سران فاشیسم را متوجہ خاور سازند .

پیکار قہرمانانہ ارتش شوروی استفادہ صحیح اتحاد شوروی از تضاد های میان دول امپریالیستی
در سیاست خارجی خود خط واقعیتی است کہ اسارت فاشیستی کہ خلقہا را تم دید میکرد ، اعتلای نیرو مند
روحیات ضد فاشیستی در جمہان ، جنبش مقاومت میان وسیع ترین قشرہای اہالی کشورهای اشغال
شدہ و کشورہای کہ زیر سلطہ ہیتلری ہا قرار گرفته بودند - ہمہ این عوامل بہ تشکیل واستحکام
ائتلاف ضد ہیتلری مساعدت نمود . اما واقعیت تاریخی عبارت از آنستکہ با تمام اہمیتی کہ سہم دیگر

شرکت کنندگان در ائتلاف ضد هیتلری در راست این اتحاد شوروی بود که سنگینی عمده بار جنگ با آلمان فاشیسم را بدوش میکشید و در آزادی خلقهای اروپا و از آنجمله خلق اتریش از فاشیسم نقش قاطع را ایفا نمود. این یک قهرمانی بود که در تاریخ نظایران دیده نشده است. جامعه بشری میدانده و هرگز فراموش نخواهد کرد که پیروزی بر فاشیسم به چه بهائی برای مردم شوروی تمام شد. اتحاد شوروی در جنگ علیه اشغالگران هیتلری بطور کلی متجاوز از ۲۰ میلیون نفر تلفات داد که در ضمن بخش اعظم آنها از فعالترین بخش اهالی کشور بودند. در سرزمین اتحاد شوروی فاشیستها شش میلیون نفر از اهالی غیرنظامی را بقتل رساندند، صد هاشمهر، ۷۰ هزار دهنکه و قصبه و قریب ۳۲ هزار موسسه صنعتی را ویران و نابود کردند. نیروی حیات بخش شگرف نظام سوسیالیستی؛ ایمان راسخ مردم شوروی به ایدئالهای کمونیستی بنحوی درخشان در این امر از تائب یافت که اتحاد شوروی در مدت فوق العاده کوتاهی بیآمدهای سنگین جنگ را برطرف کرد و در همه رشتهها کامیابهای چشمگیر نوینی بدست آورد.

در نتیجه پیروزی در جنگ کیرمیمنی جامعه شوروی استحکام و استواری با زهم بیشتری یافت. وجهه و منزلت بین المللی اتحاد شوروی بمرحله نوینی با کیفیت جدید ارتقاء یافت. اتحاد شوروی به یک دولت با عظمت سوسیالیستی تبدیل گردید که حل و فصل مسائل مهم سیاست جهانی بدون آن غیر ممکن است.

در سالهای پراز جنگ در گسترش نیروهای طبقاتی و سیاسی در صحنه جهانی تغییرات ماهوار روی داد. مهمترین این تغییرات پیدا شد و استحکام سیستم سوسیالیستی جهانی، اعتدای جنبش رهایی بخش ملی و تشدید و تقویت مبارزه نیروهای رفدار سوسیالیسم، دموکراسی و صلح در کشورهای سرمایه داری رشد یافته بود. سوسیالیسم موجود نیرومندترین تکیهگاه انترناسیونالیستی نیروهای انقلابی در سراسر جهان است. بهمین جهت است که در سند کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۹ در مسکو کاملاً بدست زده شده است که دفاع از سوسیالیسم و ایفای انترناسیونالیستی کمونیست است. علاوه بر این باید خاطر نشان نمود که یکی از عوامل قاطع در شکست سیاست "جنگ سرد" کاهش خطر جنگ جهانی، گذار به سیاست و خامت زدائی و تثبیت هر چه بیشتر اصول کمونیستی مسالمت آمیز در روابط بین المللی، استحکام مداوم قدرت اقتصادی و سیاسی و دفاعی اتحاد شوروی و سیاست صلح و ستانه پیگیر است.

صنعتهای عمده این سیاست در برنامه صلحی که مورد تصویب بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی قرار گرفته به ارجح منعکس شده است. این برنامه مورد تأیید و پشتیبانی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی، احزاب کمونیست و کارگری و نیروهای ترقیخواه و صلح دوست واقع شد. امروز تنها دشمنان سوگند خورده صلح و ترقی میتوانند این مطالب را انکار کنند که با وجود مقاومت نیروهای امپریالیسم و ارتجاع در برتو این برنامه پیشرفت های بسیار مهمی در عرصه جهانی بدست آمده است.

به برکت مبارزه قهرمانانه خلق ویتنام و دیگر خلقهای هندوچین تجا و زگران ایالات متحده امریکا و دستیاران مجلسی آنها با شکستی که سزاوار آن بودند مواجه شدند. اتحاد شوروی از همان آغاز از مبارزه عادلانه خلقهای جنوب خاوری آسیا با خطر آزادی و ترقیات اجتماعی تمام و کمال پشتیبانی میکرد. رهبران و دبیران کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام این مطالب را بار بار پراز پشت تریبون بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان کرد. رهبران و آن متذکر شد که پیروزی کامل خلق ویتنام در برتو رهایی بخش علیه تجا و زگری ایالات متحده امریکا " . . . با پشتیبانی قاطع و کمک های همه جانبه فراوان، پرارزش و موثر اتحاد شوروی پیوند ناگسستنی دارد " (پراودا،

پیدايش تغيير در جهت بهبود مناسبات میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکای استحكام مباحی صلح نقش واسمیت قاطع دارد . اینکه در سیاست پاره ای از رهبران ایالات متحده امریکا و همچنین دیگر کشورهای بزرگ سرمایه داری اصول همزیستی مسالمت آمیزه نوان پایه و مبنای روابط با کشورهای سوسیالیستی رفته رفته مورد قبول واقع شد بدین معنی نیست که امپریالیسم در سرشت خود تغییر داده است . جریان بدین قرار است که اتحاد شوروی ، سوسیالیسم کنونی با تفاق باقیه کارگرین الطلی و جنبش رهایی بخش ملی در حال حال ضرجان نیروئی را تشکیل میدهند که رجال واقع بین در غرب بیشتر از پیش درک میکنند که در مقابل همزیستی مسالمت آمیز راه (آلترا ناتیف) دیگری وجود ندارد .

در برنامه صلح بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مورد مسئله مربوط به امنیت اروپا چنین وظیفه ای تعیین شده بود : " . . . در سمت کاهش و خاتم صلح در این قاره درختر بنیاد انجام داده شود و تشکیل و کامیابی کنفرانس سراسر اروپا تا مین گردد " (١) . این هدف در نتیجه مبارزه جدی نیروهای ترقیخواه و سیاست صلح خواهان پیگیر اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اکنون بدست آمده است . تصادفی نیست که بویژه در اروپا در زمینه و خاتم زدائی کامیابیهای مهمی حاصل گردیده ، زیرا مواضع سوسیالیسم در این قاره نیرومندتر از هر جا است و تاثیر سیاست آن بیشتر احساس میشود . در ضمن نیرومندترین در سوسیالیسم در اروپا و سراسر جهان اتحاد شوروی است .

و خاتم زدائی در عرصه سیاسی با گسترش روابط اقتصادی و علمی و فنی میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای اروپای باختری پیوند نزدیک دارد . بعنوان نمونه همکاری بازرگانی و اقتصادی و علمی و فنی میان اتریش و اتحاد شوروی توسعه یافته که علاوه بر مزایای دیگری تا مین گسترش امکان اشتغال برای کارگران کشورها میکنند . چنین روابط اقتصادی مبتنی بر اصول برابری حقوق ، عدم مداخله در امور داخلی و مورد متقابل عامل مهمی برای استقلال اتریش بشمار میآید .

خلقماد ر مبارزه برای آزمان برداشتن با زماندهای رژیمها استعمار پیروزی های نوی کسب کرده اند . تلاشی مستعمرات پرتقال ، پیروزی خلق آنگولا در مبارزه علیه مداخله گری امپریالیستی بخاطر آزادی و حق تعیین سرنوشت و ترقیات اجتماعی از نمودارهای درخشان کامیابیهای جنبش رهایی بخش بشمار میآید . آلوثر با تیشیت عضو پیروزی سیاسی کمیته مرکزی جنبش خلق آزادی آنگولا ضمن سخنرانی خود در بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در قبایل پشتیبانسی و کمکهای سیاسی و معنوی و مادی کشورهای سوسیالیستی بویژه اتحاد شوروی و کوبا به خلق آنگولا سپاسگزاری نمود . وی متذکر شد : " پیروزی ما بر استعمار پرتقال در بر تو کمکهای اتحاد شوروی امکان پذیر گردید " (٢) .

مطامع بورژوازی از آن جمله در کشور ما اتریش با تلاش برای جعل و تحریف ماهیت کمکهای بی شائبه و انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به خلقها بلکه آزاد و استقلال خود دفاع میکنند با چنان شیوه ای اظہار نظر میکنند که گویا انگیزه این کمکها ناشی از " تمایلات توسعه آلبانه شوروی " است .

رفیق برژنف در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به بیست و پنجمین کنگره موضع

١ - اسناد بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ، مسکو ، ١٩٧١ ، ص ٢٩ .

٢ - روزنامه " پراودا " ٢٨ فوریه ١٩٧٦ .

اتحاد شوروی را نسبت به نیروهائی که بخاطر استقلال ملی، دموکراسی و ترقی مبارزه میکنند چنین تشریح نمود: "حزب ما از خلقم آنیکه در راه آزادی ییکار میکنند همواره پشتیبانی کرده و خواهد کرد. اتحاد شوروی از این پشتیبانی برای خود هیچ سود و منفعتی نمی خواهد، درین بدست آوردن امتیازا و ماسلطه سیاسی نیست و قصد بدست آوردن پایگاه نظامی ندارد. ما این عمل را به پیروی از وجدان انقلابی و معتقدات کمونیستی خود انجام میدهیم" (۱).

در ضمن بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی یاد آور شد که خطا جنگ جهانی جدید بظرف کامل بر طرف نشده است و گفته شد که در دوران اخیر نیروهای افراطی راست و گروههای آنتی کمونیست که طرفداران سیاست "جنگ سرد" هستند فعال تر شده اند و بودجه های نظامی کشورهای عضو پیمان تجا و زکارتور و بغزونی است. این مشخصات اوضاع بین المللی کنونی موجب نگرانی کمونیستها، نیروهای ترقی خواه و دموکرات و تمام کسانی است که امر صلح و تامین امنیت خلقها در نزدشان گرامی است. بهمین جهت است که "برنامه ادامه مبارزه در راه صلح و همکاری بین المللی و بران آزادی و استقلال خلقها" که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره از طرف ر. بژنرف مطرح شد با اکثر گسترده ای در سراسر جهان روبرو گردید. این برنامه مکمل برنامه صلح با توجه به شرایط و اوضاع کنونی است.

کنگره بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی در سیاست خارجی اتحاد شوروی در حلقه های راکتور، که محور اصلی آن مبارزه برای تامین پایه های مادی و خدامت زدائی و در نوبت اول مبارزه بخاطر قطع مسابقه تسلیحاتی، گذار به مرحله کاهش انباشت های تسلیحات و خلع سلاح است. برنامه سیاست خارجی بیست و پنجمین کنگره همچنین این وظایف را مطرح میکند که مشی تحقق بخشیدن کامل به سند نهائی کنفرانس سراسر اروپا فعالانه دنبال شود و بران از بین بردن کانونهای باقی مانده جنگ و تامین امنیت آسیا، عقد پیمان بین المللی درباره بکار بردن نیرو در روابط بین المللی، از بین بردن کامل همه بازمانده های استعمار، نژاد پرستی و نیرنگ و تبعیض و موانع مصنوعی در راه بازرگانی بین المللی و تمام مظاهر عدم برابری حقوق و تحمیل و استثمار در روابط اقتصادی بین المللی کوشش بعمل آید.

این برنامه تنها پاسخگوی منافع مردم شوروی نیست. ما عمیقاً معتقدیم که این برنامه با منافع همه خلقهای جهان و از آن جمله تمام و کمال با منافع ملی خلق ما که خواهان صلح پایدار است مطابقت دارد. بدون تردید تحقق یافتن این برنامه میتواند آیند همسالمت آمیز را برای اتریش بنحوی اطمینان بخش تضمین نماید. ما کمونیستهای اتریش این نکته را که کرایسکی لیدر حزب سوسیالیست اتریش و صدراعظم فدرال اتریش طی نطق خود در کنگره حزب سوسیالیست اتریش در ماه مارس بسود ادامه سیاست و خدامت زدائی اظهار نظر نمود بطور مثبت ارزیابی میکنیم. ما کوشش میکنیم از طریق تشدید بسیج افکار اجتماعی ارد و ملت اتریش طلب کنیم تا پیروی از سیاست بیطرفی فعال در امر صلح و خدامت زدائی سهم بیشتری نسبت به گذشته ایفاء کند و مانند گذشته جندی قبل از سیاست جهانی دنبال روی و متابعت ننماید.

در دوران اخیر دوباره فعالیت تبلیغاتی بمقیاس جهانی درباره به اصطلاح "خطر شوروی" شدت یافته است. کاملاً روشن است که هدف از این فعالیت آنستکه ادامه مسابقه تسلیحاتی از طرف امپریالیستها توجیه و تیرنگه شود. پیوند نزدیک و متصل میان برنامه سیاست خارجی کنگره ۲۴ و کنگره ۲۵ حزب کمونیست اتحاد شوروی بنحوی انکارناپذیر ثابت میکند که سیاست صلح و ستسانه

دولت شوروی جنبه موقتی و باب روزنداشته و از سرشت سوسیالیسم سرچشمه میگیرد . صلح و سوسیالیسم یکا واحد تجزیهناپذیری را تشکیل میدهند . نقش اتحاد شوروی بمشابه مهمترین عامل بین المللی صلح هیچگاه مانند دوران معاصر چنین باعظمت نبود است . هر قدر سوسیالیسم نیرومند تر باشد همانقدر رینفع صلح است .

کمونیستهای شوروی در کنگره حزب خود یار دیگر تا کید کردند که همزیستی مسالمت آمیز بهیچ وجه بمعنی حفظ مواضع اجتماعی موجود نبود بلکه بهرخلقی حق میدهد که بدون مداخله از خارج سرنوشت خود را تعیین کند و در راهی که خود آزادانه برگزیده و از آنجمله در راه رشد سوسیالیستی پیشرفت کند . حزب لنین یار دیگر همبستگی انترناسیونالیستی خود را با تمام جریانهای پرورنده انقلاب جهانی تأیید نمود . اما این همبستگی با آن چیزیکه تبلیغات آنتی کمونیسم میکوشد به حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت دهد هیچ وجه مشترکی ندارد .

مثلاً آنتی کمونیست ها در دوران اخیر مصرانه ادعا دارند که اتحاد شوروی میکوشد بدیگر خلقها انقلاب سوسیالیستی را تحمیل کند . اما بر همه روشن است که کمونیستها هواره مخالفین اصولی " صدورانقلاب " بوده و هستند . رفیق برژنف در گزارش کمیته مرکزی متذکر شد : " . . . هر انقلابی قبل از هر چیزی نتیجه قانونمند رشد و تکامل درونی آن جامعه است " (۱) . انقلاب نمیتواند از خارج آورده شود و یا توسط " اقلیت رادیکال " انجام گیرد و تنها میتواند بوسیله زحمتکشان این کشور تحقق پذیرد .

تأثیرات اتحاد شوروی و حزب کمونیست اتحاد شوروی بر پرورنده انقلاب جهانی به اشکال گوناگون بروز میکند . در شرایط معاصر این قبل از هر چیز ساختمان نظام اجتماعی نوین تر است که برتری اقتصاد و سیاسی و فرهنگی و معنوی آن بر نظام سرمایه داری بمشابه پیشروی موفقیت آمیز در امور ساختمان کمونیستی یا نیروی روزافزون پدیدار میگردد . گامیهای چشمگیر اقتصاد شوروی در همین برنامه پنجساله یار دیگر برتری انکارناپذیر اقتصاد با برنامه سوسیالیستی را بر اقتصاد سرمایه داری نمایش داد . اعتماد و اطمینان در زندگی اجتماعی یکی از خصوصیات شیوه زندگی شوروی است در حالیکه در کشورهای سرمایه داری بیکاری توده ای و تورم حکمفرماست که حس بی اعتماد نسبت به فرد اراد ر زحمتکشان بوجود میآورد . اجراء و غایف خطی بوجود پدید که در همین برنامه پنجساله (۱۹۸۰-۱۹۷۶) منطوق شده است برتری های سوسیالیسم را برجسته تر و استوارتر خواهد کرد . حزب کمونیست اتحاد شوروی اعتلا مستمر سطح زندگی مادر و فرهنگی زحمتکشان را محور فعالیت های اجتماعی و اقتصادی خود قرار میدهد .

برتری سوسیالیسم کنونی در این زمینه نیز متجلی میشود که نظام اجتماعی سوسیالیستی به زحمتکشان عملاً بمیزان غیر قابل قیاسی بیشتر از موکراسی بورژوازی ، حقوق دموکراتیک و آزادی میدهد و این حقوق را برای آنان تضمین میکند .

بسیستونجدهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی یار دیگر وجودات دموکراسی و سوسیالیسم را خاطر نشان کرد . رفیق برژنف در سخنرانی خود متذکر شد : " همچنانکه دموکراسی اصیل و واقعی بدون نظام سوسیالیستی وجود ندارد ، سوسیالیسم هم بدون بسط و تکامل مستمر دموکراسی نمیتواند وجود داشته باشد " (۲) .

۱ - اسناد کنگره بیستونجدهمین حزب کمونیست اتحاد شوروی ، ص ۳۳ .

۲ - اسناد بیستونجدهمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ، ص ۸۵ .

این وحدت نه تنها یک اصل تئوریک بلکه مهمترین جنبه فعالیت عملی حزب کمونیست و دولت شوروی است .

یکی از نقاط عترین معیارهای دموکراسی عبارت از آنستکه محتوی سیاست حزب و دولت با منافع طبقه کارگر و مردم محتملشان مطابقت داشته باشد . از این معیار زندگی جامعه شوروی را بررسی کنیم بدون مبالغه میتوان گفت که تمامه ایفی که حزب لنین در سیاست داخلی و خارجی در برابر خود قرار داده و قرار میدهد و در کامل با منافع مردم شوروی مطابقت میکنند .

یکی دیگر از معیارهای مهم دموکراسی سوسیالیستی عبارت از شرکت فعال زحمتکشان در اتخاذ تصمیمات و ایجاد شرایط برای شرکت توده های وسیع در اداره امور اجتماعی و دولتی است . در این زمینه نیز کامیابیهای شایان توجه اتحاد شوروی روشن و آشکار است . کاملاً واضح است که رشد و تکامل و تحرک کنونی جامعه شوروی بدون تعمیق دموکراسی و تأریق اولی با محدود کردن آن تحقق پذیر نبود .

بسیار پیشتر مین گنجه حزب کمونیست اتحاد شوروی برنامه مشخصی بسط و تکامل هر چه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی را طرح ریزی کرد که در فاصله آن ، تا مین شرکت هر چه وسیعتر زحمتکشان در اداره جامعه ، استحکام نامهای دموکراتیک ، حاکمیت سوسیالیستی و ایجاد شرایط برای رشد همه جانبه افراد جامعه است .

این واقعیت با انواع کشورهای سرمایه داری منظره کاملاً متضادی بوجود میآورد . بورژوازی برای انحصار و دستنشاندهاگان آن در این ایالات در این کشورها با شدت بیشتری به دست آورد های دموکراتیک زحمتکشان تجاوز میکنند و در موارد یکه خدای واقعی حاکمیت آنها را تم دید میکند به اقدامی حتی براه انداختن کودتا در ارتجاعی و برقرار ریسمان شبه فاشیستی دست میزنند . تبلیغات آنتی کمونیستی با تلاش برای استتار این جنبه سیاست محافل ارتجاعی و مغفول و رشه صیف نیروی جاذبه نموند دموکراسی سوسیالیستی تبلیغات ضد شوروی کین توزانه آن براه انداخته اند که سسته مرکزی آنرا نیز " نقد دموکراسی " و " نقض حقوق بشر " در اتحاد شوروی تشکیل میدهد . اما واقعیت عبارت از آنستکه در اتحاد شوروی حقوق اساسی انسانم ا به مقیاسی که در هیچ یک از کشورهای سرمایه دار و پادشاهی وجود ندارد مراعات و رعایت میشود . در اتحاد شوروی حق کار تحصیل ، امکان رشد و ترقی و رفاه بر حسب استعدادهای و تفریح و او حق استفاده رایگان از خدمات بیمه دانی برای تمام مردم برابر حق و زمان و خلاق و حمایت او و غیره عملاً تامین شده است . تجربه نشان میدهد که آگاهسی به برتری سوسیالیسم بر سرمایه داری خود بخود و پدید نیاید . تبلیغات بورژوازی روز بروز تمام نیروی خود را بکار میرساند تا واقعیت زندگی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را جلالت و تحریف کند . به مین شایسته است که مبارزه علیه انواع تبلیغات ضد شوروی و اشاعه حقایق درباره سوسیالیسم کنونی یکی از اوزان مهم مبارزه مارا علیه نظام سرمایه انحصاری ، در رها گاهی و رشد طبقه کارگر و به اتمام رسد و دموکراسی و برابری در یک و زمانه نیل میدهد .

تأثیر این امر در واقعیت نشان میدهد که استحکام وحدت و همکاری میان اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی به امتداد نقش بین المللی اتحاد شوروی و کشورهای جامعه کارگران سوسیالیستی در جهان شایان توجهی که میکند . وحدت و همکاری احزاب مارکسیست - لنینیست کشورهای اتحاد شوروی در درجه مهمی است . در رشته کاراید و لویژان ، در آنگلی ، سیاست خارجی ، تقویت نیروی دفاعی ، برقرار و برپیمان و ریشو ، همکاری آن اتحاد در دوجانبه و درجه اول و شوران تا این اقدام در این لحظه و گسترش بیشتری یافته است . در زمینه تعمیق هم پیوندی سوسیالیست - لنینیستی اتحاد بین المللی کامیابیهای تازه از بدست آمده است . این کامیابیها از جمله در این واقعیت

تعود ارمیگرند که منابع کشورهای شوروی تعاون اقتصادی در سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۱ چهاربار
 سرعتر از محتای کشورهای صنعتی رشد یافته سرمایه دارد پیشرفت کرده است .
 تلسفاتی آنتی کمونیسم همواره در تلاش است که روابط اتحاد شوروی با دیگر کشورهای سوسیالیستی را تخریب کند و این روابط را روابطی با حقوق غیر برابر میان طرف "سرکرده" با کشورهای
 "اقلتار" ابره گرامزد . اما در حقیقت ، جهان سوسیالیسم روابط کامل نوع جدیدی میان دول و
 خلقها بوجود آورده است . روابطی که بر پایه برابری حقوق ، همبستگی و کمک متقابل برادرانه
 استوار است و با استثمار ، ستم و مبارزه و رقابت که از مشخصات روابط میان کشورهای سرمایه داری ،
 انحصارات چند ملیتی و غیره است تفاوت فاحش دارد . در جهان سوسیالیسم برابری تدریجی
 رشد کشورهای سوسیالیستی در جریان است و پیرو سه نژاد یکی این کشورها تقویت میشود . در مناطقه
 غیر سوسیالیستی جهان تضادهای عمیق میان کشورهای سرمایه داری رشد یافته و کشورهای وابسته
 که تلاش دارند از قید ستم استثمار و استعمار خود را خلاص کنند ، همچنان باقیست .
 رفیق فیدل گامترو در بیروال کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا ضمن ارزیابی برتری روابط بین-
 المللی نوع سوسیالیستی از روی نمونه روابط متقابل میان کوبا و اتحاد شوروی ، طی سخنرانی خود
 در بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اظهار داشت : " در اول تاریخ روابط
 بین المللی که هزاران سال بر پایه خود پرستی و اعمال زور بوده ، چنین روابط برادرانه ایمان
 که در وقت در کشور کوچک بیسابقه است . تنها سوسیالیسم است که برقراری چنین روابطی را میسر
 خلق امکان پذیر میسازد " (۱) .

بعقید همان تالیف کار بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و بدیهه وزینی در امر مبارزه
 کمونیستها و نیروها در موکرات و ترقیخواه سراسر جهان بشمار میآید . این کنگره ، کنگره همبستگی
 و وحدت انترناسیونالیستی کمونیستهای شوروی با جنبش کمونیستی جهانی ، با جنبشهای بخش
 ملی ، با خلق و ستام و مبارزان راه آزادی و استقلال در شیلی و آنگولا و دیگر کشورهای سوسیالیستهای
 پرتقال و اسپانیا و هم نیروهای ترقیخواه و صلحدوست جهان بود . در این کنگره ۱۰۳ هیئت
 نمایندگی خارجی یعنی بیشتر از تعداد نمایندگان خارجی در کنگره های گذشته حزب کمونیست
 میهمان شرکت داشتند . این امر مبدء رخشان استحکام روزافزون وحدت انترناسیونالیستی
 نیروهای انقلابی است . ما کاملاً بخود حق میدهیم که بگوئیم در بیست و پنجمین کنگره نمونها مجمع
 کمونیستهای شوروی بلکه مجمع همگان نیروهای انقلابی جهان بود که امروزید رجات روزافزونی مسیر
 رشد و تکامل تاریخ را مشخص میسازند .

وسایل ارتباط جمعی آنتی کمونیستی درباره " اختلاف نظرهای بر طرف نشدن و فزاینده "
 میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و احزاب دیگر که گویا در بیست و پنجمین کنگره بازتاب یافته ، زیاد
 پرگوئی کردند . بویژه در این مورد مطالب زیادی نوشته شده که گویا حزب کمونیست اتحاد شوروی
 برای بدست آوردن " همزمنی " برد یگر احزاب کمونیست تلاش میکند . اما واقعیت امر آنستکه نه از
 کنگره و نه از سیاست بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی بخور کلی نمیتوان کوچکترین دستاویزی
 دال بر " ادعای سرکردگی " از جانب حزب کمونیست اتحاد شوروی بدست آورد . در سندها کنفرانس
 جهانی احزاب کمونیست و کارگری که سال ۱۹۶۶ در مسکو برگزار شد گفته شده است اکنون هیچگونه
 مرکز رهبری کننده ای در جنبش جهانی کمونیستی وجود ندارد . رفیق برژنف از تریبون بیست و
 پنجمین کنگره بار دیگر احترام کامل کمونیستهای شوروی را " به موازین اکید برابری حقوق و احترام

به استقلال هر حزب* تأیید نمود (۱) . این استقلال شرط لازم گذاربه سوسیالیسم باشکسال گوناگون بادرنظرگرفتن ویژگیهای ملی وشرایط مشخص هرکشوربراساس تطبیق خلاق قانونمندیهای عاممارکسیسم-لنینیسم است . مبهمانان خارجی طی سخنرانیهای خودبه کامیابیهای ساختمان کمونیستی ارزش فراوان دادند واهمیت بین المللی شگرف اتحاد شوروی راخاطرنشان کرده و همبستگی ویکانگی انترناسیونالیستی خودرابانخستین کشورسوسیالیسم بیان داشتند .

بدین ترتیب نه اختلاف درنظریات ، بلکه همبستگی انترناسیونالیستی وجه مشخصه بیست و پنجمین کنگره حزب لنینیست گردید که بنوبه خود اهمیت روزافزون سیاسی وایدئولوژیکی این سلاح آزمون

شد و جنبش جهانی کمونیستی را تأیید و به پیشرفت هر چه بیشتر و استحکام انترناسیونالیسم کمک کرد .

این مطالب در این نیز که تجزیه و تحلیلی خلاق و عمیق علمی تجربه ساختمان کمونیستی در اتحاد شوروی و اوضاع جهان از جانب کنگره بر پایه استوار ایدئولوژیکی احزاب کمونیستی و کارکنان یمنی بر پایه مارکسیسم-لنینیسم بعمل آمد متجلی گردید . بدین ترتیب بار دیگر تاکید شد که حزب کمونیست اتحاد شوروی با انطباق خلاق و عقولیات تئوری مارکسیستی - لنینیستی برای حل معضلات و وظایفی که پراتیک اجتماعی جامعه بشری و پیشرفت علم و تکنیک و فرهنگ پیش میآورد در پیشرفت و تکامل این آموزش نقش شایان و چشمگیر روزی ایفا میکند .

ما با عقیده رفقای شوروی در این باره که اختلاف نظر در باره مسائلی که اغلب میان کمونیست های کشورهای مختلف بوجود میآید ، باید از مواضع انترناسیونالیستی و در جریان مباحثه کاملاً رفیقانه حل و فصل شود و اینکه ضرورت استحکام وحدت تمام جنبش کمونیستی را همواره باید با خاطر داشت کاملاً موافق هستیم .

بنابراین مواضع حزب کمونیست اتحاد شوروی نسبت به سیاست رهبران کنونی چین که بیشتر از پیش به متفقین ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیستی تبدیل میشوند ، کاملاً اصولی و مارکسیستی-لنینیستی است .

بعقیده ما اعلام این مطلب از جانب کمونیستهای شوروی که انترناسیونالیسم پرولتری بهیچوجه با استقلال و خود مختاری هیچیک از احزاب ، بطوریکه سیاستمداران و ایدئولوگهای بورژوازی مدعی هستند ، تضاد و تناقض ندارد ، فسوق العاده مهم و مبرم است . تجارب حزب ما و جنبش جهانی کمونیستی بنحوی انکارناپذیر میسر آنستکه انترناسیونالیسم و منافع ملی ، استقلال ، خود مختاری و برابری حقوق هر یک از احزاب یک واحد تفکیک ناپذیر را تشکیل میدهند . در ضمن انترناسیونالیسم پرولتری همان همبستگی و تعاون متقابل میان احزاب برادر است که یکی از مهمترین منابع نیروبخش جنبش ما را تشکیل میدهد . ما عمیقاً معتقدیم که نفی و پاکم بهادادن به این جانب انترناسیونالیسم موجب تضعیف مواضع و امکانات هر یک از احزاب میشود و عملاً در حکم امتناع از این سلاح آزموده شده در رینکارهای انقلابی طبقه کارگر است .

برای ما کمونیستهای اثریتر نتیجه گیریها و ارزیابیهای بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی در مبارزه با خطر صلح ، آزادی و سوسیالیسم ، از آنجمله در مبارزه ایکه مادر ارتشیدفاع از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان انجام میدهدیم راهنمای اطمینان بخشی است . مصیوبات بیست و پنجمین کنگره و فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی برای تحقق بخشیدن به آنها بر جریان سیر تکامل آتی جهان در آخرین ربع سده معاصر تأثیرات مثبت و ماهوی خواهد بخشید .

انترناسیونالیسم و نبرد در راه استقلال

فرانکلین ابریزاری

مه ۱۰ و ۱۱ د بیرکل حزب کمونیست
پورتوریکو

مردم پورتوریکو از سال ۱۸۹۸، یعنی زمانیکه در نتیجه عصیان مسلح جمهوری اول اعلام گردید بمبارزه قهرمانانه خویش در راه آزادی ملی ادامه میدهند، در آن هنگام نیروهای مسلح اسپانیا قوای میهن پرستان را تارومار کرد ولی مبارزه قطع نشد. در سال ۱۸۹۸ نیروی دریائی ایالات متحده امریکاد ر پورتوریکو پیاده شد، و پورتوریکو تا امروز مستعمره امپریالیسم امریکا، که امتیازهای اقتصادی و سیاسی فراوانی بدست آورده، باقی میماند.

جزیره مایک پایگاه نظامی و نقطه اتکائی برای تجاوز به کشورهای امریکای لاتین است. امپریالیسم امریکای پورتوریکو به جمهوری دومینیکان، کوبا، ونزوئلا و پاناما و دیگر کشورهای امریکای لاتین حمله کرده است (۱).

جنبش دامنه دار در راه استقلال و جنبش های همبستگی بین الطلیق با مردم پورتوریکو استعمارگران را مجبور به مانور میکند. آنها در سال ۱۹۵۲ این جزیره را "کشوری که آزادانه به امریکا پیوسته" اعلام کردند. مطبوعات غذاییم سرمایه داری آغاز "عصر نوری" را در مناسبات میان ایالات متحده امریکا و پورتوریکو اعلام داشت. این دروغ را تنها کسانی میتوانستند باور کنند که با حقیقت امر آشنا نبودند. پورتوریکو یک کشور وابسته است. وابستگی آن هم در حفظ مشخصات عمده کولونیالیسم "کلاسیک" وهم در اشکال استتار شده و پنهانی استعمار و استعمار نو بروز میکند. از یکسو تمام حاکمیت د ر پورتوریکو به کنگره و رئیس جمهوری امریکا تعلق دارد (و این دولت استعماری بدست نشانده) فقط میتواند مسائل جزئی را حل و فصل کند که بهیچوجه بمنافع سرمایه انحصاری برخورد نمیکند و مصونیت اراضی و ساختمان های مهم استراتژیک را که امریکای آنها استفاد میکند و یا آنکه مورد نیاز است به خطر نمی اندازد. وابستگی استعماری پورتوریکو از این نقطه نظر دارای خصالت "کلاسیک" است. از سوی دیگر، ساختار حکومت پارلمانی کلاسیکی وجود دارد که در خارج از کشور چنین شبهه ای بوجود میآورد

۱ - این جزیره به یکبار هم مراتب مبدل شده است. پنتاگون با اشد اقبال ۱۳ درصد زمینهای حاصلخیز پورتوریکو و جزایر کوچک و بزرگ و کوله براسی را از همه پایگاه جنگی بزرگ بوجود آورد که از آنجمله است پایگاه بران بمب افکن های اتسی، موشکهای دوزخ و واحد های نیروی دریایی. مانورهای نظامی با ورم نظام انجام میشود که خرابیهای فراوان بار میآورد و مردم را در معرض خطر رهای کشنده قرار میدهند. مردم پورتوریکو علیه استفادهاز سرزمین این کشور بمنزله پایگاه برای انجام هدفهای تجار و زکاران مبارزه میکنند. این واقعیت را همبررسی های که انجام میگردد تأیید میکند. بیش از ۶۰٪ اهالی پورتوریکو خود ستار بیرون بردن ارتش و انحلال پایگاههای نظامی امریکا است. هیئت تحریریه.

که پورتوریکو دارای حکومت و دولت ویژه خویش است .

هیچ چیزی مانند چنین تصویری در واقعیت نیست . ماحق نداریم با هیچ کشوری ، جز از طریق حکومت ایالات متحده آمریکا ، مناسباتی برقرار سازیم . این امری است که باید معلوم کند که پورتوریکو ایکی متواند روایت بازرگانی داشته باشد . ماحق حق نداریم بعلل خود در مورد ورود دکنس به پورتوریکو یا خروج کسی ته صم بگیریم . ما واحد پولی ویژه خود نداریم ؛ پول رایج دلار است . این کشور سیستم اطلاعاتی هم ندارد . تلویزیون ، رادیو ، ویست زیر نظارت و کنترل دولت ایالات آمریکا است . کشتیرانی بازرگانی هم بدان تعلق دارد و از طرف آمریکا کنترل میشود . اهالی پورتوریکو به خواهند و خواهند ، از زمینزدانی شدن بدستور ادگاه فدرال بران مدت ۷ تا ۷ سال مؤاف اند در سررویان مسلح آمریکا خدمت کنند .

واقعیت این است که ماهیچه وقت دولتی ویژه خود نداشته ایم ، همانطور که در کانادا هم ، بطور مثال ، در گذشته چنین دولتی وجود نداشت . " کشوری که آزادانه به آمریکا پیوسته " حرف پیوجی بیکی نیست . امبرالیسم آمریکا در سال ۱۹۰۲ با استفاده از نفوذ خود در ایالات در سازمان ملل متحد ، موفق شد گزارش مربوط به دستمضرات خویش را به تصویب اندازد . در آن هنگام بود که پورتوریکو - و عنوان " کشوری که آزادانه به آمریکا پیوسته " گرفت . در نتیجه این دست امریکایران غارت بیسابقه که امروزه زایرا را فراموش می کند .

شرکت های سررومند چند طبیعی آزادان عمل نامحدود برای بدست آوردن سود های کلان دارند . تقریباً تمام موسسات صنعتی (بیشتر از ۱۰۰ واحد های صنعتی) و مزارع و چند ندرقند و نیشکر ، کارخانه های سافونکی ، شرکت های بیمه ، صومخانه ها و مفازها باید انحصار دران امریکایان تعلق دارد . ۸۲ درصد اقتصاد پورتوریکو در اختیار " سرمایه های شمالی " است که تا امروز در حدود ۲ میلیارد دلار سود برده اند . حکومت محلی این سه موی یانکی دارای پرداخت مالیات معاف میکند . این جزیره بارشته های مختلف منابع سبک آن (از طبیعی نفت تا صنایع داروسازی) زائسده صنعتی - مواد خام افتخار ایالات متحده آمریکا و بازار سود آور فروش کالا های صنعتی و پیرمانده های معدنی و فلزی که امروزه است . سرمایه کلان شرکت های چند طبیعی هم در بازرگانی عمده فروشی و هم در خرید و فروش عمل میکند . روزها از پورتوریکو کمتر شریک کوچک انحصارهای امبرالیستی رایج برده دارد .

ارگان حزب مارزیسمه پوالمونوست : این دولت " آزادانه به آمریکا پیوسته " بعلمت مادیست استه مارزیسمه دارد به عملی شریک در معاملات که در برآوردن سرمایه است نصیبت و بدون وقفه سوی پرتگاه پورتوریکو اقتصادی میفلند . " قرضه خارجی جزیره در سال ۱۹۷۴ نزدیک به ۱۰ درصد بود و سرمایه کاروانده بود - از اعتبارات بود - این امر نشان میدهد که گردانندگان استعمار دولت سه وقت - واحد توانست که درازترین سستی که برایش بود آورده اند خازن کند " (۱) .

واقعیتی که بر در سران عصر اقتصاد ای هم (که نتیجه مستقیم رکود اقتصاد امریکا است) خود را نشان میدهد ، این برخی آمار بود و تا اوایل سال ۱۹۷۶ (شمار : سگاران به ۴ درصد تعداد اهالی که در امور اقتصاد به الس - سگند رسید ، اما حتی آتم ای هم که کار سگند ، سوم کمتر یانکی

1 - " Pueblo " NO 12, Diciembre de 1975.

نشان میدهد که سرمایه قرضه خارجی پورتوریکو در سال ۱۹۷۴ بالغ بر در ۱۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری و اعتبارات که در راه تدارک دولت بوده نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار بوده است .

۵۱۰۰۰۰ دلار بود و میگوید ، اگر به همان کلاس ۵۰۰ میلیون ریویور ریگود ۲ درصد گران تر از امریکا است .
۲ . درصد اجالی با درآمد غیرانده ای زندگی میکنند .

بدین ترتیب مردم پورتوریکو پیش از میزان لازم دلیل برده ان برای مبارزه در راه آزاد باوقافی
و نه دیدن آرد رتزارن که در سال ۱۹۵۲ (در باره وضع " حقوقی " که در نامه تصویب رسیده ، دارند .
۳ . صد برضیه امدار - که برداشت درجه گسترده ترن پیدا میکند . مپهن برستان میتینگ و
نمایشگر تشکیلات میدهند ، با اعتصاب برای حمایتی جاب اعراض آمیزند دست میزنند ، کتاب و دیگر نشریه
های مترقی بخیر میکنند ، گروهی اوکمیته ان مبارزه در راه آزادی بودند میآورند ، این سازمان عمل
منه دادند و مدارکی ارسال میدارند که افشاگر سیاست امریکا است و با سازمانهای خارجی که با جنبش
مپهن برستان ماه میستی دارند در تماس دائم میباشد .

۴ . اندک در راه آزادی ملی با مبارزه ایقاتی که خود در درجه پیرا میباشند که در تناسب نیروها در
کشور پیدا آمده متقابلا موثر است ، ارتباط نزدیک دارد . جریان انقلابی درجه بیشتر در جنبش
کارگری نمود امریکود (۱) . ملی ست - ، ارسال اخیر فیه الیت و تعدادات زحمتکشان بران بالا
بودن دستمزدها ، بهبود شرایط کار و ویژه بر علیه نگرانی روز افزون شدن یافته است . عسلاوه
برای مبارزه اقتصاد در رفته رفته رفته مبارزه سیاسی و جدیت ضد امپریالیست کسب میکند .

در راه یکپارچگی اتحادیه های کارکن در شوازی ای وجود دارد گمشده شرایط نامطلوبی است
که امپریالیسم یانکی و نوکران محلی وی کشور ماتحمین کرده اند . اما زحمتکشان ضرورت وحدت - راهبر
روز بیشتر در میکنند و کوششهایی که سندیکا ۱۵ تازه سازمانها نقد بی در این راه بنا میزنند بسته
نتیجه میدهند . تعداداتی که در مقام با احتمال گاپیتول در انترسان ۱۹۷۵ بوقوع پیوست گواه این
مدعاست . ۵ . بازاران در زحمتکشان برای نخستین بار در تاریخ کشور یکجا گرد آمدند و تسامع ادای
اعتراض خود را بر علیه دولتی که کمربند منافع وال امتزیت بسته رسا بر بلند تر کنند .

حزب کمونیست پورتوریکود صرف مقدم مبارزان در راه استقلال قرار دارد ، این حزب در شرایط
در شوازی فیه الیت میکند و در حقیقت در حالت سیمه مخفی بسر میرود . کمونیست های که فیه الیت غلظی
مشغولند اغلب مورد پیگرد قرار میگیرند و دانشان در خنراست . بنا بر مثال اول ماهه سال پیش حزب
میتینگ ۵ مکانی در ده کده با بکوآ تشکیل داد . ضمن مستند فیلماهای ارزندگی در اتحاد شوروی و دیگر
کشورهای سوسیالیستی نمایش داده شد و بسیاری از رفقان ما و از جمله یکی از رهبران سندیکا ها -
که در همین حال یکی از حوزه های حزبی با بکوآ راهم اداره میکنند سخنرانی کردند . روز بعد او را از کار
اخراج کردند . سایر رفقای ۵ که در میتینگ شرکت بسته بودند تحت پیگرد قرار گرفتند ، برخی را از
کار آزاد کردند و وعده ای راهم برای مدتنا معلومی از کار برکنار ساختند .

دولت میگوید فعالان حزب ما را از جامعه و حتی از خانواده جدا و منفرد سازد . FBI (اداره

۱ - جنبش سندیکائی در پورتوریکود و ران اعتلاء و فروکش را از سر گذرانده است . نفوذ امپریالیست ها
در کشور موجب تغییر شکل جنبش و تبدیل آن از یک نهضت مپهن برستانه به نوعی از سندیکالیسم -
ایالات متحده امریکا شده است . پس از انحلال کنفدراسیون عمومی زحمتکشان در سال ۱۹۴۵ ،
سندیکاها با عدم موفقیت تاریخی روپوشدند و مبارزه آنان جدا از مبارزه در راه استقلال ملی جریان دارد
در حال حاضر فقط ۲۰ درصد از نیرولتاریای پورتوریکود سازمانها متشکل شده است . با آنکه نزدیک
به ۶۰ اتحادیه در کشور هست ، هنوز یک مرکز سندیکائی بوجود نیامده است . بخشی از کارگران
تحت تاثیر لیبرالان سندیکاها ای راست قرار دارند .

هیئت تحریریه

بازجویی فدرال) در همه محلی آن ، پلیس و نه ابرایتم فعالیت افراد وابسته به جنبش استقلال ملی را بیرون زبیرت رد دارند . عمل آنها خانه ها را زبیرت رسگوند ، از باکنان آنها درباره " افراد مشکوک " سؤال می کنند ، چنین افراد را " عناصر خرابکار خرابان " و یکی از آنها که میباید از دست بردارند و اعتصاب بر راه میاندازند معرفی میکنند . به بیان دیگر میگویند ما کماکان شهر و روستا را بر علیه کمونیست ها برانگیزند ، چنین " محبت و شنبود " هایی برای افراد خانواده فعالان حزب هم تشکیل میدهند . اگر پلیس موفق شود در روابط خانوادگی افراد وجود انداخته را خالی و احساس نماید ، بیدارنگه برای تعمیق اختلاف و دام زدن به ناراضی و نمان اقدام میکنند . گاهی این اقدامات میتواند به از هم پاشیدگی خانوادگی منجر گردد (در بعضی موارد هم چنین شده است) .

در ردیف این قبیل فشارهای " روانی " از اصطلاح " تدابیر " شدید نفی " هم که شیوه زجر و شکنجه سرحدانه جسمی است به بزرگسازده استفاده میکنند . ولی ما از این امر میجوید راه نمیدهم و نمیتواند ما را وادار به دست کشیدن از مبارزه کند . علاوه بر این فشار و جزو ترور را مانده انفاضه ارباب ونگرانی امیرالاسم امریکا و ولت استعمارن پورتوریکو از پیشرفت نیروهای مرفی و ویژه حزب خود میدانیم .

حزب کمونیست پورتوریکو سرگرم کار سازمانی عظیمی است ، از او اخر سال گذشته تا حال ما چندین حوزه حزبی جدید سازمانها را اولیه جوانان بوجود آورده ایم . گاهی فعالیت های ما در احزاب و یانه و در ایکنارانه ما مؤسسه ها مشکلات و مانعی در راه ما ایجاد میکند ، ولی حزب موفق به برطرف ساختن این موانع میگردد . بسیاری از کسانی که اسیر افکار و کمراهی های ضد کمونیستی بودند ، حقیقت را باز شناخته و اینک با حزب کمونیست و سازمان جوانان ما همکاری میکنند . این امر البته نتیجه کار فعالان ایدئولوژیک ما نیز هست . در روزنامه " پوبلیو " و دیگر نشریات حزبی ما سیاست غارت و دستگیری نسبت به پورتوریکو را افشا میکنیم و همین برستان راه مبارزه در راه آزادی میهن بسج میکنیم .

سالمیان زیادن است که حزب در اندیشه ایجاد جبهه گسترده تمام نیروهای مرفی است کسبه صرفه را از اختلاف نظریات و ایدئولوژی خود در راه استقلال ملی پورتوریکو مبارزه میکنند . بارها اقداماتی بعمل آمد تا راهی و باشیوه آن برای انجام عملیات مشترک ، و وحدت سازمانهای مختلف بران رسیدن به هدفهای مشترک ، بیاییم . هم ارساں پینر در راه پیعائی بمنظور اعتراف بر علیه وجود فرمانداران در کشور بیشتر از صد هزار نفر شرکت جستند . این یکی از نخستین اقدامات عظیم فعالیت مشترک تصدایم نیروهای دموکراتیک پورتوریکو و تجلی اراده و مقزم آنان بوحثت بود . ولی امیرالاسم در آن هنگام موفق شد جنبش در راه استقلال کشور را پراکنده و متفرق سازد . نیروهای میهن پرست بهکس ، موفق به وحدت نشاندند .

با توجه باین رویداد و دمجنس با درت رگرفت اینک در نوامبر سال ۱۹۶۶ انتخابات ارگانهای دولتی محلی خواهد گرفت ، حزب ما تصمیم گرفته است تا در امکان اقدامات گسترده ای بقمیاس سراسر کشور بران بسج نیروها در جبهه میهن پرستانه برای مبارزه بر علیه این انتخابات به عمل آورد . زیرا این انتخابات دارای خصلت استعمارن است . احزابی بران بدست گرفتن قدرت و حاکمیت با هم مقابله میکنند که پیروزی آنها اسود امیرالاسم امریکا است . ولی هیچ یانه از این احزاب پرازوی کارآمدن قادر به حل مسائل بحرانی که کشور ما با آنها روبرو است نیستند و نه واهند توانست از نرخ و زحمت با بقه کارگرو تمام مردم زحمتکش بکاهند .

باید گفت که هم اکنون متاسفانه دو سازمان از سازمانهای که در راه آزادن پورتوریکو مبارزه میکنند خود را آماده شرکت در انتخابات میکنند : حزب استقلال (جمعیت سنتی پارلماناریست که بیانگر منافع خرده بورژوازی ملی است) ، و همچنین حزب سوسیالیست . به قید و مانع آنها مرتکب اشتباه

بزرگی میشوند. یکی از تدابیر که امپریالیسم در کشور ما بر علیه جنبش آزاد بیختری ملی اتخاذ میکند در واقع انجام دادن انتخابات است که تحقق آن میتواند راه را برای تعدد پدید نیاورد مسئله پورتوریکو در سازمان ملل متحد بیند. بدین ترتیب امپریالیسم از طرف سازمان ملل متحد تحت فشار دائم نبوده و چند سالی مجال و فرصت بدست خواهد آورد.

اما مسئله بهیچ جا ختم نمیشود. احزابنا برده شده در بالا در جریان آمادگی برای انتخابات به این یا آن شکل بطور آشکار آنتی کمونیسم خود را نشان دادند. ما مستوانیم از امتداد دادن آنتی کمونیست داپشتبانی کنیم و از این رو با مراجعه به تمام مردم، به کارگران، روستائیان و شاغلین کارهای فکری از آنها میخوانیم در انتخابات شرکت نکنند. در میتینگها، جلسهها و کنفرانسها از حزب کمونیست پورتوریکو در فم این انتخابات استفاده میاورده اند. این امر مرد متشریح خواهد شد. وحدت و یکپارچگی سازمانها و رجال اجتماعی که ما با آنها در تماس هستیم و در باره مسائل مختلف با آنها مشورت میکنیم امکان میدهد در جنبه گسترده تریهائی را که ما از آنها انتخابات اند موجود آوریم. چنین روی دادن در اوضاع و احوال کنونی عامل قانع کننده برای بر علیه امپریالیسم امریکا میگردد. کمونیستهای پورتوریکوییین دارند علیه رژیم دوشوارب این موجود و میفند این را که بهم رسیده گرفته اند میتوانند اقدام دهند، زیرا هر جا وحدت هست پیروزی هست و در برتوهه میں وحدت است که مردم پورتوریکو بدون استقلال خود را باز خواهند یافت.

وقادار به اصول بنیادین مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتشری را ما حاضرین موفقیت خود میدانیم. بدین سبب با قاطعیت پشتیبانی کامل خود را از سیاست مارکسیستی - لنینیستی انترناسیونالیسم پروتشری که احزاب برادر بود در ده اول حزب کمونیست اتحاد شوروی از آن بیرون میکنند، اعلام میداریم. این موضع برای ما قابل درک نیست که چگونه امروز متوال مسئله امتناع از انترناسیونالیسم را که از دیرباز مارکس و لنین سلاح مبرهنه کمونیستی در این است مطرح کرد. این سلاح در سرازه در راه استقلال ملی بناگذاشته میکند. ما میدانیم که تمام مخالفان امپریالیسم و استعمارگرین پشتیبان کمونیستها و مصلحت پرستان پورتوریکو هستند. این باطل استانی بخشد که روز آزادی پورتوریکو نزدیک است.

بار سنگین دویستمین سال

هانری وینستون

صدر ملی حزب کمونیست ایالات
متحدہ امریکا

زمانہ ورکہ باہملاع رساندیم صدر ملی حرب نمونیت ایالات متحدہ امریکا ہانری وینستون در جلسہ شورای ہیئت تحریریه مجلہ سخنرانی کرد . او در بارہ برخی از مسائل شخصی کہ در برابر حزب کمونیست ، طبقہ کارگرو تودہ ہاں انبوه زحمتکشان ایالات متحدہ امریکا قرار دارد ، مآلسی بیان داشت . ما این سخنرانی اورا در اینجا باختصار درج میکنیم .

ایالات متحدہ امریکا دویستمین سال موجودیت خود را در شرایط بحرانی عمیقی برگذار میکند کہ تمام جنبہ ہای زندگی اجتماعی رافرا گرفته است . در صفحات مجلہ سیاست این سال بسیاری از پدیدہ ہاں واقعیت کنونی عظیمترین کشور جہان سرمایہ دارن روشن گردیدہ است (۱) . رفیق گراہل دبیرکل حزب مادر بیست و یکمین کنگرہ ملی ہنگام تشریح بحرانی کہ کشور ما و دیگر کشورہاں سرمایہ دارن رافرا گرفته روی تاثیر برخی از مظاہر بحران مانند تورم و بیگاری در وضع زندگی زحمتکشان بویژہ تکیہ کرد . تورم بظاہر مشخصی چہ چیز بران زحمتکشان " بارمغان " آورده است ؟ یک عدد نشان سفید یک فونتی کہ چند سال پیش ازہ تا ۱۰ سنت قیمت داشت ، حالا حداقل ۱۴ سنت است (وابستہ بہ کیفیت نان بہاں آن بہ ۸۷ سنت ہم میرسد) . بہاں لوبیا از یک فونتی ۵ سنت بہ ۳۵ تا ۳۰ سنت ترقی کردہ است . خرید گوشت برای زحمتکشان بویژہ نمایندگان اقلیت ہاں ملی وسایر قشرہاں فقیر اہالی روز بروز مشک تر میشود . ماہی کہ تا دیروز فراوان ترین ماہی در دسترس اہالی بود حالا یکی از گران ترین ماہی غذایی است . بہاں مواد غذایی ضروری در اکثر تورم آنقدر بالا رفته است کہ کارگران صنعتی ہم حالا بد شواری میتوانند غذای خانوادہ خود را تامین کنند تا چہ عمدہ کارگران سیاہ پوست ، پورتوریکیو چیکانوس ، بومیان سرخ پوست وامریکائی ہائی کہ اصلشان آسیائی است .

کرایہ خانہ کہ بدون وقفہ زیاد تر میشود بار سنگینی بدوش زحمتکشان است . چند سال پیش کرایہ خانہ کارگران نزدیک بہ یک چہارم درآمد کارگرو بود و این مبلغ زیاد می شد . ولی این مبلغ امروز ۳۰ تا ۴۰ درصد ودحتی ۵۰ درصد بیشتر شدہ است .

۱ - رجوع کنید بہ مقالہ ہای ج . پیتمان و گ . آپتکر " مسائل صلح وسوسیالیسم " شماره ۷ سال ۱۹۷۵ ومقالہ ج . میسر شماره ۳ سال ۱۹۷۶ ومقالہ گراہل ، شماره ۴ سال ۱۹۷۶ (کہ بہ موضوع ایالات متحدہ امریکا در آستانہ دویستمین سال تاسیس اختصاص دارد شدہ است . ترجمہ مقالہ گراہل بفارسی مجلہ مسائل بین المللی) شماره ۲ (۸۰) ، فروردین وارد بیہشت سال ۱۳۵۵ .

زیردخانه ای که من در نیویورک در آن زندگی میکنم مایاد داشتی پیدا کردیم که ضمن آن بصاد
اطلاع داده بودند که کرایه خانه صد درصد گرانتر شده است . مادر خانه این زندگی میکنیم که از طرف
تعاونی مسکن کرایه شده است . بهمین جهت نمایندگان انتخاب کردیم و آنان وکالت دادیم
تا از منافع مافع کنند و اعلام داشتیم که ماده ایم در صورت لزوم اصلا کرایه خانه نپردازیم .
امروز میلیونها امریکائی بر علیه بالا رفتن میزان کرایه خانه مبارزه میکنند . تنها مبارزه قاطع
بر علیه صاحب خانه هائی که میخواهند باز هم به کرایه خانه اضافه کنند ، مبارزه ای که در آن تمام
کرایه نشین ها شرکت میکنند به زحمتکشان امکان میدهد در برابر کسانی که حقوقشان را پایمال میکنند
مقاومت نمایند .

تورم معضل حمل و نقل و رفت و آمد در شهرها را بغرنج تر کرده است . اینجا در برانگ من باین
نکته برخورد کردم که قیمت بلیط اتوبوس شهری یک کرون است (که تقریباً برابر با ۱ سنت میشود) ،
بلیط تراموای یک کرون و رفت و آمد با مترو هم یک کرون است . در مسکو شما میتوانید با مترو یا اتوبوس باینچ
کیک با ترولیسوس (اتوبوس برقی) یا ۴ کیک و با تراموای یا ۳ کیک رفت و آمد کنید . ولی امروز در
نیویورک هر بار که سوار وسائل نقلیه شوید و آنهم فقط در یک جهت باید ۵۰ سنت بپردازید . هر
کارگری روزانه یک دلار برای رفت و برگشت خرج میکند و این در صورتی است که لازم نیاید از یک وسیله
نقلیه به وسیله نقلیه دیگری سوار شود . افزایش بهای بلیط وسائل نقلیه شهری در واقع بمعنی
کم شدن حقوق و یا مزد کارگراست . این در عین حال بدان معنی است که افراد بیکار برای پیدا کردن
کار نمیتوانند از وسایل نقلیه استفاده کنند . بهمین میزان هزینه سایر رشته های خدمات هم بعلت گرانی
افزوده میگردد . به بهای برق ، گاز ، آب ، ذغال و شوفاژ هم اضافه میشود . هیچ کالای صنعتی
رایید انمیکند که در اثر سود جوئی انحصارها گران تر نشده باشد ، گران شدن قیمت لباس یکی از آنها
است . تورم سطح زندگی طبقه کارگر را تنزل میدهد .

تورم همراه با بیکاری است . طبق آمار رسمی هم اکنون در کشور ۲۶ میلیون بیکار وجود دارد .
ولی طبق آمار سندیکا ها این رقم در حدود ۱۲ تا ۱۴ میلیون است . مثلاً آمار رسمی صد ها هزار امریکائی
های جوان را که از خانواده های سیاه پوستانند و بآنکه هر یک مد رسه ای را بپایان رسانده اند ،
در اثر تبعیض نژادی هیچ امیدی به پیدا کردن کار ندارند بحساب نمی آورد . این آمار و ارقام آن توده
انبوه زحمتکشان را هم که کار خود را از دست داده اند و وقت معین دریافت کمک هزینه بیکاریشان هم
سرآمده است شامل نمیشود . پیش از اینها این مدت زمان ۲۶ هفته بود ، بعد ها در نتیجه مبارزات
جمعی و توده ای تا ۳۹ هفته افزایش یافت . پیر از سر آمدن این مدت فرد بیکار فقط میتواند چشم
امید به موسسات خیریه بدوزد ، زیرا در بازار کار او را دیگر بحساب نمی آورند . هنگام صحبت از مضافاً
بحران اقتصادی در کشور باید یاد آور شد که نزدیک به ۳۷ میلیون امریکائی در شرایط بدتری از آنچه
بنا بر رسمی سطح زندگی فقیرانه مقرر گردیده زندگی میکنند و این واقعیتی است که حتی دولت امریکا
مجبور شد بدان اعتراف کند .

جنبش و مبارزه بر علیه تورم و بیکاری که بابتکار حزب ما سازمان داده شده اینک در کشور شدت مییابد
این جنبش راه پیمائی ۷۵ هزار نفره به سوی واشنگتن پایتخت کشور را سازمان داد . در چهارچوب
این جنبش و بهنگام سازمان دادن راه پیمائی میسر شد که با اداره کل سندیکا های رشته های مختلف
آ. ف. ت. ک. پ. پ. ، علیرغم مخالفت صدرا. ف. ت. ج. مینی وحدت عمل بدست آید . شرکت
کنندگان در راه پیمائی خواستهای مشخصی را به پیش میکشیدند که هدف از آنها تامین نیازهای زحمتکش
بود . این اقدام یکی از بزرگترین تظاهرات توده ای زحمتکشان در واشنگتن بود که از آغاز سالهای ۳۰
و هنگام بحران اقتصادی جهانی به اینطرف بیسابقه است .

بحران بر تمام جنبه‌های زندگی اهالی زحمتکش ایالات متحده آمریکا اثر کرده است . برای نمونه مارکود کارهای خانه سازی را بر می‌داریم . زاغه‌ها و ساختمان‌های کهنه و فرتوت منظره شهر را خراب میکنند . میلیون‌ها تن از اهالی فاقد خانه خوب و رضایت بخش اند . در عین حال تحقق برنامه خانه سازی می‌توانست میلیون‌ها بیکار را با کار و شغل تامین کند . عدم کفایت تخت‌خواب در بیمارستانها کاملاً احساس می‌شود . وقتی من آماده سفر از نیویورک می‌شدم ایبید می‌گریپ در سراسر کشور شایع شده بود . برای بیماری از بیماراران در بیمارستانها جا و تخت‌خواب نبود . اگر می‌درسه هانتر را فکیم متوجه می‌شویم که کلاسها مملو از دانش آموزان است . مدرسه باندازه کفایت وجود ندارد . در ضمن باید گفت تحقق برنامه ساختمان کلاسهای درسی تازه و بناهای مدرسه‌های تازه در ورنامی تازه ای هم برای کودکان وهم برای دهها هزار آموزگار و دبیری می‌گشود که حالا کار خود را از دست میدهند و امید هم ندارند که از نو بکار خود ادامه دهند . تمام رشته‌های امور اجتماعی و تمام رشته‌های خدمات بدون استثنا چنین نشانه‌هایی از رکود و تنزل بدست می‌دهند .

بحران شهرها شدت بسیاریه ای کسب کرده است . چنانکه معلوم است شهر داری نیویورک ثروتمندترین شهر کشور ، شهزی که مرکز مالی کشور و اوا استریت در آنجا قرار دارد در آستانه ورشکستگی است . این درست است که نیویورک با وضع خاصی روبرو شده است . در پشت پرده باصطلاح ورشکستگی شهرتجا و سرمایه دولتی - انحصاری به دستاوردهای زحمتکشان پنهان گردیده است . جریان بدینقرار است که نیویورک مرکز کهن جنبش کارگری است . در این شهر بود که وحدت عمل باقیه کارگرو قشرهای متوسط مردم شهر نشین وهمچنین وحدت جنبش کارگری و تظاهرات انقلابی های ملی یعنی سیاهپوستان و بیورتوری کوئی ها ، پدیده ای که دارای اهمیت ویژه ایست ، امکان پذیر گردید . دستمزد زحمتکشان در این شهر در نتیجه مبارزات جمعی بیش از اکثریت دیگر شهرهای ایالات متحده آمریکا است . سرمایه انحصاری در زمین بردن دستاوردهای اجتماعی سکنه نیویورک و خرابکاری و انشعاب در اتحاد کارگران و قشرهای متوسط نینفع است . اگر سرمایه انحصاری موفق میشد بدین هدف خود دست یابد می‌توانست با موفقیت بیشتری بر علیه زحمتکشان دیگر شهرهای آمریکا وارد عمل شود و مواضع کارگران را متزلزل کند (مثلا در ثروتی که شهر در آن یک سیاهپوست است وسط سطح آگاهی دایقاتی کارگران در یکی از بالاترین پایه ها قرار دارد) .

بهمین جهت ، هنگامیکه شهر داری نیویورک تقاضای وام از دولت فدرال گردید آن بظرف قاطع و بی چون و چرا جواب رد داده شد . پرزیدنت فورد طی مسافرت خود به نقاط مختلف کشور سخنرانی‌هایی کرد که ضمن آنها اهالی را بر ضد سکنه شهر نیویورک تحریک نمود . او گفت اگر به نیویورک کمک کرده شود این عمل تبعیضی نسبت بسایر شهرها خواهد بود و دولت فدرال قادر نیست بهمه کمک کند .

ولی توده‌های مردم در این مورد با موضعگیری پرزیدنت فورد روی موافق نشان ندادند . زحمتکشان در این می‌کنند که هیچ شهری نمیتواند تمام مشکلات خود را فقط بحساب منابع درآمد شهر داری بر طرف سازد و مشکلاتی را که در نتیجه بهران شهرها بوجود آمده باید در سطح دولت فدرال حل و فصل کرد . این بهانه و دلیل مشکوک هم که دولت فدرال گویا توانایی آنرا ندارد که کمک کند موثر واقع نشود پایتخت مردم بسیار ساده بود : هیچ کرایه ایالات متحده آمریکا را با حمله جنگی تم دید نمیکنند . هر چه فعلت از بود چه جنگی کم کنیم و میلیاردها دلار را که امروز مصرف ندارند جنگ ویرانگر هسته ای میرسد صرف بر آوردن نیازند بیمای مردم اجتماع نکنیم ؟ این میلیاردها میتواند شهرها را نجات دهد ، در خرابی‌های صنایع را با سرعت بیشتری بهگردش در آورد و وضع توده‌های مردم را بهر حال بد بخشد .

اینم فقط برخی از جنبه‌های بحران همه جانبه ایست که ایالات متحده آمریکا را فرا گرفته ، اینها هستند برخی از مسائل مشخصی که ما امروز با آنها روبرو می‌شویم .

خشم و ناراضی روزافزون مردم یکی از نتایج بحران است . در درجه اول برخشم و غضب سابقه کارگر ، اقلیت های ملی مظلوم و قشرهای متوسط افزوده میشود . افزایش ناراضی مردم با کاهش اعتماد آنها به موسسات و د و ایروسازمانهای دولتی همراه است . این پدیده در دهه پرسی هائی منعکس میگردد که از طرف انستیتوهای گالوپ و هاریس که افکار عمومی را مورد بررسی قرار میدهند ، بعمل میآید . این همه پرسی های طو ورمثال نشان میدهد که اعتماد مردم به پنتاگون به نازلترین سطح رسیده است و در عین حال گواه عدم اعتماد نسبت به قوه مجریه ، کنگره و ارگانهای دادرسی است . مردم به سیاست سازش طبقات که از طرف رهبری آ. ف. ت. ت. ک. پ. پ. که ج . مینی صدارت آنرا تصدیق دارد اعمال میگردند اعتقاد و باورند دارند . نسبت به رهبران کلیساهای گوناگون نیز اعتقاد و اعتماد وجود ندارد و این امر برای ایالات متحده امریکای پدید متاز است . از اعتماد به پزشکان هم کاسته میشود ، چنین چیزی هم در گذشته بچشم نمیخورد .

مدافعان انحصارها هر چه میخوانند بگویند ، هر قدر هم اطمینان بدهند که از شدت بحران کاسته میشود و چشم انداز امید بخش و رنگینی برای اغتلائی آینده پدیدار میگردد صاحبان عقل سلیم درک میکنند که : تا وقتی که تغییر و تحول بنیادی ضد انحصارها که خواست جنبش ضد انحصاری و گسترده توده های است که هدفشان ایجاد یک دولت ضد انحصاری است ، جامعه عمل نباشد هیچ امکان واقعی برای بهبود استوار و با بر جای اوضاع بوجود نخواهد آمد . تنها چنین جنبشی قادر است با سرمایه داری دولتی - انحصاری بمقابله برخیزد .

افزایش خشم و انزجار و عدم اعتماد به حاکمیت انحصارها و درک ضرورت تغییرات بنیادی بدون تردید ، پدیده ای مثبت است . ولی بسیاری از مردم هنوز نمیدانند چه شکل های سازمانی و شیوه های عملی برای دفاع از منافع آنها ضروری است ، همیشه درک نمیکنند که مبارزه بر علیه سیاست ضد خلقی و سبعمانه انحصارها با مبارزه بر ضد آنتی کمونیسم و نژاد پرستی ، این دو سلاح عمده ای که از طرف سرمایه انحصاری بر علیه جنبش کارگری ، دموکراسی و در درجه اول مانند همیشه بر علیه حزب کمونیست امریکا مورد استفاده قرار میگیرد ، ارتباط ناگسستنی دارد . نخستین وظیفه ماکمک به بقه کارگرو توده ها است تا ضمن اقدامات متشکل و باشکل های مناسب این علاقه خود را به تغییر و تحول بنیادی که فعلا بطور عمده به شکل نامنظم و خود بخودی بروز میکند ، بیان دارند .

این مشکل را باید بفوریت و از جمله در جریان مبارزات انتخاباتی برای انتخاب رئیس جمهور - وری ایالات متحده امریکا که در مانوا میرانجام میشود ، از پیش پابرداشت . در جریان مبارزات انتخاباتی هیچیک از احزاب سرمایه انحصاری ، نه دموکراتها و نه جمهوریخواهان ، قطعا برنامه ای نخواهند داشت که مردم را بمبارزه قاطع ضد انحصارها ، بمبارزه در راه دادن کار به بیکاران ، ملی کردن صنایع تولید انرژی و استخراج کانه ها و یا ملی کردن موسسات خدمات عمومی ، مبارزه در راه ایجاد تغییرات کامل بنیادی در سیاست تبعیض نسبت به کارگران سیاه پوست برای متوقف ساختن جریان افزایش اختلاف میان دستمزد ها ، درآمد ها و طول عمر امریکائیان سفید پوست و سیاه پوست ، فراخوانند . فراخواندن توده های مردم بمبارزه با چنین برنامه ای و جلب آنان بمبارزه در راه دگرگونیهای ضد انحصاری تنها از حزب توده ای سیاسی ساخته است که متکی ببقیه کارگر باشد . در حال حاضر چنین حزبی در کشور وجود ندارد ولی چنین حزبی ضروری است .

بسیار و یکمین کنگره ملی حزب کمونیست امریکا با توجه باین وضع قرار خود را درباره اشتراک کمونیست ها در انتخاباتی که در پیش است بمتصویب رساند تا بدینوسیله از مبارزات انتخاباتی برای وحدت نیرو های چپ کشور استفاده نکند . بطوریکه میدانیم گسرها و بپیرکل حزب ما و ج. ا. ر. و س. تا بنرصد سازمان حزب

کمونیست در ایالت نیویورک به ترتیب برای مقامهای ریاست جمهوری و معاون آن نامزد شدند . نامزد های حزب ما و تمام اعضای حزب عقیده دارند که میلیونهای دهنده ای که تا حال در مبارزات انتخاباتی شرکت نکرده اند و میلیونها افراد دیگری که بشکل غیرمنظم و بیطو و برخود بخودی بر علیه پی آمده های بحران اعتراض کرده اند ، منتظر نامزدی هستند که بتوانند بگویند : " این است راه خروج از بحران ، این است راه پیشروی ایالات متحده آمریکا ، این است برنامه ای که میتواند مورد پشتیبانی شما قرار گیرد " . مبارزه انتخاباتی حزب کمونیست بر پایه مشی اصلی مابعد مبارزه در راه سیاست گاهش تشنج و همزیستی منالمت آمیز استوار است . ما توجه خود را در این مبارزات به توده های انبوه انتخاب کنندگان مستقل ، اعضای ساده احزاب دموکرات و جمه و ریخواه ، افراد ضد فاشیست ، ضد امپریالیست و تمام افرادی که دارای افکار و روحیه دموکراتیک اند معطوف کرده ایم . هدف برنامه ما کمک به مردم برای درک این نکته است که پیشروی در راه صلح و ترقی اجتماعی به استقلال هر چه بیشتری از هر دو حزب موجود که در خدمت منافع انحصارها هستند نیازمند است ، چنین خط مشی نیازمند ایجاد حزب خودی توده ای ضد امپریالیستی بقیاس گسترده ایست که متکی ببقیه کارگر باشد . هدف مبارزات انتخاباتی ما بسط و تکامل جنبش توده ها است ، زیرا فقط چنین جنبشی میتواند به ایجاد چنان حزبی انجامد .

علیرغم دعای مدافعان دموکراسی سرمایه داری در باره " آزادی " رای مردم که گویا از خصائص این دموکراسی است ، معرفی نامزد های انتخاباتی برای کمونیست ها در انتخابات ایالات متحد آمریکا بهیچوجه کار ساده ای نیست . در ایالات مختلف قوانینی وجود دارد که راه ورسم به ثبت رساندن نامزد ها را تعیین میکند . در عین تنوع و رنگارنگی این قوانین همه آنها دارای خلعت آشکار ضد کمونیستی اند و مقصود از آنها حفظ مواضع و سلطه احزاب دموکرات و جمه و ریخواه در زندگی اجتماعی است . برای شرکت در مبارزات انتخاباتی ما ناچار شدیم دست بکار تازه ای بزنیم . ما قوانین انتخاباتی محدودیت هائی را که در ایالات مختلف برای نامزدگان وضع کرده اند و خلعت و ماهیت موانع و اشکالاتی را که در انتخاب نامزد های ما است ، همه را مطالعه و بررسی کرده ایم . ما در وجهه بر علیه قوانین ضد کمونیستی مبارزه میکنیم و مبارزه توده ای یعنی فشار از پایین را با مبارزه در راه حقوق حزب در ارگانها و در رسی تلفیق میکنیم . ما مطمئن داریم که علیرغم قوانین ضد کمونیستی که در ایالات وجود دارد ، حزب امکان معرفی نامزد های خود را حداقل در ۳۰ ایالت از ۵۰ ایالت موجود دارا میباشد . ثبت نام کمونیست ها در فهرست نامزد ها به حزب ما امکان میدهد میلیونها رای دهنده را مخاطب قرار دهد و همین سبب مضمم هستیم برای دست یافتن به این مقصود از تمام امکانات خود استفاده کنیم .

میتوانیم بگوئیم که هم اکنون در مرکز کشور ، در مناطق عمده صنعتی که بخش عمده ببقیه کارگر در آنجا زندگی میکند به موقعیتهائی رسیده ایم . بطور مثال نامزد های حزب ما میتوانند در ایالت اوهایو خود را نامزد انتخابات کنند و این دارای اهمیت بسیار است . موسسات عظیم صنایع فلزی ، اتومبیل سازی و الکترونیک ، در این ایالت واقع شده است . در این سیلوانی هم که مراکز بزرگ صنعتی مانند منطقه پیتمسبورگ و فیلا دلفی در آنجا قرار دارند باندازه کافی امضاء جمع آوری شد . با مطمئن کامل میتوان گفت که نامزد های ما در ایندیانایلی نیس هم در فهرست نامزد های انتخاباتی خواهند بود . هرگاه نیویورک راهم که ما در آنجا همیشه به ثبت نام نامزد های خود موفق میشدیم به این ایالات بیفزاییم ، در نمانی خوبی برای اقدامات بعدی حزب در مبارزات انتخاباتی بدست خواهد آمد . اما نظری هم به مواعینی بیفکنید که ما برای شرکت در انتخابات باید از پیش پابرداریم . برای مثال

کالیفرنیا را در نظر میگیریم . تا همین چند ی پیش حزب برای ثبت نام نامزد های خود در این ایالت سیصد نزدیک به ۳۵۰ هزار امضاء جمع آوری کند . در عمل این بدان معنی است که باید تقریباً به دو میلیون منزل سرزد و با میلیونم انفرصحت کرد . ولی تلفاتی که سر راه بود مشکل دیگری را هم شامل میشد و آن اینکه امضاء را باید کسانی میدادند که بمنزله طرفداران حزب دموکرات و یا جمهوری خواه ثبت نام نکرده باشند و امضاء از تمام بخش های ایالت کالیفرنیا یعنی از بخش های هم که در آنها عدّه زیادی مرتجعین وابسته به جمهوریخواهان زندگی میکنند و در آنجا احوال و روحیه نژاد پرستانه ضد کمونیستی حکومت میکنند ، جمع آوری شود . حزب ما با استفاده از مراجع قضائی مخالفت خود را با این مقررات ابراز داشت .

هنگامیکه معلوم شد جریان دادرسی ناگزیر بسود مائتام خواهد شد ، مجمع قانونگذاری ایالت کالیفرنیا مجبور به عقب نشینی شد و قانون را تغییر داد و چندی پیش این قانون تازه را فرماندار امضاء کرد . طبق این قانون نامزد های مستقل را میتوان در صورتیکه تقریباً ۶۱ هزار امضاء جمع آوری کرده باشند به ثبت رساند و امضاء را هم باید طی ششماه فراهم کرد . اگرچه این مقررات تازه را هم نمیتوان سهولت انجام داد ماینکه مبارزه برای جمع آوری امضاء را آغاز کرده ایم و امید داریم که آنرا با موفقیت پایان برسانیم .

در ایالت میشیگان که قانون طی سالهای زیادی به هر حزبی اجازه میداد نامزد های خود را در فروردین ثبت بکنند ، حزب مایگانه شرطی را که برای انجام این کار لازم بود و آن جمع آوری امضاء نزدیک به ۱۵ هزارتن از انتخاب کنندگان است ، بناچار رساند . اما پس از آنکه این کار با ما امضاء به ثبت رسید ، مجمع قانونگذاری ایالت قانون را عوض کرد . قانون جدیدی که از طرف فرماندار امضاء رسیده از امسال بموقع اجرا در آمد . بنابراین قانون حزبی که تا بدو لازم امضاء را جمع میآورد در انتخابات مقدماتی هم باید شرکت کند و در این انتخابات مقدماتی که اینک احزاب دموکرات و جمهوریخواه و جمعی نامزد های خود را میآزمایند باید حداقل ۵ هزار رأی بدست آورد . حالاً ما دست با اقداماتی زده ایم که غیر قانونی بودن این خواسته های تازه را با اثبات رسانیم .

وضع در ایالت آلاباما بسیار بدتر است . درست است که در این ایالت فقط ۱۰ هزار امضاء باید جمع کرد تا بتوان نامزدی را به ثبت رساند . ولی با در نظر گرفتن شرایطی که در آلاباما بوجود آمده ، در ایالتی که فرماندارش ژنرال اسر فاشیست ماب مشهور است و در آنجا ترور و زورگویی و نژاد پرستی حکمفرما است ، گرد آوردن این اندازه امضاء کار آسانی نیست . بطور مثال یکی از افراد ماکه سه گردآوری امضاء مشغول بود با آنها با اصطلاح " سو " قصد به جان رکفلر معاون ریاست جمهوری که از قضا در آن هنگام در نیویورک بود و هزار میل با آلاباما فاصله داشت ، باز داشت گردید . افرادی که برای ما امضاء گرد میآوردند در آلاباما در معرض خطر بازداشت بودند و این در حالی است که آنها از حقوقی که قانون اساسی بدانها داده استفاده نمیکنند . با اینهمه حزب این هدف را در برابر خود داشت که در آلاباما حداقل ۱۵ هزار امضاء گرد آورد . امروز ما کاملاً معلوم است که به این هدف دست خواهیم یافت . ولی در آلاباما مشکل دیگری هم وجود دارد . طبق قوانین این ایالت نامزد حزب کمونیست اصولاً حق شرکت در انتخابات آنجا را ندارد . چنین قوانینی در دیگر ایالات در سال ۱۹۷۲ مغایر با قانون اساسی اعلام شد . ما خود را برای مبارزه در راه لغای این قانون در آلاباما آماده میکنیم و از هم اکنون باد ورنمای امید بخشی برای موفقیت در این مبارزه روبرو هستیم .

ایالات دیگری نیز وجود دارد که در آنها قوانین ضد کمونیستی همواره اجرا گشته میشود و ما خود را برای مبارزه توده ای در راه لغای آنها آماده میکنیم . اینک ما برای شریک شدن این مبارزات به اساسهای قانونی خوبی نظر برقرار ادگاه عالی کشور درباره قوانین ماگارتن - ولتر و سمیت متکس

هستیم . مبارزه بر علیه قوانین ضد کمونیستی را چه بمقیاس دولت فدرال و چه در ایالات ما بمنزله بخشی از مبارزه حزبمان در راه دموکراتیزه کردن سیستم انتخاباتی تلقی میکنیم . مبارزه بر علیه لایحه قانونی بیدارگرانه ای که هم اکنون مورد مذاکره است و بنام " لایحه سنای (S.I.) " مشهور است ، یعنی قانونی که بدولت حق میدهد بر علیه هرگونه فکرواندیشه مخالف تدابیر پلیسی و تضییق و فشار بکاربرد و خود خطری برای تمام طرفداران دموکراسی در کشور و بویژه فعالان صفوف طبقه کارگر و اقلیت های ملی مظلوم است ، جزئی از همین مبارزه است . تصویب چنین قانونی کشور ما را به عقب به بدترین دوران حکمروائی ماکارتیسم سوق خواهد داد .

ما بر این عقیده ایم که در مبارزه بخاطر رشت نام نامزد های خود در فهرست انتخاباتی حداقل اکثر ایالات از ۳۰ ایالتی که از آنها یاد کردیم میتوانیم پیروز شویم . چندی پیش شورای ملی حزب نقشه عملیاتی را که رسالتشان تأمین پیروزی مبارزه ما در راه مشارکت در انتخابات است به تصویب رساند . کمیته ویژه ای برای تبلیغ و تشویق ایجاد شده است . این کمیته بهترین استعداد های حزب را از میان نویسندگان ، مبلغین ، سازمان دهندگان و کارشناسان در مسائل مختلف بسیج میکند . ما میخواهیم از وقتی که معمولاً رایووتلویزیون به وورایگان در اختیار نامزد های انتخاباتی میگردد حد اکثر استفاده را بکنیم . در عین حال در نظر داریم برای سخنرانی نامزد های انتخاباتی خود وقت اضلی بخریم . مادر خانه ها ملاقات و گفتگو ترتیب میدهم و میتینگ هایی تشکیل میدهم که نامزد های انتخاباتی حزب در آنها سخنرانی میکنند . همه باید صدای حزب ما را بشنوند . این واقعیت که سخنرانی رفیق هال در نیست و یکمین کنگره ملی حزب ماکه در صد هزار نسخه بچاپ رسیده بود در مدت کوتاهی بفروش رفت بمالهایم بخشیده است . ما این پدیده را سر آغاز خوبی برای فعالیتهای بیشتر در راه انتشار نشریات حزبی و رساله ها (بروشور) با چند میلیون تیراژ بشمار می آوریم .

حزب ما علیرغم تمام موانع و دشواریها با ورفعال از شرایط مساعد برای مبارزه استفاده میکند . و نکته مهم وجود دارد که نشانه های نیکی برای آینده است . یکی از جنبه های مثبت عمده اوضاع کنونی چرخش از " جنگ سرد " به گاهتر تشنج است . در پرتوقدرت روز افزون جامعه کشورهای سوسیالیستی و بویژه کوششهای مستمر اتحاد جماهیر شوروی در جهت تحکیم صلح و در اثر مبارزات کارگری جهانی و جنبش آزاد بیختر ملی فعالیت ها با ارتجاعی ترین محافل سرمایه انحصاری و طرفداران تاحدود زیادی دشوار شده است . علاوه بر این در جریان مبارزه بر علیه جنگ امپریالیستی ایالات متحده امریکا در ویتنام و سیاست امپریالیستی در آنگولا و در مبارزه برضد بودجه نظامی در کشور اکثریتی پدید آمده است که خواهان صلح است . این اکثریت سیاست خارجی ایالات متحده امریکا را در بسیاری از مسائل مورد انتقاد قرار میدهد . این پدیده تازه ایست . و وظیفه ما سازمان دادن این جنبش توده ایست که اغلب خود بخودی جریان مییابد . ما باید هدف های این جنبش را روشن کنیم و آنرا گرد طبقه کارگر متحد سازیم . ما در این زمینه موفقیت هایی بدست آوریم ، اگرچه هنوز باندازه کفایت نیست .

نکته دوم مربوط به پدیده مهم دیگری است که آن بیداری و آگاهی اعضای جنبش سندیکائی است . افزایش ناراضی کارگران از سیاست رهبری ارتجاعی آ.ف.تسک ، پ.پ.پ. و مبارزه آنها با بر علیه رشوه خواری ، دزدی در ادارات دولتی ، گانگستر بیسم و بر علیه سیاست همکاری با بقاتسی سندیکاهای برخی از موارد به برکنار ساختن رهبران سندیکائی مرتجع که اعتبار خود را از دست داده اند و انتخاب افراد تازه ای که دارای نظریات مترقی اند و از منافع کارگران دفاع میکنند انجامیده است . حزب در پیشرفت این جریانها نقش مهمی ایفا میکند .

مبارزه انتخاباتی ما و سراسر تبلیغات حزبی ما باید مردم را متقاعد سازند که راه حل نهایی و کامل معضلاتی که در برابر طبقه کارگر و تمام مردم زحمتکش امریکا قرار دارد، راه مبارزه بخاطر تحولات بنیادی اجتماعی و مبارزه در راه دموکراسی واقعی است. مبارزه بر علیه مائوئیسم هم که میکوشد در جنبش کارگری با پیش کشیدن شعار "هر چه بدتر بهتر" تفرقه و سردرگمی ایجاد کند و مدعی است که مبارزه در راه نیازمندیهای مردم کارگران را باید بخاطر کوشش در راه برقراری سریع نظام سوسیالیستی در ایالات متحده امریکا از برنامه حذف کرد، جزء همین مبارزه است. طبیعی است که چنین نظریاتی آب به آسیاب بدترین دشمنان زحمتکشان و مردم میریزد.

من در پایان سخن میخواهم از نیروی این نکته تکیه کنم که مدافعان سرمایه داری میکوشند با استفاده از برگزاری جشنهای دو بیست و نهمین سالگرد ایالات متحده امریکا در ورنا می و سایر نقاط در برابر دشمنان مردم عادی کشور برای آینده سرمایه داری ترسیم کنند. اما امریکائیان ساده و معمولی هر چه کمتر به پیشگوییهای پیامبران شکوفانی جامعه و ضدایان "عصر امریکا" آینده باور میکنند. این افراد هر چه بیشتر رقیب حاصل میکنند که احزاب سرمایه انحصاری قادر به رهائی بخشیدن کشور از اثرات ویرانگر بحران عمومی سرمایه داری نیستند. به همین سبب یکی از جهات عمده تمام فعالیت و تبلیغات ما اینک باید کمک به توده های انبوه رای دهندگان مستقل، اعضای عادی احزاب دموکرات و جم. و ریخواه، ضد فاشیست ها، مخالفان امپریالیسم و تمام دموکراتهای واقعی باشد و هم اکنون ما در این راه گام برمیداریم. ما باید بدانها کمک کنیم تا بدین نکته واقف شوند که: چنین برنامه ای هست، چنین راهی به پیش وجود دارد که امکان میدهد به استقلال طبقاتی هر چه بیشتری از دوحزب کمین دست یابند و راه برای حل غائی معضلاتی که با بقیه ما و مردم کشور ما آنها را روبرو هستند موجود است. این راهی است که کمونیست ها پیشنهاد میکنند. پیروزی مبارزات آنها جزء جدایی ناپذیر مبارزه مشترک ما در راه دموکراسی در کشور است که بارش آگاهی طبقاتی و اتحاد ارتباط دارد. میتوان گفت که در جریان این مبارزه ممکن است حزب توده ای ضد انحصار هم ایجاد گردد.

کشورهای در حال رشد و خلع سلاح

نعیم اشهب

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست

اردن

امپریالیسم برای جلوگیری از پیشرفت اجتماعی - اقتصادی کشورهای نوظواسته از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند، آنها را وارد بیه مصرف هزینه‌های غیرتولیدی و از جمله نظامی می‌کند و سعی دارد آنها را در تقسیم کار بین المللی سرمایه داری در همان نقش‌ناچیز گذشته یعنی منبع غارت و چپاول انحصارهای چندملتی، نگه‌دارد. تشدید و خامت اوضاع بین المللی و دامن زدن به اختلاف‌های موجود میان کشورهای جوان هم به همین منظر و صورت می‌گیرد.

امپریالیست‌ها با دامن زدن به آتش تضاد‌های گذشته و بوجود آوردن تضاد‌های تازه از آغاز سال‌های پنجاه کوشیده اند برخی از کشورهای جوان و در رده اول آنهائی را که دارای رژیم‌های محافظه کار و ارتجاعی اند، به دسته بندی‌های تجاویزکاری که خود سرهم بندی کرده اند بکشانند. فشار بر این کشورها منظر و رد رگیر کردن آنها با دنیا و سوسیالیسم و توسعه دامنه میلیتاریزه کردن اقتصادشان افزایش یافته است. امپریالیست‌ها با کشاندن برخی از این کشورها به بلوک‌های نظامی در پیگر کشورها عدم اعتماد و بدگمانی بوجود آوردند و آنها را مجبور کردند خود را برای خنثی ساختن تجاویز آماده سازند، و این بدان معنی است که آنها را وارد بخرید اسلحه کردند و آتش جنگ را شعله ور ساختند. در هر دو حالت دشمنان آزادی و استقلال خلق‌های کشورهای در حال رشد بسود و منفعت رسیدند.

تجزیه و تحلیل تاثیر مستقیم و غیر مستقیم مسابقه تسلیحاتی بر کشورهای نوظواسته به امکان می‌دهد چنین نتیجه‌گیری کنیم که خلق‌های این کشورها در پایان بخشیدن به افزایش ذخایر سلاح‌های مرگبار بشدت ذی‌نفع اند. نباید پائین بودن سطح و رشد یکطرفه اقتصاد این کشورها، فقر منابع مالی بسیاری از آنها و نیاز زیاد و مستمر بوسائل مختلف برای تحقق برنامه‌های مهم حیاتی اجتماعی - اقتصادی را فراموش کرد. با اینهمه سهم این کشورها در هزینه‌های نظامی بمقیاس جهانی ۱۴٪ یعنی بمیزانی است که برای آنها غیر قابل تحمل است.

نمونه ایران در این مورد خیلی تپیک و بارز است. این کشور در شمار موسسان پیمان بغداد بود که اینک به پیمان سنتو مشهور است. امپریالیست‌ها، بویژه ایالات متحده آمریکا اقدامات توسعه طلبانه و سیطره جویانه هیئت حاکمه ایران در منطقه دریای عربی و خلیج فارس را ترغیب و تشویق می‌کنند و بدان نقش ژاندارمی را که یاسد ارباب انحصارهای بین المللی، بویژه انحصارهای نفتی در خاور میانه است، واگذار کرده اند. ایران برای اجرای این نقش نیازمند نیروهای مسلح بسیار قوی است. بدین ترتیب این کشور به دایره مسابقه تسلیحاتی کشانده شد. اگر هزینه سالانه این کشور برای خرید اسلحه و مهمات

در سالهای پنجاه از چند ده میلیون دلار تجارت و تمیز کرد و او آخر سالهای ۶۰ از مرز ۷۰۰ میلیون دلار گذشت ، در سال مالی ۱۹۷۴-۱۹۷۵ این هزینه ارتقا منجمی در میلیارد و پانصد میلیون دلار را شامل گردید . هزینه های جنگی از سرمایه (فوند) خود شاه (۱) را هم که يك بایرونیم بیش از مبلغی است که از بودجه رسمی دولتی باین رشته اختصاص داد همیشه بود ، باید بدین مبلغ افزود . بدین ترتیب ایران فقط در سال ۱۹۷۵ بیش از ۷ میلیارد دلار بمنظورهای نظامی خرج کرده است که از بودجه نظامی فرانسه اندکی کمتر است ، ولی بیشتر از بودجه نظامی ایتالیا است . این مسئله را حتی مطبوعات بورژوازی هم تأیید میکنند .

واشنگتن مایل است نقش مدافع منافع انحصارهای ایالات متحده آمریکا در خاور نزدیک را به عربستان سعودی هم واگذار کند . در این کشور نیز ارتش نیرومندی بکمک پنتاگون ایجاد میگردد ، عربستان سعودی اینک میان کشورهای واردکننده اسلحه از آمریکا مقام سوم را داراست و کشورهای جمهوری فدرال آلمان ، یونان ، اسپانیا و کانادا را پشت سر گذاشته است . دولت عربستان سعودی در نه اردیبهشت سال ۱۹۸۲ ساختمان ۱۰ واحد ساختمانی نظامی را با ارزش کلی ۱۰ میلیارد دلار به پایان برساند (۲) . این واحد ها را مهندسين استحکامات ارتش آمریکا میسازند .

در خاور نزدیک يك وضع بغرنجی پدید آمده است . مسابقه تسلیحاتی در این منطقه از یک طرف در نتیجه دسایس امپریالیسم و عمال آن یعنی رهبری صهیونیستی اسرائیل بر علیه جنبش آزاد ییخش ملی عربی و بویژه بر ضد شناسائی حقوق قانونی اعراب فلسطین ناشی گردیده و از طرف دیگر نتیجه واکنش اعراب در مقابل این دسایس است . کشورهای این منطقه طی دوران ۱۹۴۸ (سال تاسیس دولت اسرائیل) ۱۹۷۶ برای مقاصد دفاعی دهها میلیارد دلار بمصرف رسانده اند و این در حالی است که این پولها را بمنظور پیشرفت اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشورهای خوبتر خیلی لازم دارند . هزینه های نظامی در خاور نزدیک بویژه پس از جنگهای ماه ژوئن سال ۱۹۶۷ که بوسیله اسرائیل شعله ور گردید و امپریالیسم آزاد امن زب شدت افزایش یافت . اسرائیل اراضی وسیعی از سرزمین های اعراب را اشغال کرد و هنوز هم آنها را در تصرف خود دارد . علاوه بر این به سیاست تجاوز کارانه خویش نیز ادامه میدهد . بهمین سبب کشورهای عربی ناچارند به تداوم مبارزاتی دست بزنند و این خود نیازمند صرف هزینه های فراوان است . اگر هزینه های نظامی طی سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۳ در سراسر جهان فقط = ۷۰ درصد افزایش نشان میدهد این رقم برای خاور نزدیک ۷۸ درصد است ! از این روماکونیست ها وظیفه ای را که در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به کنگره بیست و پنجم بر پایه تجزیه و تحلیل عمیق اوضاع در منطقه مافرومولیندی شده مهم و موقوع میدانیم . این وظیفه بقراری است : " تمرکز کوششهای کشورهای صلح دوست برای از بین بردن کانونهای باقیمانده جنگ و در رده اول عادی کردن اوضاع خاور نزدیک بطرز عادی و استوار ، بررسی مسئله همکاری برای پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی در خاور نزدیک از طرف کشورهای که در این عادی کردن اوضاع سهیم اند " .

بخش اعظم مسئولیت اوضاع خاور نزدیک بعهده کشورهای امپریالیستی است . میدانیم که این

- ۱ - طبق دستور شاه در سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ بیش از ۴۰۰ هواپیما ، ۵۰۰ هلیکوپتر ، ۷۰۰ تانک ، ۱۸ کشتی جنگی و هزاران موشک از سیستمهای گوناگون سفارش داده شد . هیئت تحریریه
- ۲ - عربستان سعودی تنها طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ ، ۱۸۰ فروند هواپیما جنگی ، ۱۵۰ تانک تعدادی هلیکوپتر ، کشتی های جنگی ، موشک و انواع دیگر اسلحه و مهمات سفارش داده است .

هیئت تحریریه

کشورها و بویژه ایالات متحدہ امریکا بخش عمدہ اسلحہ و مہمات را در اختیار اسرائیل قرار میدهند و با این اقدام قدرت جنگی تجاوزکاران افزایش میدهد (۱) . امپریالیست های اسرائیل را بسوی اعتنائی به قرارهای سازمان ملل متحد که آنرا به خارج ساختن نیروها و بیشتر از سرزمین های اشغالی اعراب فرامیخواند ترغیب میکنند و آنستفسر سیاسی درخاور نزدیک را با تشدید تنش و ایجاد خطرات درگیری جنگی در یکره رآلود میسازند ، و این پدیده مانند گذشته میتواند صلح و امنیت جهانی را بمخاطره افکند .

مسابقه تسلیحاتی که از طرف امپریالیسم آغاز گردیده و اسرائیل نیز بدان پیوسته است ، بیشتر از همه به کشورهای عربی و در درجه اول به قربانیان بلاواسطه تجاوز اسرائیل زیان میرساند . این کشورها برای آزاد ساختن سرزمین های اشغالی و آمادگی برای مقابله با خطر تجاوزی تازه ناچارند نیروهای مسلح خود را تقویت کنند . بطور مثال جمهوری عربی سوریه با وجود محدود بودن منابع مالیش مجبور است سالانه بیش از یک سوم درآمد ملی خود را صرف هزینه های دفاعی نماید . این موضوع درباره مصر هم صادق است . جمهوری عربی مصر با درآمد ملی در حدود ۴ میلیارد فونت مصری (۲) در سال ۱۹۷۳ یک میلیارد و سیصد میلیون فونت صرف هزینه های نظامی کرده است . این مبلغ برای ساختمان و نیروگاه برق آبی از نوع اسوان کفایت میکرد . آتش افروز مرحله تازه مسابقه تسلیحاتی که در منطقه ما آغاز شده ، مانند گذشته اسرائیل است . امپریالیست های امریکا مدرن ترین سلاح های جنگی را در اختیار اسرائیل میگذارند که موشک " پرشینگ " از جمله آنها است . این موشک قادر به حمل کلاهک هسته ایست . این نکته جالب توجه است که ایالات متحدہ امریکا پس از امضای دو میسن قرارداد میان مصر و اسرائیل (قرارداد سینا) که خود میانجی آن بود ، تحویل این موشک ها را بعهده گرفت . این تصدیق را هم بمنزله " گام مهمی در راه صلح " درخاور نزدیک قلمداد میکند . اما هدف واقعی امریکا از این اقدام ، تأمین برتری نظامی اسرائیل بر همسایگان آنست که در جریان نبردهای اکتبر سال ۱۹۷۳ مورد شک و تردید واقع شد .

باید دانست که کشوری مسلح میشود که با لجاج و عناد از امضای قرارداد عدم اشاعه سلاح هسته ای امتناع میورزد . لیدران اسرائیل گاه بویگاه بخود اجازه میدهند با کبر و نخوت اعلام کنند که اسرائیل میتواند سلاح هسته ای داشته باشد (۳) . نشانه های خطرناک اینک محافل امپریالیستی - صهیونیستی قصد دارند منطقه ما را به پرونده تازه افزایش تسلیحات بکشاند عیان و آشکار است . این پرونده خطر آنرا دارد که کیفیت هسته ای بخود بگیرد . چنین پدیده ای زیان جبران ناپذیری به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تمام خلقهای خاور نزدیک وارد میساخت و مانع از آن میشود که این کشورها عقب ماندگی را که از گذشته ها ارث برده اند برطرف کنند و آنها را در برابر حمله و هجوم انحصارهای امپریالیستی ضعیف و ناتوان میکرد .

- ۱ - هزینه های جنگی اسرائیل طی سالهای ۱۹۷۴-۱۹۷۵ و ۱۹۷۵-۱۹۷۶ تقریباً هفت میلیارد دلار بوده است . در نظر است که طی سال مالی ۱۹۷۶-۱۹۷۷ بیش از ۴ میلیارد دلار بمصرف برسد . تقریباً نیمی از درآمد ملی سالانہ اسرائیل بمصرف هزینه های جنگی میرسد . این کشور را لحاظ هزینه جنگی نسبت به جمعیت کشور (۱۷۰۰ دلار در سال برای هر نفر) اینک مدت درازی است مقام اول را ، که افتخاری بر آن مقرب نیست ، دارا میباشد .
- ۲ - یک فونت مصری برابر با ۲۰۶ دلار امریکا است .
- ۳ - در ضمن چندی پیش در مطبوعات امریکا خبری انتشار یافت دایر بر اینکه اسرائیل هم اکنون ۱۳ کلاهک هسته ای در اختیار دارد . هیئت تحریریه .

امپریالیسم در دیگر مناطق کره زمین هم کانونهای تشنج ایجاد میکند و درگیری و برخورد بوجود میآورد. ولی حالا دیگر امپریالیسم وحتى جنگ افروزترین محافل آن ناچاراند تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی و تعمیق تضاد در اردوگاه خودشان را (اضمحلال سه‌آتو ، پدیده‌های بحرانی در سنتوحتى ناتو) بحساب بیاورند. امپریالیسم مجبوراست هر چه بیشتر به شیوه‌های دیگر مبارزه با جنبش آزادبخت ملی و سعی و کوشش کشورهای جوان برای پیشرفت در راه استقلال و ترقی دست بزند. میان این قبیل وسائل و شیوه‌هایی هم تشدید فعالیت‌های خرابکارانه و جاسوسی از نوع سیا، تدارک و انجام توطئه‌های ضد دولتها، اقدامات خرابکارانه بر علیه نیروهای متورقی و موکراتیک و عملیات تروریستی است (۱) .

امپریالیست‌ها از صرف نیرو برای تحکیم رژیم‌های ارتجاعی کشورهای که آنها را پایگاه و دژ خود میدانند دریغ نمی‌ورزند. رژیم اسرائیل در خاور نزدیک، ایران در خاور میانه، جمهوری افریقای جنوبی در قاره افریقا و برزیل در امریکای لاتین را آنها از این نوع رژیم‌ها میدانند. باید یادآور شد که هیئت‌های حاکمه برخی از این کشورها به اسلحه‌ای که از شرکای خود می‌خرند قناعت نمیکنند و صنایع جنگی برای خود ایجاد میکنند که مدرن‌ترین وسائل تکنیکی جدید از هواپیما گرفته تا موشک تولید میکنند (۲) . علاوه بر این اطلاعاتی در دست است که برزیل و جمهوری افریقای جنوبی (مانند اسرائیل) یاهم اکنون سلاح هسته‌ای در اختیار دارند و یا اینکه هر وقت بخواهند میتوانند آنها را تولید کنند .

نیازی باثبات ندارد که فروش اسلحه سودهای کلانی عاید انحصارهای صنایع جنگی میکند. علاوه بر این فروش اسلحه یک منبع مهم بدست آوردن ارز خارجی برای کشورهای امپریالیستی است که موازنه پرداخت‌های آنها را بهبود می‌بخشد. اگر صد در صد اسلحه در سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۴ میلیارد دلار تخمین زد میشود، در سال ۱۹۶۳ این مبلغ به ۸۷ میلیارد دلار رسید که بخش اعظم آنها متعلق به ایالات متحده امریکا بوده است. ولی در سال ۱۹۶۴ تنها کشور امریکا تا ۸۳ میلیارد دلار اسلحه فروخته، و در نظر دارد که در سال ۱۹۶۶ این رقم را به ۱۲ میلیارد دلار برساند. کشورهای در حال رشد از جمله خریداران این اسلحه‌اند و این اقدام برخلاف و بزیان برنامه‌های پیشرفت آنهاست .

سابقه تسلیحاتی و مصرف رساندن مبالغ سرسام‌آور برای ادمان در بالاترین سطح علت عمده تورم است که جهان سرمایه‌داری را هر چه عمیق‌تر فرا میگیرد. میزان تورم در برخی از کشورهای سرمایه‌داری به ۱۲ تا ۱۵ درصد رسان بالغ گردیده است. تورم، با وریکه میدانیم به بسالاً رفتن سریع قیمت کالاها، صنایع غیرجنگی هم منجر میگردد. در عین حال کشورهای در حال رشد از جمله عمده‌ترین واردکنندگان چنین کالاهایی هستند .

احزاب کمونیست کشورهای در حال رشد عواقب هلاکتبار مسابقه تسلیحاتی را یادآور میشوند و در عین حال راههای مشخص‌رهایی از آنها هم نشان میدهند. بی‌ا ورمثال در قاره‌نامه سیاسی ده‌مین کنگره حزب کمونیست هندوستان (سال ۱۹۷۵) گفته شده است: " باید تدابیر فوری‌نه فقط بمنظور مرتفع ساختن خطر جنگ، بلکه برای بازسازی بنیادی سیستم مناسبات بین‌المللی برپایه همزیستی

۱ - اتحاد و تدارک کمیسیون کنگره امریکا مأمور رسیدگی به فعالیت‌های هم از جمله بدین امرگواهی میدهد .

۲ - در سال ۱۹۷۵ موسساتی در اسرائیل وجود داشت که هواپیماهای جنگی میساختند (کارخانه سازنده موتور هواپیما (۳) مرمیات و موشک (۸) ، وسائل الکترونیکی (۳) ، تانک و زره پوشر (۴) ، کشتی‌های جنگی (۴ کارخانه) .

مسالمت‌آمیز، همکاری برای برپا آوردن هند و طرف اتخاذ گردد، تا بدین ترتیب تضمین های سیاسی و اقتصادی يك صلح پایدار و برچیده شدن تمام پایگاه‌های نظامی در سرزمین های خارجی تامین گردد.

شرکت در مسابقه تسلیحاتی در وضع اقتصادی و اجتماعی تمام کشورها، خواه کشورهای پیشرفته و خواه در حال رشد تاثیرمی بخشد. این امر با اسرائیل هم‌مربوط میشود، زیرا این کشور کم‌کم‌های عظیمی از کشورهای سرمایه داری و بورژوازی بزرگ یهودی جهان سرمایه داری دریافت میکند. محافل حاکمه اسرائیل از سال ۱۹۴۸ تا حال بیش از ۳۰ بار بهای ارز خود را کاهش داده اند. اگر در سال ۱۹۴۸ فونت اسرائیل برابر با ۴ دلار بود، حالا در سال ۱۹۷۶ در مقابل يك دلار ۸ فونت اسرائیلی میدهند.

مسابقه تسلیحاتی که کم‌کم کشورهای پیشرفته به کشورهای جوان را محدود میکند مانع از آنست که فاصله سطح پیشرفت میان آنها کاهش یابد. بطور مثال در سال ۱۹۷۰ میزان محصول کلی ملی سراندر کشورهای پیشرفته سرمایه داری ۱۲ بار بیشتر از کشورهای در حال رشد بود (سکنه این کشورها رو به مرز ۲۶ میلیارد نفر است). این فاصله و اختلاف میان کشورهای نامبرده نه فقط کاهش نمی‌یابد بلکه بیشتر میشود. اکثر کشورهای جوان اند که "منطقه فقروید بختی" واقعی را تشکیل میدهند. افزایش درآمد سرانه در این کشورها طی ۱۰ سال اخیر فقط يك تا دو درصد در سال بوده است. در این کشورها هر ساله ۸۰ هزار نفر از گرسنگی ویدی تغذیه مزمن جان میسپارند. در آفریقا از هر سه کودک یکی به ۵ سالگی نرسید ه تلف میشود.

وضع فلاکت‌بار کشورهای جوان اتحاد شوروی را به دست زدن بابتکار مهمی واداشت. در ماه دسامبر سال ۱۹۷۳ هیئت نمایندگی آن پیشنهادی درباره کاهش ۱۰٪ از هزینه های نظامی پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت و واگذاری بخشی از این مبلغ به کشورهای در حال رشد به بیست و هشتمین دوره اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد ارائه کرد.

علیرغم تصویب این پیشنهاد از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد کشورهای امپریالیستی نه فقط بدان عمل نمیکنند، بلکه بعکس روند وقفه به هزینه‌های نظامی خود می‌افزایند. در سال مالی ۱۹۷۴-۷۵ بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا ۸۵ میلیارد دلار بود در سال ۱۹۷۵-۷۶، ۱۰۴۷۲ میلیارد دلار بود. پنتاگون بدین امید است که طی سال مالی ۱۹۷۶-۷۷، ۱۱۲ میلیارد دلار دریافت کند. هرگاه تمام این بودجه را میان اهالی کشورهای در حال رشد تقسیم کنیم، به هر يك از آنها بیش از ۱۰ دلار میرسد. چنین اقدامی درآمد متوسط سالانه صد هاد میلیون نفر را در کشورهای نظیر اندونزی، بنگلادش، افغانستان و کشورهای بسیاری دیگری در آن واحد و برابر میساخت. جهان تنها در سال ۱۹۷۲ میلیی برابر با درآمد ملی کشورهای جنوب و جنوب شرقی آسیا و قاره آفریقا رو به مرز مرز صرف تسلیحات کرده است.

مسابقه تسلیحاتی تنها جنبه اقتصادی و سیاسی ندارد. این مسابقه در محیط سیاست داخلی و در اوضاع کلی در این یا آن منطقه از جهان نیز عمیقاً تاثیرمی بخشد. رژیم های ارتجاعی با دستبرد زدن به سطح زندگی زحمتکشان در عین حال و طبق معمول آخرین مانده های آزادیهای دموکراتیک را هم از میان می‌برند.

تجربه ای تلخ ارتباط ارگانیک میان مسابقه تسلیحاتی و تشدید دخالت امپریالیستی در کار های کشورهای در حال رشد را که اغلب با عملیات تجار و کارانه همراه است با کمال وضوح نشان میدهد. جریان جنگ های کره، هند و چین، تجاوز سگانه علیه مصر (سال ۱۹۵۶)، پیاده شدن نیروی

دریائی امریکادربینان وگسیل داشتن ارتشهای انگلستان به اردن (سال ۱۹۵۸) و نژاد اینها نشان دهندہ این واقعیت است .

فاکت: هابروشنی تمام بیانگر این نکته اند که کشورهای در حال رشد بلا واسطه در امر مبارزه در راه پایان بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی ، خلع سلاح کامل وهمگانی و صلحی استوار و عادلانه زمینفع اند .

جلب خلقهای کشورهای نوخاسته به جنبش تحقق بخشیدن به این هدفهای انسانی و ستانه واستفاده از وزن و اعتبار روز افزون آنها در امور بین المللی بمنظور فوق از وظایف تاریخی کمونیست ها است .

تاریخ تکرار میشود

ل . واسیلیف

تناسب نیروهای سیاسی که در ده سال در یک سلسله از کشورهای جنوب غربی اروپا بیک حال مانده بود اینک به شدت تغییر کرده است . این تغییر و تحولی است که به چپ انجام گرفته است . اشتراک کمونیست ها در امر رهبری زندگی ملت ها در دستور عمل روز قرار گرفته است . حتی ایدئولوژی ها و سیاستمداران امپریالیسم آشکارا اظهار میدارند که این پدیده ۵۰ ساله را نقد رفرانس اجتناب ناپذیر است که در ایتالیا . حتی آنها اعتراف میکنند که برای برطرف ساختن این آیدئولوژی فاشیستی نقش مهم حزب کمونیست در اسپانیا هم همانقدر ضروری است که ایفای این نقش در بریتانیا ضرورت دارد . توده های مردم هرچه فعال تر و گسترده تر کمونیست ها پشتیبانی میکنند و این پشتیبانی تنها در اروپای "لاتین" جلوه گر نمیشود . این اعتبار کمونیست ها بمیزان فراوانی در دیگر کشورهای اروپای غربی هم افزایش یافته است .

احزاب کارمستی - لنینیستی همانند هسته اصلی اتحاد نیروهای سالم ملت ها عمل میکنند . استراتژی آنها با وریگیری بیانگر خواستهای اکثریت زحمتکش یعنی پایان دادن به قدرت مطلقه انحصارها و سپهره کشی سرمایه داری و هموار کردن راه بسوی سوسیالیسم است . از این رو است که موفقیت های سیاسی کمونیست ها به روز و روزی راضیانی میکند . نورهای امید در روزی به روز و روزی برای گویز از کمالات هرج و مرج اقتصاد و فقر و فلاکت اجتماعی که همراه باشد بدترین بحران ها سرمایه داری سال های ۷۰ بار آورده بخاموشی میگردید . از بیم و هراس از خود بیخود میشود ، نعره میکشد و بدون توجه به موازین اخلاقی و ایدئولوژی خود و برخلاف موازین و قوانین خویش عمل میکند .

امپریالیسم ایالات متحده امریکا بطور صریح به کشورهای اروپای غربی هشدار بار می دهد که وجود کمونیست ها را در ارگانهای عالی رهبری دولت های آنها تحمل نخواهد کرد . اگرچه فشار خشونت آمیز آنسوی اقیانوس موجب اعتراض بالا جبار برخی از دول بورژوازی شد ، با وریکه مطبوعات خیرمدهند در واقع امر بر روی آتلانتیک پل دیپلماتیکی بوجود آورده شده که روی آن ماهها است تبادل نظر برترب و تابی جریان دارد . هدف از آن یافتن راهحلی برای این است که " چگونه از پیشروی کمونیست ها جلوگیری بعمل آید " . در این گیرودار ناتو هم که آماده است همیشه در واکنش هماهنگ علیه نیروهای چپ و کمونیست ها بکمر بستاید ، بیکار ننشسته است . کار بجائی رسیده که برخی از رجال اروپای غربی بخود اجازه میدهند این فرمول را آشکارا بر زبان آورند که : " راه دادن و پارانندادن کمونیست ها در دولت مسئله ایست که باید در روشننگن حل و فصل گردد " .

بدین ترتیب از یکسوی آن آشکار و روشن به آزادی زندگی سیاسی ملی در کشورهای دیگر و از سوی دیگر آمادگی شتابزده برای زیرپانهادن این آزادی بچشم میخورد . اعلامیه های پرمطابق در باره احترام به حقوق ملی خلقها بدست فراموشی سپرده شده است . سرمایه بین المللی حالا دیگر فرصت و مجال احترام گذاردن به اصول دست و پاگیرندارد . در لحظاتی که خطری صاف بنیادی

آنرا تهدید میکند نقاب تبلیغاتی را از چهره برمی‌دارد و سرشت ژاندارمی خویش را بروز میدهد . سرمایه انحصاری به همین سادگی و با راحتی خیال سوگند های ایدئولوگ های خویش را که اطمینان میدهند و موکراسی بورژوازی احترام بقاراء انتخاب کنندگان را تضمین میکند و مانع این نمیشود که هرگز تمایلات سیاسی خویش را ابراز دارند لگد مال میکند . این واقعیت انکارناپذیری است که نمایندگان بورژوازی کلان فرانسه پیشاپیش خواستار آنند که اگر انتخابات سال ۱۹۷۸ چپ ها بر آنها پیشی گیرند نتایج انتخابات طغی اعلام گردد . این هم واقعیت است که در جریان انتخابات اخیر ایتالیا کارگزاران و اتیکان مرتبا کاتولیک ها بی را که موافق کمونیست ها هستند نه فقط با جزاهای آسمانی بلکه با مجازات واقعی در روی زمین یعنی اخراج از کلیسا تهدید میکردند . این هم واقعیت دیگری است که نمایندگان احزاب محافظه کار اروپای غربی که برای شرکت در کنگره اتحاد و موکرات مسیحی جمهوری فدرال آلمان در یکجا جمع شده بودند بابت اعتنائی و تمسخر به منطقی و عقل سلیم بالا تفاق میگفتند که ایدئال آن ها یعنی " موکراسی چند حزبی برای همه " در درجه اول بمعنی تسویه حساب با جنبش کمونیستی است .

در جهاد کنونی علیه کمونیست ها ارتجاع جهانی دیپلمات های پیمان آتلانتیک و ونرالها سوداگران و بیزنسمن ها ، مذهبیون خرافاتی و متعصب ، فاشیست های مارکدار و ماجراجو — ویان " چپ " را زیر پرچم خود گرد آورده است . ارتجاع جهانی بمترلز و کوردلی سوسیال و موکراسی امید و آرامت و به خدمات لیبرال های وحشت زده و احوان و روحیه بازاری و تنگ نظری که در بخشی از حاکمیتان وجود دارد دل بسته است .

" شیخی در سراسر اروپا در گشت و گذار است . شیخ کمونیسم . تمام نیروهای اروپای گهمن برای جهاد مقدس بر علیه این شیخ متحد شده اند . . . " . این سطور " مانیفست حزب کمونیست " پیر از ۱۴۸ سال جنین عینی دارد که بنه رمیرسد برای شماره فوق العاده روزنامه های امروز نوشته شده است . البته میدانیم که کمونیسم مدت ها است دیگر شیخ بی جسمی نیست . کمونیسم اینک در قالب اجتماعی و سیاسی زنده و سوسیالیسم کنونی و روند انقلابی جهانی تجسم یافته است . نیروها جهان کهنه هم تغییر کرده است . امپریالیسم برای دفاع از نظام محکوم بزوان چنان ضایع تکیکی اقتصاد و سیاسی و ایدئولوژیکی را بکار میگیرد که اتحاد بورژوازی ماقبل انحصاری و شاهان فتووال هم اتر با خواب نمیدید . ولی تاریخ تکرار میشود .

تاریخ در این پدیده تکرار میشود که این قانون خذلناپذیر مبارزه طبقاتی مانند گذشته خود را نمودار میسازد که وقتی بی و بنیان بهره کشی طبقات استثمارگر شروع به فرو ریختن میکند ، آنان بی رنگ اختلاف سلیقه خود را در باره تمایلات و عادات خصوصی فراموش کرده و بی فکر و خواست مشترک سراپایشان را فرامیگیرد و آن وحدت بر علیه کمونیست ها است . و این هم بنوبه خود بمعنی وحدت علیه ترقی اجتماعی و موکراسی و بر علیه توده های مردمی است که خواستار نوسازی قاطع زندگی اجتماعی هستند .

تاریخ تکرار میشود و این نکته را از نو باید میکند که هر قدر هم بحران جامعه بورژوازی عمیق باشد با بقیه حاکمه آن هیچ وقت با و طبله به بطور جدی و محسوس از مواضع خود عقب نشینی نمیکند و تسلیم هیچ نوع بحث و گفتگوئی نمیشود . لنین میگفت : " نه ، زمین اینها و روخوشبخت ساخته نشده است ، استثمارگران ، ملاکان ، درنده خور و بقیه سرمایه دار با قناع تسلیم نمیشوند . . . هر قدر فشار طبقات متمسک شدید تر باشد ، هر چه با هم همد فزونی تر میشود که هر نوع مسم و استثمار را واژگون کنند . . . مقاومت استثمارگران بیشتر میشود " (۱) .

تاریخ تکرار میشود ، ولی این تکرار در سطح کیفی تازه ایست . مارکس وانگلس طبقه کارگر را در پاسخ به توطئه ضد کمونیستی مرتجعین به وحدت انترناسیونالیستی فرا میخواندند . در آن دوران ، برای اینکه این دعوت به وحدت با واکنش عقلی روبرو گردد سالهای زیادی لازم بود . ولی انترناسیونالیسم پرولتری امروز واقعیتی است که با تجربه عملی دهها سال مبارزه انقلابی جهانی محکم و استوار شده است . این انترناسیونالیسم نیروی هر یک از گردانهای ملی جنبش کمونیستی جهانی را چند برابر میکند . هر حزب برادری میداند که در برابر تفاق که وسیله سرمایه انحصاری بر علیه آن سرهم بندی شده تنهانیست . هر حزب برادرتکیه گاهی دارد که در روزهای آزمایشهای دشواره همبستگی و پشتیبانی آن اشکاء کند و شادی موفقیت های خود را با آن در میان گذارد .

در راه آزادی شما و آزادی ما

لینا آرگنتس

در کتاب تاریخ مبارزه در راه دگرسازی جهان برگهای وجود دارد که بهنگام خواندن آنها با وجود گذشت سالها، قلب تمام کسانی که بقارمانهای آزادی و برادری خلقها را میپندرسند بسا شدت بیشتری می‌تپد. جنگ داخلی در اسپانیا به چنین صفحاتی تعلق دارد. این صفحات چهل سال پیش نوشته شده و خدعه و نیرنگ و بیرحمی طبقات محکوم بزوال کسه برای کشورهای اورنج و غذایهای بیشماری فراهم آوردند، بر آنها ثبت گردیده است. این صفحات برای نسلهای بعد و معاصران هم پند و اندرزهایی شامل نام و شرح زندگی آنهاست که روحیهشان ضعیف بود و یا تسلیم شده و خیانت کردند، نگه داشته است، ولی این کتاب با دقت و علاقه هر چه بیشتر خاطره قهرمانی کم نظیر مردم اسپانیا، شور و شوق انقلابی دلاوران آنها و دامنه عظیم جنبش همبستگی بین المللی و مبارزه ضد فاشیستی آن را حفظ خواهد کرد.

پالمیروتولیا تی در باره رویدادهای اسپانیا نوشت: "در آن عرصه نبرد ماد و استان و دشمنان خود را شناختیم، مخاطرات و وظائف مشترک تمام دموکراتهای صادق را درک کردیم، وحدت ضد فاشیستی بمنزله یک پدیده واقعی و مکتب مشخص جنگ و سیاست، مکتب برای خلقها، برای طبقات، برای احزاب و برای رجال دولتی در اندیش در آن عرصه نبرد بوجود آمد" (۱).

جنگ ملی - انقلابی در اسپانیا در سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۹ مقامی در ردیف مهمترین رویدادهای تاریخ نوین احراز کرده است. ژنرالهای مرتجع در ژوئیه سال ۱۹۳۶ شورش فاشیستی برپا کردند تا انقلاب دموکراتیک را در خون غوطه ورسازند، جمجمه‌وری را نابود کنند و جبهه خلق را کفاحزاب و سازمانهای ضد فاشیست را در صفوف خود متحد ساخته و در انتخابات پارلمانی فوریه ۱۹۳۶ پیروز شده بود ازین ببرند. دگرگونیها و تغییرات بنیادی متری در کشور که در چارچوب نظام پارلمانی دموکراتیک تحقق مییافت بید رنگ موجب مداخله ارتجاع خارجی گردید. برخورد طبقاتی داخلی بسرعت به برخورد طبقاتی بین المللی مبدل شد. در واقع نخستین نبرد پیشتاز نیروهای دموکراتیک و صلح دوست مبارزه مابان نیروهای فاشیسم و جنگ در اسپانیا رویداد.

نقشه ده را در سازماندهی مقاومت مردم حزب کمونیست اسپانیا بجهت ده داشت که مدتها پیش از شورش دولت جمجمه‌وریخواهان را به درهم کوبیدن تحریکات فاشیستی و اتحاد تدابیر موثر برای جلو گیری از حمله متقابل ارتجاع فرامیخواند. تشکیل ارتش خلق در جریان جنگ یکی از بزرگترین موفقیت های انقلاب بود. او اواخر سال ۱۹۳۷ حزب کمونیست بیش از ۳۰۰ هزار عضو داشت. بیش از نیمی

از اعضا* حزب در صفوف ارتش مردم وریخ واهان بود . حزب کمونیست اسپانیا بجه نی کامل این کلمه
حزب رزمنده ای شده که تمام نیرو و تمام انرژی انقلابی خود را وقف دفاع آزادی مردم و مبارزه با
فاشیسم کرد .

انترناسیونالیسم پرولتری در این نبرد به جنگ، افزاینده و مندی بدل شد . همین در باره
انترناسیونالیسم پرولتری نوشت : " انترناسیونالیسم در عمل یکی و فقط یکی است و آنهم عبارتست
از : فعالیت بیدریغ برای پیشرفت جنبش انقلابی و مبارزه انقلابی در کشورهای خود ، پشتیبانی
(وسیله تبلیغات ، با هم دردی و کمک مادی) از جنبش مبارزه ای ، از جنبش خط مشی ، و تنهها
بدین خط مشی فقط ، در تمام کشورها بدون استثنا " (۱) .

جمهوری در وضع دشواری قرار داشت . دولت های فاشیستی آلمان و ایتالیا بدون وقفه به
اسپانیا بمات جنگی میفرستادند تا برتری ارتشهای شورشیان را در تسلیحات و تکنیک و واحد
های جنگی تامین کنند . حکومت جمهوری اسپانیا برای خرید سلاح و وسائل تکنیکی جنگی بودجه در
اختیار داشت ، ولی بازارهای خارجی بروی آن بسته بود ، محافل حاکمه کشورهای عمده سرمایه
داری از سیاست " عدم مداخله " در امور اسپانیا پیروی میکردند ،
کشور اکثریکه با شور و شوق و بیگار گرفتن تمام نیروی خود بساختن سوسیالیسم مشغول بود ،
نخستین کشوری بود که بکمک این خلق قهرمان شتافت .

۱۳ اکتبر سال ۱۹۳۶ یک کشتی اتحاد شوروی با بار اسلحه و مهمات برای جمهوریخواهان
با اسپانیا رسید . خوسه دیاس که بیانگر احساسات تمام ضد فاشیست های کشور بود در تلگرافی خطاب
به کمیته مرکزی حزب کمونیست (بلشویک) نوشت : " مردم کشور ما که زندگی خود را فدای مبارزه بر
علیه فاشیسم میکنند ، میخواهند شما بدانید که کمک برادرانه شما شور و شوق آنان را افزایش داد و بجه
رزمندگان نیروی تازه بخشید و ایمان آنان را به پیروزی استوار کرد " (۲) .

اتحاد شوروی از اکتبر ۱۹۳۶ تا آخر فوریه ۱۹۳۷ ، ۶۴۸ ، هواپیما ، ۳۴۷ تانک ، ۶۰ زره پوش
۱۱۸۶ عراده توپ ، ۲۰۴۸۶ مسلسل ، نزدیک به ۵۰۰ هزار تفنگ ، تعداد زیادی فشنگ ، گلوله
توپ ، نارنجک و تجمیرات جنگی دیگری جمهوری اسپانیا داد .

مرکز جمع آوری کمک به رزمندگان جمهوریخواه اسپانیا به بنیادی که بر پایه بیانیه شورای مرکزی
اتحادیه های کارگری سراسر اتحاد جماهیر شوروی گشایش یافته بود ، در اوایل اوت ۱۹۳۶ مبلغی
بمیزان ۱۲۱۴۵۰۰۰ روبل پرداخت کرد . این وجه به بانک دولتی اتحاد شوروی تحویل داده
شد که معادل آن یعنی ۳۶۴۳۵ هزار فرانک فرانسه در اختیار دولت اسپانیا قرار داد (۳) .

شورای مرکزی اتحادیه های کارگری سراسر شوروی ، دو ماه و نیم بعد اطلاع داد که مرکز جمع آوری کمک
بسود زنان و کودکان جمهوری اسپانیا که از طرف زحمتکشان اتحاد شوروی سازمان داده شده تا ۲۷
اکتبر ۳۱۸ ۵۹۵ ۴۷ روبل و ۳۱ کیک پرداخت کرده است . با این پول اتحادیه های کارگری ده
هزار تن کره ، قند ، غله ، آرد ، صد ها هزار کسروی ، هزاران دست لباس و کفش خریداری شد و با کشتی
با اسپانیا روانه گردید . جمع آوری کمک بسود کودکان و زنان اسپانیا ی زحمتکشان ادامه داشت (۴) .
" دست ها از جمهوری اسپانیا کوتاه ! " - چنین بود خواست میلیون ها تن از مردم جهان .

۱ - لنین ، مجموعه کام آثار (بزبان روسی) جلد ۳۱ ، صفحه ۱۷۰ .

۲ - " پراودا " ، ۱۶ اکتبر سال ۱۹۳۶ .

۳ - " پراودا " ، ۶ اوت سال ۱۹۳۶ .

۴ - " ایزوستیا " ، ۲۷ اکتبر سال ۱۹۳۶ .

در فرانسه ، انگلستان ، چکوسلواکی ، در کشورهای اسکاندیناوی ، ایالات متحده امریکا ، در ونزوئلا و در افتاده و دیگر کشورهای امریکای لاتین میتینگ های چندین هزار نفره و مجامع همبستگی تشکیل میشد ، کمیته های کمک بوجود می آمد و برای ضد فاشیست های اسپانیا پول و وسائل مختلف جمع آوری میشد . فقط طی دو سال جنگ داخلی در اسپانیا در ۱۸ کشور جهان بمیزان ۸۰۰ میلیون فرانک اغذیه ، دارو و لباس گرد آوری و به اسپانیا ارسال گردید .

رومن رولان در سال ۱۹۳۶ چنین نوشت : جامعه بشری ! جامعه بشری ! ترا مخاطب قرار میدهم ! شما را ، مردم اروپا و امریکارابه کمک به اسپانیا فرامی خوانم ! به کمک به ما ! بخودشان ! اگر منکوت کنید . . . فردا ، هر آنچه را دوست میدارید . . . بنویسید خود نابود خواهد شد " (۱) .

افراد ضد فاشیست تمام قاره ها دست کمک برادرانه بسوی جمهوری اسپانیا دراز کردند . از مبارز مردم اسپانیا در کشورهای سرمایه داری در درجه اول تمام کارگران و همگام با آنم اکثریت قریب باتفاق روشنفکران رشته های هنر و ادبیات و علم و فن ، دانشجویان و استادان دانشگاهها بدون قید و شرط پشتیبانی میکردند .

آلبرت اینشتین ، فردریک ژولیوکوری ، هل لانژون ، لوی آراگون ، هانری باربوس ، ژان ریشارد بلوک ، پل وایمان کوتوریه ، آندره مالرو ، فرانس مازریل ، هانریش مان ، توماس مان ، پل رسون ، ارنست همینگوی ، آرنولد تسویگ و بسیاری دیگر از بهترین نمایندگان دانش ، ادبیات و هنر جهان بانبوغ و فعالیت های روزانه خویش به ضد فاشیست های اسپانیا کمک میکردند .

در جنبش همبستگی بین المللی با اسپانیا در کشورهای سرمایه داری کمونیست ها نقش قاطع داشتند ، زیرا انترناسیونالیسم پرولتری برای آنها نه یک مفهوم انتزاعی ، بلکه عقیده ای استوار ، شیوه تفکر و موازین و راه و رسم زندگی روزانه است .

هاری پولیت بدین مناسبت چنین نوشت : " آندسته از دوستان اسپانیا که عضو حزب کمونیست نیستند مرا خواهند بخشید که با چنین افتخاری از خدمات تمام شعبه های انترناسیونال کمونیستی در پشتیبانی از دولت اسپانیا سخن میگویم . بدون وجود این انترناسیونال مبارزان انقلابی آبدیده و با انضباط کمک مادی و معنوی به اسپانیا نتیجه کامل نمیداد " (۲) .

هنگامیکه شورش فاشیستی به پا شد ، نمایندگان کمیته اجرائیه کمینترن که در اسپانیا بود بسر ای تجمعی و بسیج مردم مبارزه به رهبری حزب کمونیست اسپانیا کمک کرد . بعد ها گروهی از رجال مشهور کمیته اجرائیه انترناسیونال کمونیستی و برخی از احزاب کمونیست به اسپانیا فرستاده شدند . در روشن سال ۱۹۳۷ پالمیروتولیا تی وارد اسپانیا شد و نمایندگان کمینترن بدین مناسبت ترا خوانده شدند و وودایفه رهبری کمیته هم آهنگی کمک به جمهور اسپانیا که در پاریس بود به ر. و. کود وویل و آگازا ر گردید .

در واقع هم بار عمده کار برای سازمان دادن به جمیع آوری داوطلبان ، اعزام آنها به خارج و ورود به اسپانیا با وجود مرزها و سد های پلیسی بشمار کشورهای سرمایه داری ، بدوشر کمونیست ها کشورهای گوناگون و کمینترن با ورنگی قرار داشت .

درک این واقعه به از طرف نیروهای دموکراتیک سراسر جهان که جنگ بر علیه مردم اسپانیا که بدست فاشیسم بین المللی شعله ورد شد مرحله اول تجاوز بر علیه خلقهای اروپا است به افزایش

۱ - رجوع کنید به ر. ایباروری ، یگانه راه . مسکو ، اداره نشریات سیاسی دولتی ، ۱۹۶۲ ، صفحه ۳۴۴ .

۲ - نقل قول از کتاب " همبستگی خلقها با اسپانیا جمهوری " مسکو ، سال ۱۹۳۲ ، صفحه ۱۰ .

مقیاس و تعمیق مضمون کمک انترناسیونالیستی به جمهوری اسپانیا منجر شد .
 جریان ورود دسته جمعی داوطلبانی که سلاح بدست زیرشعار " در راه آزادی شما و آزادی ما " به جنگ بر علیه فاشیسم اسپانیا و جهان برخاسته بودند به اسپانیا آغاز گردید . لوتیجی لونگو خاطر نشان ساخت که تشکیل گروههای " بریگاد های " انترناسیونالیستی بیانگر اندیشه جبهه ضد فاشیستی خلقی بود .

پزشک کانادایی نورمان بتیون که سازمان دهنده رساندن خون به زخمی ها بود و بدین ترتیب جان بسیاری از آنان را نجات داد و بحق قدرشناسی و شهرت جهانی بدست آورد ، در یاد های خود درباره جنگ اسپانیا چهره افراد داوطلب آزادی را (افراد گروههای انترناسیونالیستی را در آن هنگام اینها ورمی نامیدند) بخوبی ترسیم کرده است . یکی از رزمندگان راستگرا از میدان نبرد به بیمارستان گوارالایا آوردند . سروصورت باند پیچیده او غرق در خون بود : قطعه ای از خمپاره به چشم او اصابت کرده بود . بجای یک دستتر که قطع شده بود مقداری باند آویزان بود ، پزشکان برای عمل کردن دست دیگرش خود را آماده میکردند . او با صدای آهسته ای که بزحمت شنیده میشد گفت : " ده روز پیش من در سوئد بودم ، فقط سه روز است که به اینجا آمده ام ، به اسپانیا آمده ام و بلافاصله جبهه رفتم . نخستین جنگ من بود و حالا من دیگر قادر نیستم که به پیچوجو برفقا کمک کنم . من موفق نشدم هیچ کاری انجام بدهم " . بتیون مینویسد : " ما همه یگرنگا کردیم . هیچ کاری انجام نداد ! چه تواضعی ! چه مردانگی ! چه روحی ! اما روحیه افراد گروه های انترناسیونالیستی اینچنین است . رهباها زارتن افراد مصمم و غلبناپذیری که بخودشان نمایی اندیشند ، از خود گذشته اند و بیگ سخن از مصمم قلب آماده اند جان خود را فدای دوستان کنند . برتر از این عشقی برای انسان وجود ندارد ! " (۱) .

در صف گروههای انترناسیونالیستی کمونیست ها و سوسیالیست ها ، لیبرال ها و غیر حزبی ها کاتولیک ها و پروتستان ها ، نزدیک به ۴ هزار تن نمایندگان طیف های گوناگون از ۴۴ کشور جهان می جنگیدند . بیست هزار نفر از آنها یا کشته شدند ، یا در اثر زخمهای مهلک جان سپردند و یا سربسته نیست و طویل شدند .

۲۳ سپتامبر سال ۱۹۳۸ دولت جمهوری گروههای انترناسیونالیستی را از جبهه فراخواند (۲) . اسپانیای بخون آغشته آنان را چنین مخاطب قرار داد : " برادران ! تا دیدار نزدیک ! فرزندان تمام خلق ما و تمام نژادها ! شما همانند برادرمانند پسران اسپانیای جاویدان بنزد ما آمدید رفقا انترناسیونالیست ! . . . شما میتوانید بخود بیایید : شما خود تاریخ هستید ، شما افسانه اید ، شما نمونه قهرمان آسای همبستگی و روح دموکراسی جهانشمولید " (۳) .

مردم شوروی ، خلیبانان و تانکیست ها ، مهندسان استحکامات و ارتباط و مخابرات ، کارشناسان نظامی و مترجمین در زمین و آسمان اسپانیا با خود گذشتگی می جنگیدند . تعداد آنها در حدود سه هزار نفر بود و نزدیک به ۲۰۰ تن از آنان جان سپردند .

اسریرزگ : مبارزه انقلابی در سرشت خود یک پدیده انترناسیونالیستی است . بهمین جهت ۶۱ نفر از اهل آلمان شوروی که در جنگ اسپانیا پیروزه از یگران متمایز بودند به دریافت لقب قهرمان

۱ - " The Canadian Tribune ", November 30, 1964 . - 1

۲ - این تمهیم پاسخ به پیشنهاد کمیته عدم مداخله لندن درباره خارج ساختن داوطلبان خارجی از اسپانیا بود . ژنرال فرانکو علیرغم قرارداد دولت جمهوری با برقاطع از بند برش نقشه فراخواندن ارتشهای ایتالیا و آلمان امتناع ورزید زیرا میترسید بکه دستیار اروپا روی مردم قرار گیرد .

۳ - در ایپاروری . در عرصه مبارزه ، "گزیده مقاله ها و سخنرانی ها در سالهای ۱۹۳۶-۱۹۳۷ . مسکو ، پروکرس" ، سال ۱۹۶۱ ، صفحه ۳۵۴-۳۵۵ .

اتحاد شوروی نایل شدند ، يك بلغارن که به شوروی مهاجرت کرده بود بنام زاخاری زاخاریف — پیرمیرجیلی ایتالیائی ، ارست ساخت آلمانی هم از جمله آنان بودند . ۱۹ نفر از این ۵۹ نفر عنوان قهرمان اتحاد شوروی را پیر ازید رود زندگی گرفته بودند .

دولت اسپانیا در روز ۱۰ آوریل ۱۹۳۷ میلادی اعلام کرد که اتحاد شوروی با وجود این انعکاس صوت مبارزه ما بشما هم رسید ، شما با دل و جان به ندادن ما پاسخ دادید و شما گفتید : " در نبرد محکم و استوار باشید ، روحیه خود را از دست ندهید ، بیاد داشته باشید که ۱۷۰ میلیون تن بفر شما و فرزندانشان شما هستند ! " و در آن هنگام ، رفقا ، تیرگی و ظلمت از برابر دیدگان ما رخت بریست ، راه ما معلوم و روشن شد ، اسلحه ما هم به تیرد قیق تر نشانه میگرفت ، مردان ما دلیرتر و زنان ما از خود گذشته تر شدند " (۱) . اکثریت مطلق ضد فاشیست های اسپانیا در این احکامات شریک بودند .

دولت اهلان آزادی ، هنگام ترک اسپانیا سوگند یاد کردند که تا آخرین روز زندگی نسبت به اندیشه هایی که در راه آنها در عرصه مبارزه در زمین و آسمان می جنگیدند وفادار بمانند . آنها سوگند خود را با خون خویش ، درد و ران نبرد با فاشیسم آلمان در صفوف ارتش سرخ و در گروه های پارتیزانی بلوروسی و اوکرائین ، در کارهای غیرعینی ضد فاشیستی در اردوگاه های مرگ هیتلریها ، در جنبش مقاومت بلژیک ، ایتالیا ، فرانسه و دیگر کشورهای که در اشغال فاشیست ها بود ، جاودانه ساختند .

قهرمانی انترناسیونالیستی دولت اهلان آزادی و تمام ضد فاشیست های که بکمک جمهوری اسپانیا شتافتند سرمشقی قهرمانانه خود را تمام و کمال برای نسل های کنونی مبارزان انقلابی تمام قاره اسپانیا حفظ کرده است .

این نکته ای عمیقاً بارز و نمونه و راست که فن نبرد و جنگ آوری را به فیدل کاسترو و گروه قهرمانانی که تحت فرماندهی او بودند ، " گروه گرانا " ، یکی از مبارزان کارآزموده جنگ اسپانیا یعنی آلبرتو باویاموخت . رویداد های اسپانیا آگاهی سیاسی ارستوجه گوارای جوان راشکل داده و تکامل بخشیدند . شمارهای نبرد دلاورانه پشت دیوارهای مادرید : " آنها را راه نخواهیم داد ! " ، " ایستاده مردن بهتر از بزانود آمدن و زیستن است ! " ، در روزهای پرحادثه پلایا-کیرون سمبل ایمان کویای انقلابی به پیروزی شدند .

همین چندی پیش هم رویداد های قاره افریقا ، آنجا که کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی و کوبا که همواره به اصول انترناسیونالیسم پرولتری صادق و وفادار اند ، همانند تمام نیروهای مترقی جهان به کمک آن گولا که در راه استقلال خود می جنگید آمدند ، یاد آور این نمونه قهرمانی شدند . نبرد با ارتجاع امپریالیستی و فاشیسم هنوز به پایان نرسیده است . سرمشق جمهوری اسپانیا و قهرمانی انترناسیونالیست ها ، مانند گذشته شرکت کنندگان در مبارزه انقلابی امروز را الهام و تمام می بخشد .

لینا آرگنتی : از بانوانی که در جنگ ملی انقلابی در اسپانیا

شرکت کرده است .

پیشروی انقلاب در آفریقا

سمت گیری سوسیالیستی تثبیت میشود

مادراین شماره مجله ضمن ادامه انتشار اظهارات نمایندگان رژیمهای ترقیخواه آفریقا در صفحات مجله مسائل صلح و سوسیالیسم متن مباحثه خبرنگاران خود را باره بران گینه و اتیوپی منتشر میسازیم. انقلاب در گینه قریبیبیست سال است که راه رشد خود را می پیماید، در حالیکه از انقلاب اتیوپی هنوز دو سال هم سپری نشده است. رهبران این کشورها نسبت به مسائلی که در کشورشان مطرح میشود نقطه نظر و برخورد های متفاوت دارند و از طرق مختلف به حل آن مسائل می پردازند. نظریات رهبران این کشورها درباره حزب و سازمان زندگی سیاسی متفاوت است ولی رژیمهای هر دو کشور میکوشند بر اصول سوسیالیسم علمی متکی باشند.

حزب - دولت - خلق

لان سانادیا نه عضو بروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکرات گینه، بازرسان کل حزب و وزیر دولت جمهوری گینه.

پرسش - بنظر شما از حوادث آنگولا برای آفریقا و سازمان وحدت آفریقا چه نتیجه گیریهای میتوان کرد؟

پاسخ - گینه در این رویدادها در زمینه دیپلماسی، سیاسی و حتی نظامی بطور فعال شرکت نمود. ما وظیفه خود میدانستیم که توطئه امپریالیستهارا که تلاش داشتند و گذاری استقلال به آنگولا را به شکل تازه ای از وابستگی تبدیل کنند، عقیم بگذاریم. خدمتگزاران گوثر بفرمان امپریالیسم از قماش هلدن ربرتو برای اسارت جدید آنگولا زمینه فراهم میکردند. مداخلات مسلحانه نیروهای نظامی رژیم نژاد پرست جمهوری آفریقای جنوبی بهمین منظر و سازمان داده شد.

اقدامات گینه در جریان بحران آنگولا نتیجه مواضع اصولی آن و ناشی از اندیشه ها و تعهدات انقلابی و وفاداری عمیق آن نسبت به دموکراسی، آزادی و قبول بدون قید و شرط احترام به اراده تمام خلقها بود.

امپریالیسم نمیتوانست نسبت به این مسئله که در تعدادی از کشورهای آفریقا رژیمهای انقلابی استقرار یافته است بی اعتنا باشد. امپریالیسم بدون درنگ، با استفاده از سلاح اختلال در ثبات یعنی ایجاد تفرقه در سازمان رژیمهای مترقی و کودتا بر علیه مابعدارز برخواست. ۲۰ تا سیصد تکامل تاریخ را نمیتوان متوقف کرد. امپریالیسم زیر ضربات مشترک خلقهای کشورهای سوسیالیستی، نیروهای ترقیخواه کشورهای سرمایه داری و توده های مردم در کشورهای آسیا و آفریقا و امریکای لاتین عقب نشینی میکند. گواه این امر شکست آن در مستعمرات پیشین پرتغال و مقدم بر همه آنگولا است که امپریالیسم تلاش میکرد از رشد پروسه انقلابی در آن جلوگیری بعمل آورد.

در نتیجه رویداد های آنگولا وضع بفرنجی پدید آمد . سازمان دادن سریع وحدت عمل تمام دولت های افریقای که " ام . پ . ال . آ " را که بیانگر اراده افریقا است و با قاطعیت در راه استقلال میکوشد برسمیت میشناسند ضروری بود . احساسات فرورملی و میهن پرستی خلق های این کشورها میباید به نیروی سیاسی تبدیل شود که بتواند به " ام . پ . ال . آ " و آنگولا از لحاظ مالی ، منابع مادی و کارشناسان نظامی و ادارتی و فنی یاری کند . در این زمینه سیزان شایان توجهی موفقیت حاصل شد . امپریالیسم که ارتش جمهوری افریقای جنوبی را بیاری طاعتید در محاسبات خود بخطا رفت ، انقلابیون آنگولا هم توانستند برای گرفتن گنبد و ستان واقعی خود روی آورند . ارتش جمهوری افریقای جنوبی ناگزیر به فرار شد . مواضع امپریالیسم در افریقاییش از پیشتر متزلزل و سست شد (۱) .

حوادث آنگولا نشان داد که ارتش نظام پرست جمهوری افریقای جنوبی قادر نیست در برابر ارتش رهایی بخش ملی با سازمان خوب و منظم پایداری کند . ولی این حوادث همچنین گویای این مطالب است که کشورهای افریقایید همسایران باشند و فعالیت خرابکارانه امپریالیسم علیه کشورهای جوان را بطور خستگی ناپذیر بر ملا سازند . خود سازمان وحدت افریقا باید بیگانه سازمان ضد امپریالیستی تبدیل شود . این سازمان بر حسب سرشت خود میبایست چنین سازمانی میبود . ولی فعلا خصلت ضد امپریالیستی آن همیشه بطور مشخص بروز نمیکند . اما باید در این را مکتوبید و همه سعی لازم را در این راه بکار بست . بعقیده ما این مطالب حائز اهمیت است که در درون سازمان وحدت افریقا نفوذ و تاثیر دولت های انقلابی افزایش یابد تا بتوانند مانند هسته متمرکز سازمان عمل کنند و هر چه بیشتر تعیین کننده خصلت و سیاست آن باشند . درست همین یکسان نبودن سطح سیاسی و ایدئولوژیک سازمان وحدت افریقا نسبت به خصلت پیروان انقلابی در قاره است که در ائتلاف نظامی اعضا این سازمان در مورد مسئله آنگولا بروز کرد . وظیفه هممنبروهان انقلابی عمارت از آنستکه در راه وحدت افریقا بکوشند و گرنه افریقا به بازیچه اندر دست امپریالیست ها تبدیل خواهد شد .

پرسش - جالب ترین جنبه های زندگی گینه معاصر از چه قرارند ؟

پاسخ - آنچه مقدم بر همه چیز در وضع کنونی گینه جالب و نمونه و راست عبارتست از عزم راسخ بران رهایی از وابستگی خود در تمامین ذواربار . شه ارمای این است که سرزمین گینه باید خلعت گینه را تغذیه کند . در غیر این صورت ما نمیتوانیم بگوئیم که در واقع مستقل هستیم . اکنون ورود ارز خارجی به کشور ما سالانه معادل ۵۰ تا ۶۰ میلیون دلار است . این ارز خارجی از مالیات محصولات بیست میآید که شرکتهای خارجی که مواد خام معدنی کشور را استخراج میکنند ، بخارج صادر میکنند . تمام این مبلغ عملا برای خرید برنج از خارج مصرف میشود . اکنون دولت چنین هدفی در برابر خود قرار داده است که تا دو سال دیگر گینه نباید حتی یک کیلوگرم برنج و یا مواد غذایی مهم دیگر را از خارج وارد کند . ما اذینان داریم که میتوانیم به این هدف نائل آئیم . در سال ۱۹۷۴ گینه سالانه ۶۰ هزار تن برنج وارد میکرد ولی در سال جاری فقط ۱۰ هزار تن برنج از خارج خریداری شد .

برای اجرای وظیفه ای که در برابر ما قرار گرفته ، امور کشاورزی باید تکمیل شود . اقداماتی بران

۱ - ضمن دیدار سران و روساء دول و کشورهای گینه ، کوبا ، آنگولا و گینه بیسائو اهمیت مأمیم انترناسیونالیسم پرولتری که در شکست مداخله امپریالیستی و احراز پیروزی در آنگولا نقش قاطع داشته است خاطر نشان گردید . رهبران این کشورها در این جلسه سیاستگذاران عمیق خود را به کشورهای سوسیالیستی و در راس آنها از اتحاد شوروی و همه خلقهای ترقیخواه در قبال همبستگی روزی آن با یکدیگر از آنگولا ابراز داشته اند . (هیئت تحریریه مجله مسائل صلح و سوسیالیسم)

حاصلخیزتر کردن زمین بعمل آید و جنبش تعاونی گسترش یابد . این کار در دست اجراست . وضع تجزیه‌اشکاف و اوزان با وسائل مکانیکی بهبودی یافته و تعاونی های تولیدی تأسیس میشود . تشکیل این تعاونی های به تناسب تأمین بیشتر کشاورزی با وسائل فنی گسترش می یابد زیرا جلب دهقانان به تعاونیهای کشاورزی بر پایه ابزار کشاورزی که نه کار شواری است ، البته در این راه دشواریهای بزرگی موجود است ولی حزب عزم راسخ دارد مجدداً از خط مشی ای که برگزیده پیروی کند .

یکی دیگر از وظایفی که جمهوری در برابر خود قرار داده بهره برداری از منابع عظیم ثروت های طبیعی است . چنانکه مهم میدانند استخراج بوکسید در کشور ما توسعه یافته و اکنون ماسالیانه شش میلیون تن بوکسید استخراج میکنیم و این مقدار را به (۱ میلیون تن) خواهیم رساند . در منطقه جنوب خاوری که در ماغنی ترین منابع سنگ آهن موجود است ، سد بزرگی روی رود کنکوره ساخته میشود تا موسساتی را که در آینده ساخته خواهد شد با نیروی برق تأمین کند .

وظایف دیگری نیز مطرح شده است از جمله کوشش بران افزایش سود موسسات صنعتی بخش دولتی است . ولی اکنون مسئله عمدتاً بران مارتقا^۱ سطح کشاورزی است . بنابراین باید سازماندهی تولید و بالا بردن سطح عملیات کارشناسان ضامن کامیابی در اجرای این وظایف میباشد . در دوران اعتدالی جنبش روستایی بخش ملی در گینه ماموفن شدید مردم را در بیان سازمان واحد مشخص متحد سازیم . سپس ما ساختار جنبش روستایی بخش ملی را که دفتر جدیدت آوردن استقلال بوده سازمانی به شکل حزب که دفتر ساختار سیاسی است تبدیل کردیم . در حال حاضر انقلاب گینه مرحله ان گام ندارد که ما آنرا " حزب - دولت " مینامیم . ما بهیت این مرحله از چه قرار است ؟

این نتایج حزب باید در بررسی و حل تمام مسائل مربوط بزندگی کشور شرکت کنند . نقش حزب آنستکه امکان استفاده واقعی تولید و وسیع مردم از این حق را تأمین سازد . حزب یعنی اندیشه و آگاهی مردم و دولت یعنی کار و فعالیت مردم ، پرزیدنت احمد سکوتوره دبیرکل حزب دموکرات ، در بیانیه^۲ در انقلاب گینه مینویسد : " حزب دولت یعنی در هم آمیختن دولت بمنزله کارافزار تکنیکی خلق و حزب بمنزله کارافزار سیاسی خلق " (۱) .

این نتیجه در عمل یعنی در هم آمیختن سازمانهای حزب و دولت در بیان سازمان واحد حکومت انقلابی است که وظایف سیاسی و ادار را با حقوق ملت را به انجام میرساند و بتدریج مسئولیت ارگان های یائین تر را بر عهده میدهد (۲) .

1 - A. Sekou Toure. Strategie et Tactique de la Revolution.

Tom XXI 2-ème ed Conakry 1976 p. 167.

۲ - پرزیدنت آ . سکوتوره در این مورد اهمیت خاتم ایجاد سیستم سیاسی موثری را تأکید میکند که " باید فعالیت تمام ارگانها و ادارات حزب و دولت گینه " را در برگیرد (همان کتاب ص ۱۱۱) (۲) او مینویسد : " نظارت سیاسی باید در آگاهی تصمیمات متخذه در سطح مختلف روابط میمات باشد . ارگانها عالی اتخاذ سیاست تأمین سازند . . . ارگانها ملی سراسری کشور مانند کنگره ملی ، مجلرماننه ، شورای ملی انقلاب تصمیماتی اتخاذ میکنند که بران همه ارگانها و ادارات که در حتمی الا حراست . هیچیک از این تصمیمات نباید میتوانند یا تصمیمات دیگر که از طرف ارگانها پائین اتخاذ شده در تضاد قرار گیرند (ص ۱۴۲) (۲) نظارت سیاسی باید یا نظارت مالی ، ادار و فنی تکمیل شود . (ص ۱۵۵) (۲) . سکوتوره بدینسانیه^۳ بران عوامل مشخص نظارت گرسیماسی یعنی سازمان حزبی که باید این نقش بر عهده مسئولان انقلابی کند (ص ۱۴۱) (۳) (دست تحریریه) .

واحد اصلی - اما تاریخاً حاکمیت در گینه ، حکومت انقلابی مجلسی است . این حکومت هم سازمان اولیه حزبی و هم ارگان ارجح ادارتی محسوب میشود . در حکومت انقلابی مجلسی به طور متوسط ۱۵۰۰ تن از اهالی را در خود متحد میسازد . در مناطقی روستایی حکومت انقلابی مجلسی از چندین دهکده تشکیل میدهد و در روستاهای بزرگتر حکومت انقلابی مجلسی در بخشهای دهگانها شهرت تشکیل میدهد . تمام اهالی در بخش و مناطقی که در حکومت انقلابی مجلسی تشکیلند در جلسات دهگانی (که در دو هفته یکبار ریافتها برگزار میشوند) مسائل سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و مربوط به زندگی خود را مطرح میکنند و در باره آنها اونیورساریته و توافق بر نامه ملی را چگونه به ترتیب میتوان انجام داد ، ته میماند لازم را میگیرند . در این حکومت انقلابی مجلسی در جلسات عمومی به تیره و موکراتیاد انتخاب میشود . ارگان رهبری مرکز از دهگانه تقواریت جمله شهرها و معاون شهر داری و مسئولین امور مختلف میباشد . ارگان رهبری بر اساس انتخاب میشود ولی جلسه حکومت انقلابی مجلسی حق دارد در صورتیکه اعضای این ارگان را نالایق و بیاناتوان در انجام وظایف تشخیص دهد ، آنها را منحل کند . ارگان این حکومت انقلابی منطبقه در ساختار حزبی (سکسیون) و نواحی (فدراسیون) در مجامع مربوط انتخاب میشود . اهالی ترین ارگان کمیته مرکزی است که در گینه ملی انتخاب میشود . علاوه بر این مجلس ملی از طرف تمام اهالی بر اساس فرم رستی که در گینه تنظیم شده است انتخاب میشود .

کمیته مرکزی اداره که در بالا بسطیله دولت سازمان میدهد . دبیر کل کمیته مرکزی در عین حال رئیس هم بر گمیباشد . همه اعضای بیوروی سیاسی و دبیران کمیته مرکزی در مقام ای وزارت هستند . اعضای کمیته مرکزی وزیران دولت مرکزی و نمایندگان ایالات ، استانداران نواحی (فدراسیون ها) هستند .

در ایروزارخانه در واقع دستگاه ادارتی است اگرچه در راس همه مقامات اهالی حزب که در ارگان این حکومت انقلابی برگزیده شده اند قرار دارند . استانداران نواحی و دبیران امور اداری " فرمان دهندگان " بر حسب سوابق خدمت و لیاقت تعیین میشوند . دبیران امور اداری نواحی و مناطقی و کارشناسان نیز که ممکن است از طرف اعضای بیوروی انتخاب نشوند بر حسب لیاقت و سابقه کار منصوب میشوند . علت این امرنازل بودن سطح آگاهی و فرهنگی اهالی است . برای احراز چنین مقامهایی آمادگی و معلومات لازم است ، در صورتیکه اشخاصی که بر این مقام برگزیده میشوند ، اغلب بیسوادند . در آئینده پیرا آنکه معضل پرورش کارهای متخصص حل شود ، رهبران خدمات اداری نیز از طرف اعضای بیوروی ارگانهای حاکمیت انقلابی مجلسی انتخاب خواهند شد و در نتیجه رفته رفته تطابق کامل سازمان حزبی و دولتی که اکنون در سطح ارگانهای حاکمیت انقلابی مجلسی موجود است بدست خواهد آمد .

حزب تمام اهالی کشور را در صفوف خود متحد کرده است و از لحاظ سازمانی همه اهالی عضو حزبیند . این مسئله با خصوصیات تاریخی در کشور ما پیوند دارد . در گینه پیدايش دولت قبیل از پیدايش ملت بود . این حزب بود که هم دولت و هم ملت را ایجاد کرد و مجموعه و اویف مختلف را به خلق واحد گینه بدل کرد .

در عین حال حزب ما حزب همه طبقات و قشار نیست . مبارزه طبقاتی میان زحمتکشان و عناصر بیورواشی و همان کسانی که شیوه زندگی و تفکرشان واقداماتشان با منافع خلق بیگانه است ، ادامه دارد .

رئیس جمهور ما T . سکوتوره مینویسد : " ما باید این مطلب را به فرموده متذکر شویم که در واقع

حزب آن بخشی از خلق است که به‌مشی انقلابی و آزاد ارادت و در کنار این بخش قشر دیگری وجود دارد که مواره بران خفقان انقلاب و استعمار خلق نیات شیانی دارد" (۱) .

در گینه هنوز تمام مردم فلسفه حزب را نپذیرفته اند ولی مادراین راهساززه می‌کنیم و اعتقاد داریم که در این راه موفق خواهیم شد . به تپیه و مامسئله عمد ، تشریح مساعی است و در دنباله ایسین تشریح مساعی موجودات اندیشه هم بدست خواهد آمد . با توجه به مداین عوامل حزب نقشه های خود را طرح میکند ، و در دستخوی اشکها سازمانی است و استراتژی آینده را تدوین میکند . ما به این موضوع ایمان داریم که یک سازمان انقلابی که با شرایط افریقا تطبیق کند و همه مسائل را از نظرگاه سوسیالیسم علمی و مارکسیسم - لنینیسم ارزیابی کند بران کشور مالا زم است .

پیرازدهم شکستن غل و زنجیر فئودالیسم

برهمنویای عضو دوران نظامی و ادار موقت اتیوپی

پرسش - محتوی دگرگونیهایی که در ظرف دو سال اخیر در اتیوپی روی داده از چه قرار است ؟ پاسخ - اتیوپی یکی از فقیرترین کشورهای قاره افریقا و جهان است . صد هاسال تا همین دوران اخیر این کشور با نظام سلطنتی محافظه کارانه اداره میشد و سیستم فئودالی در این کشور دست نخورده باقی مانده بود . مردم در فقر و تنگدستی و هشتناکی زندگی میکردند . تلاشهای متعدد برای سرنگونی سلطنت و استقرار یک رژیم آزاد و دموکراتیک بکار برده شد که همه به ناکامی انجامید . رژیمی که عمرش به پایان رسیده بود و از کامیابیهای نیروهای مترقی در کشورها دیگر جهان در هراس بود ، با تمام نیرو تلاش میکرد از بیدایش چنین رویدادی در کشور جلوگیری کند . تکیه گاه عمد رژیم را تفاوت و سازمان امنیتی جهنی تشکیل میداد . بوجود آوردن احزاب مخفی غیر ممکن بود . اتحادیه های کارگری ، اتحادیه دانشجوین و معلمین و دیگر اتحادیه ها ، سازمان های موشورائی نبودند . تظاهرات این سازمانها همیشه خواستهای دموکراتیک را مطرح میکردند بپیرحمانه سرکوب میشد . قیامهای دهقانی نیز با همین خشونت تعقیب و سرکوب میگردد . دهقانان که ۴۰ درصد اهالی کشور را تشکیل میدهند بران فئودالها کار میکردند و تا ۷۵ درصد محصولات خود را بآنها میدادند . در آستانه انقلاب اتیوپی در ارتحطی گردید که دهها هزار نفر از اهالی کشور رنجیده آن تلف شدند . رژیم سلطنتی تلاش میکرد این واقعیات را پیده پوشی کند ولی موفق نشد و قحطی آخرین قطاره های بود که کاسه صبر و تحمل مردم را لبریز کرد . در فوریه ۱۹۷۴ قیام مردم اتیوپی علیه نظام اجتماعی و سیاسی و اقتصادی موجود در کشور آغاز گردید . ولی در کشور حزب سیاسی وجود نداشت که بتواند رهبری قیام را بدست گیرد و به آن خصلت دایقانی بدهد . یگانه نیروی متشکل ارتش و پلیس بود و مسئولیت رهبری انقلاب هم بعهده آنها محول گردید . پیراز چه ارماه نابسامانی و آشفتگی ، کمیته هماهنگی نیروهای مسلح تشکیل یافت که حالا شورای نظامی و ادار موقت نامیده میشود . این کمیته با در نظر گرفتن شرایط مشخص و تکیه بر توده ها و خلقت در سپتامبر سال ۱۹۷۴ رژیم سلطنت را سرنگون ساخت و اداره امور کشور را بدست گرفت . اعضای کمیته شورای کنونی در واحدهای نظامی و پلیسی از راه انتخابات دموکراتیک برگزیده شدند . این واقعیت که افراد با درجات نظامی مختلف از سرباز تا سرگرد (که بعد ها بعضی از آنها بدرجه سرهنگی ارتقا یافتند) به عضویت شورا انتخاب شدند ، موید دموکراتیک بودن جریان انتخابات است .

بسیاری از افسران ارشد با رژیم کم‌نه پیوند باهقانی داشتند و بدینجهت ارتش آگاهانه این عناصر را از شرکت در حکومت جدید برکنار کرد . رژیم باهق پیامی که در ۳۰ دسامبر ۱۹۷۰ انتشار یافت به انجام اقداماتی در جهت تجدید سازمان مناسبات اقتصادی و اجتماعی و موکراسی کردن زندگی سیاسی کشور دست زد . اعلام شد که انقلاب ساختمان سوسیالیسم را هدف خود قرار میدهد . با توجه به این نکات یک رشته تدابیر نفع‌توده‌های متمکثر اتخاذ گردید .

۱ - طبق قانون اصلاحات ارضی در تمام نواحی روستایی زمین ملی گردید ، مالکیت بزرگ زمین لغو شد و میلیونها هکتار زمین بد هقنان داده شد . فرم های سرمایه داری و بهره‌ای از املاک بزرگ به مالیکت دولت درآمد . برای اداره امور زمینهای ملی شده شرکتها را دولتی تشکیل شد . هدف مابعد از آنستکه این شرکت ها توسعه یابند و تکمیل شوند و سرانجام به تعاونیهای تولیدی تبدیل گردند . حق شرکت دهقانان در ارگانهای حاکمیت محلی اعلام شد .

دشواریهای عمده‌ای که در جریان احراز اصلاحات ارضی بدان امر وارد گردید عبارت از نبودن کادرمختص ، شیوه تفکر محافظه کارانه دهقانان بود . بدینجهت کارزار همگانی بسود کارتحسنت عنوان " رشد و توسعه از طریق همکاری " تشکیل داده شد که در جریان آن ۶۰ هزار دانشجو و دانش آموزان کلاسهای بالا و عملی بنواحی روستایی اعزام شدند . هدف از این تبلیغات عبارت از آن بود که سطح آگاهی توده‌ها بالا برده شود و اجرای برنامه‌های دولت تضمین گردد .

در جریان این فعالیت تبلیغاتی دشواریهای فراوانی پیش آمد . پارتی از این دشواریها مربوط به ناهمگونی دانشمندان و دیگر شرکت کنندگان در این اقدامات از لحاظ مناسبات اجتماعی بود (میان آنها کسانی بودند که خانواده شان در نتیجه ملی کردن اراضی از داشتن زمین محروم شده بودند) . دشواریهای بسیار دیگری مربوط به مقاومت عودانه ارتجاع بود . در ضمن خود این اقدامات هم تازگی داشت و باشتابزدگی سازمان داده شده بود (ما امید داریم که اقدامات بعدی با تدارکات بهتری انجام شود) . ولی از این اقدامات هم نتایج نیکی بدست آمد که گامیایم‌سان حاصله در اصلاحات ارضی موجد آنست . در آغاز دهقانان میترسیدند زمین را که بآنها داده میشود قبول کنند . اما پس از اینکه نخستین محصول را برآورد خود برداشت کردند ، منافع حاصل از اصلاحات ارضی را احساس کردند . اکنون دهقانان مشترکا کار میکنند ، این هنوز تعاونی تولیدی نیست ولیس از همکاری سنتی میان دهقانان فراتر رفته است . مهمترین ویژگی مهم ما آنستکه بتوانیم نیازمندی کشور را از لحاظ خواربار خود تامین کنیم .

۲ - ملی شدن زمین در شش رده‌ای اجرا شده است . خانه‌ها را به احزاب و اعضای نیز ملی گردیده بدین ترتیب که برای هر خانواده یک خانه باقی گذاشته شد . کمیته‌های چهار نفره که در امور اداری تشکیل گردیده است .

۳ - تمام عوامل عمده تولید و توزیع - بانکها ، شرکتها ، بیمه ، موسسات صنعتی بزرگ ، موسسات راه و وسایل نقلیه و بازرگانی ملی شدند . بخش اقتصاد دولتی ایجاد گردید که هم اکنون در اقتصاد کشور نقش قابل ملاحظه‌ای دارد .

۴ - قوانین کار و مقرراتی برای یکال تدوین شده است . برانند همین بار در تاریخ اتیوپی ، حق کار ، روز کار هشت ساعته ، مدار حداقل دستمزد و تأمین کمک‌های پزشکی ، مرخصی سالانه با دریافت دستمزد و غیره بموجب قانون تثبیت شده است . برانند این مندرجات از اتحادیه‌ها و کمیته‌های تشکیل یافته است . در هر موسسه‌ای که بجز از ۲ نفر کارگر کار اشتغال دارند چنین کمیته‌های تشکیل میشود . چند موسسه کوچک که در یک رشته فعالیت میکنند میتوانند کمیته‌های مشترکی

تشکیل بد دهند . هدف از این اقدامات علاوه بر تامین حقوق کارگران ، آنستکه بران ارتفاع سطح تولید کوششهایی بعمل آید . طبق قوانین کارگری برای زنان ، مادران و غیره امتیازاتی منظور شده است .

به سازمانها تودمان دیگر نیز توجه فراوان مبذول میشود . کمیته زنان وزارت جوانان و ورزش تأسیس شده است . شورای نظامی اداری موقت قصد دارد شرکت موثر توده های خلق را در امور اداره کشور تامین کند . اکنون مادران ستاها هم اداری به تغییر دادن شغل و مقام کارمندان مشغولیم . تصمیم گرفته شده است که در سطح پایین تر از بخش به مردم امکان داده شود مسئولین اداری را انتخاب کنند .

در اتیوپی نو برابری حقوق مذاهب (اسلام و مسیحی) شناخته شده و مهمتر از همه تفکیک کلیسا از دولت اعلام شده است .

تمام اقداماتی که شورای نظامی انجام میدهد در عمل ثابت میکنند که این شوراهای ماهیت یابد دولت انقلابی موقت است . این شورا (چنانکه ما بوعادت امپریالیستی آنرا معرفی میکنند) یک خد و نتای نظامی نیست . اعضای این شورا با شیوه دموکراتیک انتخاب شده اند . این شوراهای افسران جاه طلب نیستند که بمنظور رسیدن به حاکمیت کودتا کرده باشند . شورای اداری انقلابی از کسبانی تشکیل یافته است که در شرایط ویژه اتیوپی پرورش یافته اند و در شرایط فقدان حزب پیشرو یعنی حزب طبقه کارگر مسئولیت رشد و توسعه انقلاب را بر عهده گرفته اند .

این اقدامات انجام شده میتواند درباره ستمی که رژیم مابوگزیده داور کرد . در فوسا سوسیالیسم است و انتخاب مائستیوناید بر است . ضمانت و رما از سوسیالیسم یگانه سوسیالیسم علمی است که بر اصول مارکسیسم - لنینیسم و آموزش درباره دیکتاتور پرولتاریا مبتنی باشد . بدین معنی است که ما ضمن کوشش بر ارتقاء سطح آرزوی در زندگی شرایط مشخص اتیوپی را در نظر میگیریم .

پرسش - مهمترین مسأله ای که شوراهای نظامی اداری انقلابی قصد دارند آنرا حل کنند که اندک پاسخ - البته معضلات بزرگ فراوانی در برابرک و برقرار گرفته است . توافقه های امپریالیسم ها و نیروها در تجاری درون کشور وضع را بهتر میکند .

یکی از جداترین مسأله مسئله ارتجاع است . ارتجاع و امپریالیسم میگویند از این مسئله مانند زبانه از برای حذف کردن انقلاب ما استفاده کنند . شوراهای انقلابی معتقد است که این مسئله را از راه مسأله آمیز میتوان حل و فصل نمود . به عقیده ما یگانه راه حل این مسئله راه لینی یعنی شناسایی حق تعیین سرنوشت خلیقه ها است . ما میدانیم که در کشور ما خلیقه ها بسیار وجود دارند و مسأله آنها رفد آنست که حقوق خود مختاری همه خلیقه ها اتیوپی از آنجمله خلیقه ای که در اریتره زندگی میکنند بدون استثناء بر سمیت شناخته شود . در ضمن با دادن حق خود مختاری داخلی به خلیقه ها باید شرکت فعال توده ها در خلیقه در تحقق بخشیدن به این حقوق و اداره امور در نظر گرفته شود .

مسئله اریتره همراه با رشد و تکامل انقلاب حل خواهد شد . این مسئله ، مسئله مبارزه طبقاتی است و آنرا توده ها و وسیع مردم باید حل کنند . ما اعتقاد داریم که آنرا میباید که منافع آنها با توده های وسیع خلیقه ای دیگر نواحی اتیوپی متفاوت نیست . بفرنج ترس مسأله به انتخاب راه سوسیالیستی از راه وابستگی دارد . طبیعی است که ارتجاع با آن مخالف است و علیه آن مبارزه میکند . دامنه خرابکاری از جانب بوروکراتها ، بازرگانان و عناصر بورژوازی توسعه می یابد . درباره ای مناطقی تلاش برای شورشها مسلحانه بعمل آمد . دهقانان به اتفاق نیروهای امنیتی علیه ایمن اقدامات مبارزه برخاستند و بسیاری از کانونهای مقاومت را نابود کردند . بسیاری از قتلها احکام

پیشین که خویشاوندان شاه سابق بودند از کار برکنار شدند . در خارج از کشور نیز سلطنت طایمان
 فتودالها و دیگر دشمنان انقلاب با پشتیبانی جدی امپریالیستی با وجود پیگیری‌ها و ارتجاع خارجی
 متشکل میشوند .

با وجود تمام توطئه‌ها و دشمنان انقلاب ، شورای انقلابی موقت عزم راسخ در آرد گامهای مهم
 بعدی را در راه پیشرفت انقلاب بردارد . برنامه حداقلی یعنی برنامه انقلاب ملی دموکراتیک را
 شورای تصویب نموده است . سمت عمده این برنامه انقلاب ضد فتودالی و ضد امپریالیستی است . ما
 این میان داریم که همه نیروهای که علیه فتودالیسم و امپریالیسم مبارزه میکنند این برنامه را خواهند
 پذیرفت و پیرامون آن متحد خواهند شد و بدین ترتیب پایه تشکیل جنبه انقلابی خلق در کشور ایجاد
 خواهد شد . در برنامه این وظیفه مهمی است که حقوق دموکراتیک مردم تضمین شود و تحقق پذیرد .
 البته هیچکس نمیتواند پیشگویی کند که سیستم سیاسی کشور چه شکلی خواهد گرفت . کاملاً احتمال
 دارد که در مراحل اولیه چند حزب سیاسی پدید آید . مثلاً دهقانان هنوز آمادگی آنرا ندارند
 که به حزب مارکسیستی - لنینیستی وارد شوند و به احتمال قوی آن سازمان سیاسی خود را تشکیل
 خواهند داد . این مطالب در مورد گروه‌ها و معینی از روشنفکران هم صدق میکند . ولی ما احتمال
 میدهم که همه این سازمانهای نیروهای ضد فتودالی و ضد امپریالیستی در چهارچوب جنبه
 انقلابی متحد خواهند شد و این شکلی است که با مرحله انقلاب ملی دموکراتیک مطابقت دارد .
 بنابراین ما جنبه بعدی را با تحول در برخی بیک حزب مارکسیستی - لنینیستی تغییر و تحول پیدا
 خواهد کرد . هدف استراتژیک انقلاب اتیوپی عبارت از تشکیل یک جمهوری ملی دموکراتیک به
 رهبری حزب باقیه کارگزار است . ما باید این مطالب را در نظر داشته باشیم که باقیه کارگرد کشور ما هنوز
 کم شمار است . ولی باقیه کارگرمندت درازی در راه حقوق خود مبارزه کرده و بخش بزرگی از آن به موقعیت
 و نقش خود در جامعه آگاهی یافته است . علاوه بر این چنانکه نین میآموزد آگاهی سیاسی پرولتری
 میتواند و باید از خان بدرون باقیه کارگرمندت شود . ما معتقدیم که نمایندگان روشنفکران که مجهز
 بدانتر سوسیالیسم علمی هستند میتوانند این عمل را انجام دهند و در رأس حزب پرولتری قرار گیرند .
 در اتیوپی بوروی سازماندهی ملی موقت ایجاد شده که نمایندگان روشنفکران جوان که دارای
 معلومات مارکسیستی - لنینیستی هستند در آن داخل شده اند برای کار در این بوروکراسی انتخاب
 شده اند که با مبارزات خود از جمله در جنبش دانشجویی و شرکت در جنبش انقلابی در داخل و خارج
 از کشور و قادی خود به سوسیالیسم و اصول و ایدئالهای آن راه اثبات رسانده اند . این بوروی
 برنامه حداقلی را مورد اجرا خواهد گذارد و برای آن تأارت خواهد نمود (٦) .
 این بوروداری چند شعبه است که یکی از آنها شعبه تبلیغات و سازمان است که به ترویج و اشاعه
 مارکسیسم - لنینیسم خواهد پرداخت . تحت رهبری بوروی و آموزشگاههای ایدئولوژیک تا سپهر گردیده
 و کلاسهای آموزشی لازم مشغول فعالیت اند . (٢)
 ما میدانیم راهی را که برگزیده ایم راه دشواری است . ولی عزم راسخ داریم همه مشکلات را
 برطرف سازیم و در این مورد از کشورهای سوسیالیستی انتظار کم و پشتیبانی داریم .

١ - برنامه ١١ آوریل سال ١٩٧٦ در آدیس آبابا انتشار یافته است . در اعلامیه بوروی سازماندهی
 ملی موقت که وظایف نویسی انقلاب دموکراتیک در آن تشریح شده است تاکید گردیده که : " هدف این
 مرحله تحولات انقلابی عبارت از تأمین چنان آمادگی سازمانی و سیاسی توده‌های مردم است که بتوانند
 در آینده نزدیک نقش عمده را در انقلاب بعهده بگیرند " . در این اعلامیه از جمله انتخابات مجلس
 انقلابی ملی هم پیشبینی شده است .

ریشه های چپ گرائی افراطی معاصر

روبرت شتاينگرولد

عضو رهبری حزب کمونیست
آلمان

جریانهای چپ گرای افراطی معاصر از سالهای ۶۰، بویژه تقریباً همزمان در چند کشور عمده امپریالیستی، بروز کرد. در زمینه اجتماعی این جریانها بجز ورعده بیانگر خواستههای روشن فکران جوانی است که در آن هنگام از دموکراسی بورژوازی روگردان شدند اما نه براساس بلکه به چپ، نه سمت به فاشیسم بلکه سمت به چپ گرائی افراطی. ایدئولوژی چپ های افراطی مجموعه ای از اجزای اندیشه های بسیار گوناگون است که از آن جمله است: سوسیالیسم تخیلی، آنارشیزم، تروتسکیسم، مائوتسیسم، سوسیال دموکراتیسم، جریانهای لیبرال بورژوازی و همچنین تفسیرهای گوناگون مائوتسیسم. گروههای چپ گرای افراطی در مواضع سیاسی متفاوت و اغلب کاملاً متضاد ای قرار دارند. من به علل چندی اصطلاح "جریانهای چپ گرای افراطی" را بر مفاهم درست تر از نقطه نظر ایدئولوژیک مانند اپورتونیسم "چپ" ترجیح میدهم؛ این علل بشرح زیر است: ماهیت اپورتونیسم عبارتست از همکاری طبقاتی و در مسازشدن طبقاتی با سرمایه داری. فرقه گرائی چپ روانه افراطی بطور عینی طبقه کارگرا از مبارزه طبقاتی میترساند، اما در اینجا یک نکته مهم وجود دارد. اگر اپورتونیسم راست با تبلیغ سیاست "هم آهنگی" طبقاتی به هم پیوندی زحمتکشان با سیستم سرمایه داری می انجامد، فرقه گرائی چپ روانه بطور کلی مبارزه طبقاتی را نفي نمیکند، هر چند اغلب آنرا در مبارزه مسلحانه خلاصه میکنند.

ضمن این مقاله ما با اتکا به تجربه جمعی در آلمان بطور عمده به تشریح علل چرخش به راست و پیکالیسم چپ گرایانه می پردازیم، بدون اینکه اشکال سازمانی، ایدئولوژی و فعالیت سیاسی کنکرت چپ گرایان افراطی را مورد بررسی قرار دهیم؛ زیرا این مسائل بدین یابدان مناسبت تا حال در صفحات مجله روشن شده است (۱).

هنگام پیدایش جریانهای چپ گرای افراطی معاصر مبارزه سوسیالیسم و سرمایه داری در مرحله تازه ای وارد شد. شکست ماجراجویی "سوئز"، مغلوب شدن ضد انقلاب در مجارستان در سال ۱۹۵۶، شکست کوششهای ایالات متحده آمریکا برای درهم شکستن کوبا، ورشکستگی آشکار سیاست ناتونسبت به جمهوری دموکراتیک آلمان در سال ۱۹۶۱، همه به بحران سیاست "توسل بزور" انجامید.

۱ - رجوع کنید بطور مثال به مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم"، شماره های ۷، صفحه (۳۳-۳۹) و شماره ۸، صفحه (۳۴-۳۸)، سال ۱۹۷۴.

تفسیرات مهمی که در اوضاع بین المللی پدیدار شد بود و امپریالیسم را وارد بحساب آوردن هرچه بیشتر سیاست «مزیستی» مسالمت آمیز کشورهای - امعه کشورهای سوسیالیستی میکرد در نسل جوان موثرواقع شد. ولی این سیاست میان چپ گرایان افراطی ضد کمونیست از موضوع "مردود بودن اخلاق امپریالیسم" مورد انتقاد قرار گرفت.

تفسیرات کنونی در خصلت پیشرفت سرمایه داری و تشدید تضاد های دینی و برونی امپریالیسم برای درک علل پیدایش چپ گرائی افراطی معاصر بسیار اهمیت دارند. روند های دولتی - انحصاری تسریع میگردد و اتحاد نزدیک تری میان قدرت انحصارها و حاکمیت دولتی و آنها در شرایط تشدید مبارزه با بقه کارگر، بوجود میآید. علاوه بر همه اینها درون سوسیال دموکراسی بین المللی هم درگونی های چشم میخورد. به ورمان حزب سوسیال دموکرات آلمان در برنامه گود سبرگ (سال ۱۹۵۶) حتی ازید بیرش «ا هرن مارکسیسم هم عدول کرد و به راستوار در موضع دفاع از مالکیت سرمایه داری قرار گرفت. هربرت و هنر در سال ۱۹۶۰ نطقی مشهور خود را ایراد کرد و عدول حزب سوسیال دموکرات آلمان را از سیاست مقاومت در برابر میلیتاریزه کردن مجدد جمهوری فدرال آلمان و مسلح شدن سلاح اتنی بیان داشت. حزب سوسیال دموکرات آلمان از ناتو حمایت کرد و به حزب دموکرات مسیحی که در آنتهنگام حزب حاکم بود پیشنهاد کرد که مشترکاً از "میهن" امپریالیستی "دفاع کنند". این جریان به جدائی ایدئولوژیک بخش مرفعی اتحاد سوسیالیستی دانشجویان آلمان از حزب سوسیال دموکرات آلمان انجامید.

چند سال بعد "انتلاف بزرگ" بن ایجاد گردید و قوانین فوق العاده ای بکمک سوسیال دموکرات ها به تصویب رسید.

سوسیال دموکراسی در کشورهای عمده امپریالیستی دیگر قادر به پنهان کردن چهره خود در پر هاله اپوزیسیون ضد سرمایه داری نبود. این نیز حائز اهمیت است که در آنتهنگام در ردیف انواع دیگری هم از همان قماش پدید می آمد مانند نژادیه مارکوزه و غیره.

جنبش ضد استعماری و ضد امپریالیستی در آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین تاثیر فراوانی در بررسی از معادلات سیاسی فعال کشورهای عمده امپریالیستی باقی گذارد. ولی این تاثیر در همه جایکسان نبود مثلاً مبارزات آزاد بیختر خلق ای کوبا، الجزیره و قبرس از طرف نیروهای سیاسی بی تجربه ای که تحت تاثیر آنتی کمونیسم بودند (همان نیروهایی که بعد ها جریانهای چپ گرای افراطی را بوجود آوردند) بمنزله دلیل و برهانی بسود امکان در هم شکستن سیستم امپریالیستی از راه حمله های دلیرانه و قهرمانانه گروه های کوچکی تلقی میگردد و در صورتیکه به وجود چنین نتیجه ای از خصلت ایس - مبارزات بدست نمی آید.

حالا به واقعیت دیگری هم توجه کنیم: کسانی که از میان قشرها خرد بورژوازیه آسته بودند در روزندگی سیاسی کشورهای در حال رشد نقش مهمی ایفا کردند. جریانهای چپ گرای افراطی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته هم از میان همین محیط اجتماعی پدید آمد. همین خود به تنهایی سمتگیری این قبیل افراد را بسوی "جهان سوم" اجباب میکرد و برای پذیرش نژادریات قانون، دبره و مارکوزه (۱) که امکانات انقلابی قشرها غیر پرولتر را ایدئولیزه میکردند زمینه فراهم میآورد. بنظر ما،

۱ - باتمام اختلافی که میان نژادریات قانون، دبره و مارکوزه موجود است عد موافقت با تعالیسم مارکسیستی - لنینیستی در باره مبارزه با نژادریات، اگرچه بدلائل مختلف هم باشد و انکارانه فقط رسالت تاریخی، بلکه قدرت انقلابی پرولتاریا آتم را با هم متحد میکند.

میتوان گفت میان جریانهای موجود در محیط روشنفکران جوان کشورهای پیشرفته سرمایه داری و تحول خرد و بورژوازی در کشورهای در حال رشد شباهت معین ایدئولوژیک و سیاسی وجود دارد .
رویدادهای ویتنام بویژه اهمیت زیادی برای این نسل جوان داشت . نه فقط بدین علت که خلق " کوچک " با دفع تجاوز ایالات متحده امریکای " پر قدرت " دلاوری و نیروی خود را بروز داد .
مطلب دیگری هم که از این سرمایه م تر بود وجود داشت : تحت تاثیر و رسمهای ویتنام به نسلی که بر اساس این اندیشه که گویا " شبیه زندگی غربی " مظهر آزادی ، دادگری و انسانیت و صلح است تربیت و پرورش یافته بود ، روشن شد که جهان سرمایه داری همان ارزشهایی را که ایدئولوگهای بورژوازی با نین عشق و علاقه اند ریاره آنها را در سخن میدهند ، پایمان میکند .

در جریانی که به بی وجه عین هم نیستند در آن واحد در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و در منطقه جنبش آزادی ملی پدید آمده اند بهمان معنی " همگرا " از آب درآمدند . پایه های نمونه وار (تیبلی) ایدئولوژیک و سیاسی قشرهایی که هنوز تا ساج مبارزه ضد امپریالیستی که بخش پیشرو باقیه کارگران میدان رسیده ، اعتلا پیدا نکرده اند بدین شرح است : تلاش بران دگرگونیهای رادیکال همزاه با نسل های یاسر و نومیدی و ناشکیبایی که در اثر ترقی کند و اغلب خیلی کند بروز میکنند ، مطلق کردن اشکال مبارزه مسلحانه ، گوشه نشینی و ولونتاریستی بران " جهش " از مراحل تاریخی ناکریر پیشرفت اجتماعی - تاریخی ، تصورات نادرست درباره کمونیسم همانند جامعه ای برابری آفرین ، محکوم ساختن اخلاقی امپریالیسم در عین فقدان دانش کافی قوانین پیشرفت جامعه ، تبلیغ گوشه گیری و درویشی و بی اعتنائی به مبارزه توده ها در راه به بود شرایط زندگی . بی اعتنائی به ضرورت پشتیبانی از رفقا توده ها ، نفی سیاست وحدت عمل و اتحاد ها ، خلاصه کردن مبارزه انقلابی در فعالیت گروه کوچکی از پیشتازان و صرف نظر کردن از اندیشه حزب متشکک مارکسیستی رزمند نه نیز از اینجانشی میشود .

حال باید دید چه علت بخشی از روشنفکران جوان و در رجه اول " آموزندگان علوم اجتماعی "

(یعنی کسانی که در انرها ان اجتماعی - انسانی غلامشان میدهند) آن قشر اجتماعی است که بهه جریانهای چپ گران افراطی روی آورده است ؟

جامعه شناسان بورژوازی قضیه را چنین بنظر می آورند که در این مورد ما گویا با اعتراضی جوانان " مانند قشر از جامعه " ، و یا " تضاد و برخورد نسلها " سروکار داریم و که این قضیه گویا با در نظر گرفتن معایب (سوسیالیزاسیون) " اجتماعی شدن " یعنی نواقص آن موسسات اجتماعی (مدرسه خانواده و نژاد ایرانیم) که نسل بعد از جنگ از طریق آنها با اندیشه های بنیادی و موازین سیستم سرمایه داری آشنا گردید قابل توضیح و تشریح است . اما میدانیم که همین دسته از روشنفکران که به ترازویگران با این اندیشه ها موازین آشنا است مدرت درازی آنها را جری تلقی میکرد تا بالاخره تضاد این موازین را خود ویلا واسطه با واقعیت و حشیا نه امپریالیستی احساس کرد . بدین ترتیب دید میشود که مسئله ، چنانکه ایدئولوگ های بورژوازی میگوشتند تلقین نمایند تا توجه افراد را از نسل واقعی این دید به منحرف کنند ، بهیچوجه ارتباطی با تواقص " سوسیالیزاسیون " وعدم کفایت آشنایی با ایدئولهای تمدن بورژوازی ندارد .

در سالهای ۶۰ در ساختار (استروکتور) سرمایه داری پیشرفته دگرگونیهای فراوان روی می دهد . این دگرگونیها استفاده روز افزون از کار روشنفکران را نه تنها در روند های تولیدی بلکه در رشته مدیریت و همچنین در رشته ای که در خدمت ماشین ایدئولوژیک جامعه بورژوازی است (مطبوعات ، رادیو و تلویزیون) الزام میکند . همه اینها همراه با افزایش امکانات آموزشی و نتیجه مبارزه زحمتکشان (این امکانات زمانی از امتیازات طبقه حاکمه بود) نه تنها موجب رشد سریع تعداد دانشجویان بطور

کلی، بلکه باعث افزایش تدریجی درصد افراد وابسته به خانوادگی‌ها، مستخدمان جزئی و کارمندان جزئی ادارات دولتی میان آنان میگردد (۱) . در سیستم آموزشی هم انواع تضادهای مشاهده میگردد .

البته اعتراض برعلیه شرایط ناساعد آموزش در پدیدایش جریان چپ‌گرایانه افراطی نقش قاطع ندارد . اما این اعتراض‌ها زمینه را فراهم میسازند ، بتدریج ولی مدام ماده ای بوجود آوردند که از جرعه اعتراض سیاسی برعلیه جنگ ایالات متحده امریکادرویتنام و تظاهرات برعلیه مسلح شدن جمهوری فدرال آلمان به سلاح اتمی و قوانین فوق‌العاده ، مشتعل شد .

پدیده دیگری راهم یادآور میشویم . موقعیت افراد مشغول بکار در تمام رشته‌های جریان تولید مسئولیت بیشتری کسب میکند . ولی در عین حال حقوق اجتماعی آنان با موقعیتشان تطبیق نمیکند ، این تضاد شدید ترازمه جاد رست در همین رشته " علوم اجتماعی " بروز میکند زیرا در این جاد و گرایش بهم برخورد میکند ؛ از یک طرف تشدید نظام و ترتیب در روند آموزش و از سوی دیگر تلاش دانشجویان برای آزادی بیشتر در انتخاب شکل و مضمون آن . این برخورد بهمان نسبت که ایدئولوژی سنتی بورژوازی از " آزادی انتخاب کردن " و از جمله در رشته آموزش تعریف و توصیف میکند شدید تر و حاد تر است . همین حالا هم فرهنگ بورژوازی روشنفکران را با روحیه " آزادی انتخاب کردن " تعلیم و پرورش میدهد . چنین ایدئولوژی در زمان خود ، بهنگام مبارزه بورژوازی با قوانین و مقررات فئودالی ، به روشنفکران امکان میداد با جریان کلی نیروهای اپوزیسیون درهم آمیزند . ولی در زمان رست آزادی امروز تصور باطلی از موقعیت ویژه " حرفه‌های آزاد " ایجاد میکند و اغلب مانع آنان میگردد که تودهمان روشنفکر در وضع و موقعیت واقعی خود در اجتماع اندیشه و تأمل کنند . با اینهمه یادآور این نکته حائز اهمیت است که این برخورد اجتماعی نقش خود را در این جریان که بخشی از روشنفکران عدم تطابق منافع خود را با منافع سرمایه داری دولتی - انحصاری درک و احساس کرده اند ایفا نمود .

مجموعه ویژه‌ای از تضادهای در این زمینه پدید میگردد . از یک طرف چنین بنیاد می‌آید که بخش شایان توجهی از روشنفکران معاصر امروز از امکانات بیشتری نسبت به گذشته برخوردار است . بطور نمونه در جمهوری فدرال آلمان اینک ممکن است برای انتخاب کتابهای درسی و شکل و شیوه آموزش ، امکانات بیشتری دارند . ولی از سوی دیگر آنها باید همیشه آماده باشند که در همان دوران تحصیلی خود را از لحاظ ایدئولوژیک در ساز کنند و هم رنگ دیگران شوند ، در غیر این صورت بعد ها مانع است از اشتغال به کار حرفه‌ای آنم آزاد معترض خطرید و رافقاند از زندگی حرفه‌ای قرار میدهند . در اوضاع و احوال سرمایه داری دولتی - انحصاری ما با محدودیت خشونت بار ، چه در روند آموزش و پرورش و چه در استفاده حرفه‌ای از روشنفکران رشته‌های علوم اجتماعی ، سروکار داریم .

هر روز ما از " جامعه باز " می‌گوییم که در نقطه مقابل " رژیم توتالیتر " قرار دارد صحبت میکنند . ولی این روشنفکر جوان در همان جریان تحصیل و پیرایان درانتظار کار و شغلی که با خواهند داد شروع بدین مسئله میکنند که اوجبورا است تابع " مصالح کار " (اقتصادی که بر پایه سود سرمایه می‌چرخد) باشد و درست همین " مصالح " خصلت جامعه و ساختار اداره امور آنرا تعیین میکند و مضمون و مرزهای با اصطلاح " آزادی " را مشخص مینمایند . این تضاد که در سیستم آموزش و پرورش و همچنین

۱ - هنگام تظاهرات دانشجویان در جمهوری فدرال آلمان (که عبارت از نوعی بروز چپ‌گرایی افراطی سکتاریستی بود) فقط بخش کوچکی از " جدید های " جنبش چپ‌گرایان افراطی وابستگان بطبقه کارگر بودند . بخش بزرگی از آنان از افراد وابسته به تشریفات متوسط و مستقل و " قشرهای متوسط " با کار مزدی یعنی " طبق معمول از محیط خرد بورژوازی بودند .

در شرایط کار زندگی ریشه دوانده و فرد گرائی " ایندیوید و آلیسم " وعدم تشک بود و میآورد ثانوی
نمندان به مقابله و مبارزه بانظم و ترتیب و محدودیت های دولتی - انحصاری می انجامد .

این پدیده نمونه و اراست که تعداد هر چه بیشتری از این قبیل روشنفکران میزبان و مقیاسی
که مبارزات سیاسی کشانده میشوند دست بدین کار میزنند و آنها هم نه بخاطر حفظ امتیازهای کهن
و منوخ روشنفکران . تحت تاثیر تئوری علمی و پیرائیک سوسیالیسم این نظریه غلبه پیدا میکند که
وارد کردن علم ، و از جمله علوم اجتماعی ، در روند تولید از لحاظ اجتماعی ضروری است ، به همین
سبب هم نه بر علیه این گرایش قانونمند تاریخی ، بلکه بر علیه سمگتگیری روند تولید بر پایه اصل پیرمایه
داری بدنیال سود و درآمد دیدن مبارزه میشوند .

اکثر دانشجویان وابسته به طبقه کارگر و یکرشهرهای اجتماع ، بزندی حرفه ای ، بمنزله
کارگران مزد بگیری که ازشهرهای متوسط بشهرهای آید گام می نهند . این قشر از نقطه نظر نسوع
فعالیتی که مشروط به آمادگی کیفی عالی تر و گرانتر حرفه ای است به طبقه کارگر تعلق ندارد و اما
به مقام وحد ممتاز روشنفکران سنتی هم میرسند . در نتیجه این اوضاع در برابر چشم مانع تازه ای از
فرد گرائی بوجود میآید . پایه های این فرد گرائی را اینقدرها دفاع از مالکیت خصوصی بیرونی
تولید تشکیل نمیدهد که استقلال فردی از هویت و هویت و خود سربهای نظم و ترتیب دولتی - انحصاری
روند تولید . از اینجا فقط سمگتگیری ضد امپریالیستی اپوزیسیون چپ گرای افراطی بلکه تضاد با
سوسیالیسم و جنبش کارگری بخار کلی هم پدید می آید . طبیعی است که سرمایه های کلان برای
استفاده از این جریان فرصت را از دست ندادند تا بدین ترتیب برای تاثیر ایدئولوژیک روی روشنفکرانی
کهنه با معرضه اجتماع نهاده اند از راه اشاعه انواع نظریات و دکترین های اجتماعی غیر پرولتری
و غیر مارکسیستی سعی و کوشش خود را بکار اندازند .

پس از جنگ جهانی دوم ایدئولوژیک های بورژوازی تلاش کردند قدر رومنلتی را که در موکراسی
بورژوازی از نود جریان مشارکت کرده ای امپریالیستی در نبرد ضد فاشیستی خلق مابعد دست آورد بود
با آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم " بورژوازی موکراتیک " پیوند زد و بر پایه تشبیه فاشیسم و سوسیالیسم
توده های زحمتکش را بدنیال عرابه امپریالیسم بکشاندند . ولی اتفاقاً اتحاد امپریالیسم " آزاد و
د موکراتیک " با هر نوع رژیم ارتجاعی و فاشیستی در جهان ، از فرانکو ، سالازار و فوستر تا پینوشه ، منتهی
خصمانه امپریالیسم به آزادی خلقها و همچنین (بخار و ریکه جنگ ویتنام بروشنی ویژه ای نشان داد)
استفاده امپریالیسم از وحشیانه ترین انواع جنگ افزارها برای دست یافتن به دنیای خویش در نقطه
مقابل تلاشهای آنها بمنظور جلوه دادن سرمایه داری بمنزله تکیه گاه " آزادی " و " موکراسی " :
قرار گرفته بود .

و راجی و پرحرفی درباره موکراسی مطلق و آزادی مطلق برای مدافعان سرمایه داری
نتیجه معکوس ببار آورد . بسیاری از مردم سؤال میکردند که چه بسا این آزادی و موکراسی آمد ؟
البته صحبت بر سر این نیست که شك و تردید بنیادی در خود اندیشه آزادی و موکراسی پدید آمد ،
بلکه در این باره است که تفاوت میان تفسیر بورژوازی این اندیشه و واقعیت شناخته شد و در نتیجه
آن گروه های هر چه بیشتری از نمایندگان روشنفکران شروع به جستجوی راه از میان بردن این تفاوت
میکند .

برخی از روشنفکران جوان که گرایش به مخالفت با وضع موجود از خصایص آنست
اندازه زیادی نظریات " چپ گرایانه " را می پذیرد و یا از احزاب " چپ " پشتیبانی میکند . آنها به
مارکسیسم روی میآورند ، ولی به مارکسیسم با شرف و تفسیر بورژوازی آن که در جمهوری فدرال آلمان بسیار
شایع و رایج است ، افزایش فوق العاده زیاد انتشار رساله ها و کتابهای مارکسیستی کاژب از واسط .

سالهای ۶۰ بهتراز هر چیز دیگری نشانه بارز این پدیده است . بطوریکه طی سه سال (از سال ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۸) در جمهوری فدرال آلمان نزدیک به ۴۰۰ اثر درباره مارکس و انگلس انتشار یافت . در این سالها فقط ۱۸ کتاب حاوی متن آثار مارکس و انگلس منتشر شد . نمیتوان از نگاه راه انتشاراتی کم و بیش بزرگ سرمایه داری در جمهوری فدرال آلمان نام برد که طی این سالها اثری درباره " مارکسیسم " انتشار نداده باشد . این سالها دوران " شکوفایی " مارکس شناسی ، پژوهش درباره مارکس و نظریات و تئوریهای گوناگون ضد مارکسیستی بود . تمام نمایندگان این جریانها بدون استثنا میکوشیدند با استفاده از علاقه جوانان به اندیشه های سوسیالیستی این معامله پرسود را درست ندهند و البته سعی میکردند جوانان را در عین حال و تا حد امکان براه نادرست و کج سوق دهند .

سرگرمی و مشغولیت جوانان باید طولوزی خرده بورژوازی در جمهوری فدرال آلمان به علی چند تسهیل میشد . یکی از این علل غیر قانونی اعلام شدن حزب کمونیست بود ، زیرا این امر کار ارتباط با جناح انقلابی طبقه کارگران را شوارمی ساخت و بدین ترتیب به رواج و اشاعه سمگیری نادرست و اشتباه آمیز کمک میکرد . طرفداران جوان جنبش ضد امپریالیستی مصمم شدند که باید " همه چیز را از نو آغاز کنند " . علت دیگر این بود که زمینه برای رواج و انتشار ایده طولوزی خرده بورژوازی میان جوانان دانشگاهی با اقدامات برخی از نمایندگان مشهور آکادمی جمهوری فدرال آلمان (ما در درجه اول نمایندگان مشهور مکتب فرانسه ، یعنی افرادی نظیر م . هورک هیمر و ت . آدورنو را در نظر داریم) که گویا بنام مارکسیسم سخن میگفتند ، آماده شده بود (۱) .

آیا تعجب آور است که در چنین وضع اجتماعی - سیاسی و فضای معنوی را دیکالیسم چپ گرایانه افراطی ضد شوروی در کشورهای پیشرفته سرمایه داری باید طولوزی مائونیستی ضد شوروی با جملات انقلابی و بیاسی اعتنائی به مبارزه طبقه کارگر و فعالیت کمونیست ها در راه سازمان دادن به جنبش ضد امپریالیستی توده ها ، نسبتاً خیلی زود پیوند یافت .

فرق نهادن میان جریان سکتاریستی چپ گرای افراطی معاصر از یک طرف و اشکال مختلف بروز اپورتونیسیم راست از طرف دیگر در عین حال از نظر روند داشتن این نکته که میان این جریانهای اپورتونیستی وجه مشترک درونی وجود دارد ، از لحاظ سیاسی حائز اهمیت است . آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم ، و برخورد منفی و اغلب اوقات خصمانه نسبت به طبقه کارگر و حزب کمونیست آن از مهم ترین مسائل در این وجه مشترک است . نزدیکی درباره دیگر مسائل هم بر همین اساس صورت می پذیرد . بطور مثال ، اپورتونیست های راست می خواهند سدیکاهار ایمنوی بنگاه " خدمات اجتماعی سیستم سرمایه داری معاصر مدلل سازند و " چپ گرایان " که از سیاست ضد اتحادیه های کارگری پیروی میکنند در این جریان بدانها کمک و یاری میرسانند . در رشته فعالیت های پارلمانی ، در مسائل وحدت عمل و اتحاد های ضد انحصاری ، در ارزیابی نقش انقلابی طبقه کارگر و بسیاری از مسائل دیگر همین شباهتی بر میآید .

۱ - مکتب فرانسه و گروهی از نمایندگان آن مانند م . هورک هیمر ، ت . آدورنو و ا . فروم که در سالهای ۳۰ در دانشگاه پژوهش های اجتماعی در فرانکفورت کار میکردند یک سلسله از اندیشه های مارکسیسم را که با ذهنی گزافی و شیوه طرفداران چپ گرای هگل تفسیر و تعبیر میشود ، اقتباس کرده بودند . این امر یکی از ویژگیهای عمده مکتب فرانسه است . این مکتب که به بررسی معضلات بشری میپرداخت از فرهنگ توده ای و یکسان کردن روابط خصوصی میان انسانها و گرایش به اداره امور شیوه توتالیترانه همساز ویژگیهای سرمایه داری معاصر است مورد انتقاد شدید قرار میدهند .

لیدران راست گرای سوسیال دموکراسی در جمهوری فدرال آلمان می‌کوشند مردم زحمتکش را از مبارزه مستقل سیاسی و سندیکائی بازدارند و نقش رای دهنده غیرفعال را بدان ها تحمیل کنند و در عین حال مانع از آن شوند که نمایندگان پیگیر منافع طبقه کارگر اصولاً در عرصه مبارزات پارلمانی ظاهر شوند. سکتاریست های "چپ" هم با "اپورتونیستی" نامیدن مهمترین اشکال مبارزه و سازمان های طبقه کارگرو با محکوم کردن پارلمانتاریسم و یا کوشش برای استفاده از شرکت در انتخابات بمنزله وسیله مبارزه بر علیه کمونیست ها در واقع همینطور عمل میکنند؛ آنها به سندیها بمنزله سازمانهای دشمن امر انقلاب نگاه میکنند و از تاکتیکی پیروی میکنند که هدف از آن منفرد ساختن آن نیروهای سندیکائی است که دارای نظریات سوسیالیستی هستند. نیروهای بورژوازی و سوسیال دموکراتیک آشکارا میخواهند طبقه کارگرا منفرد سازند و می‌کوشند میان آن نیروها که در اتحاد با طبقه کارگر مشارکت دارند و کارگران مانع تازه ای بوجود آورند. نفی ضرورت اتحاد ضد انحصاری؛ طبقه کارگرا در پی زحمتکشسان و محافظ معینی از بورژوازی از طرف چپ گرایان افراطی و سکتاریستی معاصر هم در آخرین تحلیل بهمین نتیجه میرسد.

لیدران سوسیال دموکراسی به وفاق آمیز دعوی میکنند که گویا کمونیست ها با دموکراسی مخالف اند. چپ گرایان افراطی و سکتاریستی معاصر ارتباط متقابل مبارزه در راه دموکراسی و مبارزه بخاطر سوسیالیسم را نفی میکنند و کمونیست ها که این ارتباط را می بینند تهمت و افترا می بندند و موضع آنان را تجدید نظر طلبانه می نامند. راست گرایان در جمهوری فدرال آلمان ما را سرزنش میکنند که ما گویا طبق تشوری خود فقط میتوانیم بشکل محافظ پنهانی توجه نگهانی وجود داشته باشیم که به شیوه های غیرعلنی و مسلحانه سازمانی و مبارزه ای محدود می باشند و اگر هم این محفل ها بشکل علنی فعالیت میکنند، گویا آنها این اشکال علنی را برای مخفی نگهداشتن و استتار هدفهای غیرعلنی مورد استفاده قرار میدهند. در حالیکه این خود چپ گرایان افراطی هستند که طبق این نقشه عمل میکنند. آیا این آنها نیستند که عملاً فقط اشکال غیرعلنی و مسلحانه مبارزه و سازمانی را انقلابی اعلام میکنند؟ بدین ترتیب مابعد و ام با اشتراک شگفت انگیز سیاست اپورتونیسم راست گرا و سیاست چپ گرایان افراطی و سکتاریست معاصر برخورد میکنیم. برای گفتن به نمایندگان جوان روشنفکرانی که واقعا در جستجوی آنند که بصوفی مبارزان واقعی و فعال بر علیه امپریالیسم بیوندند ضروری است که ما این وجه اشتراک را بطور مدون نشان دهیم.

در عین حال اوضاع جهان در حال تغییر است. بسیاری از عللی که موجب پدیدایش جریانهای چپ گرایانه افراطی و سکتاریستی شدند و مابعد آنها اشاره کردیم اینک اتحاد دوی زمین رفته است. مردم هند و چین مبارزه آزاد بیختر خود را با پیروزی پایان رسانندند. در اثر بحران شدید ی که اینک در کشورهای عمده سرمایه داری بچشم می‌خورد امکان انجام اصلاحات محدود و گردیده و سیاست دولت اندکی براست گرایش پدید آمده است. دولت‌هایی که سوسیال دموکراتها در امر آنها استمرار دارند و از جمله دولت کشور مابعد برخی رفورسها در رشته مدار عالی دست زدند که در نتیجه آن اعتراض و مخالفت به ورموقت تضعیف گردید. انتظار امید نمایندگان جریانهای چپ گرای افراطی که از مبارزه واقعی؛ طبقه کارگرا شده و به پیروزی سریع بر امپریالیسم دل بسته بودند بر آورد نشد. این پدیده بمقیاس گسترده ای تصورات واهی را از زمین برد و زمینه را برای پدیدایش قطب های مخالف در محافظان جنبش دانشجوئی آماده ساخت.

بخشی از آنان که نوع تازه ای از اندیشه کهنه "سوسیالیسم ضد اتوریته" را تبلیغ میکنند، بنوعی ترکیب نظریات "زیربنائی - دموکراتیک" و کمونیستی آنارشیمیستی روی آورده است که از مختصات

جریانهای چپ گرای افراطی سکتاریستی در سالهای ۶۰ بود . نمایندگان اینان گاهی از اتهاماتی که به سوسیالیسم موجود وارد میکردند پشتیبانی میکنند وزمانی هم تا اندازه ای بر علیه این اتهامات اعتراض میکنند .

بخش دیگری که به قطع ارتباط خود با اندیشه های جریانهای چپ گرای افراطی آغاز کرده بسا نیروهای چپ گرای سوسیال دموکراسی متحد میشود . هم اکنون در جمهوری فدرال آلمان تمایل به ایجاد حزب تازه چپ سوسیال دموکراتیک چشم میخورد ، رهبران قدیمی دانشجویان از دوره نیمه دوم سالهای ۶۰ مانند رودی و وچکه به ورفعال در این جهت عمل میکنند .

برخی از نمایندگان چپ گرائی افراطی که تحت تاثیر شدیدا ایده ولوزی آنتی سوسیالیسم قرار دارند در اثر مواضع ضد کارگری خویش و برخورد غیر دیالکتیکی و منفی نسبت به دموکراسی بورژوازی در مقابل پذیرش نظریاتی که نزدیک به راست گرائی افراطی ارتجاعی است حساسیت پیدا کرده اند . این حقیقت کهن بار دیگر تازید میشود که در وحدت افراطی بهم میسرند . این جریان بویژه آشکارتر میان چپ گرایان افراطی جمهوری فدرال آلمان دیده میشود که در مواضع طرفداری از مائوئیسم قرار دارند . آنها معتقدند است که صفوف نیروهای ارتجاعی و میلیتاریستی سرمایه داری انحصاری آلمان غربی پیوسته اند . اندیشه هم آهنگی طبقاتی با ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیستی ، بویژه با شدت هر چه بیشتری در این محیط تبلیغ میشود ، شوینسم واقعی امپریالیستی را اینان دامن میزنند .

این گروهها از افزایش تسلیحات ناتو و ارتش آلمان قادر به جنگ و نوا آیر آنها طرفداری میکنند و بدین ترتیب به دشمنان جنبش کارگری مبدل میشوند . برای این گروهها یک دشمن سیاسی داخلی وجود دارد و آنهم حزب ماست . آنها به توطئه و تحریک آشکار علیه حزب ماسی پردازند . این گروه مبدیهای نمایندگان سابق جریان های چپ گرای افراطی سکتاریستی برای همیشه از مصلح ، دموکراسی و سوسیالیسم بریده اند .

اما تمام چپ گرایان افراطی طرفدار مائو تا این اندازه به پیش نرفته اند . بسیاری از آنان در عین اینکه با ورکلی از مواضع مائوئیستی دفاع میکنند هنوز برای برداشتن آخرین قدم و پیوستن به صفوف ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیستی آمادگی ندارند . سیاست اغواگرانه و مدافع امپریالیسم و ضد انقلابی لیبرال مائوئیست نسبت به پرتقال و دارودسته پینوشه در شیلی و رویدادهای آنگولا بخش مهمی از جوانانی را که هنوز از آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم رهائی نیافته اند به سردرگمی شدید ویرشانی افکنده است .

در عین حال این راهم باید دید که بخش از نمایندگان جریانهای چپ گرای افراطی سابق در جمهوری فدرال آلمان پیرا سپردن راه بیرنج و عذاب خود آگاهی به صفوف جنبش کارگری مارکسیستی نزدیک شدند . در همان سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۸ گروه کوچک ولی بانفوذ عاملین اتحاد سوسیالیستی آلمانی دانشجویان بمواضع کمونیستی پیوست . این گروه در جریان مبارزه برای قانونی کردن حزب کمونیست آلمان بشدت فوالمیت کرد . جوان ترین طرفداران و پیروان این گروه جنبش پراهمیست دانشجویی با ستمگیری مارکسیستی یعنی اتحاد مارکسیستی دانشجویان " اسپارتاک " را که در حال حاضر در جمهوری فدرال آلمان چندین هزار دانشجو و متحد میسازد و متحد صدیق حزب کمونیست آلمان ، حزب مارکسیستی سابق کارگراست ، بوجود آوردند . بدیهی است که این امر نتیجه روند کلی خود بخودی تجربه اندوزی بخشی از نمایندگان جنبش دانشجویی نبود ، و آنرا در رجه اول باید با کار استیگنایز برای دیمولویک و شورویک کمونیست های کشور ما تشریح کرد که بنویس خود درستی موضوع اصولی ما را تازید میکند . کمونیست های جمهوری فدرال آلمان به ورمداوم به مبارزه مضمرانه و پیگیر

ایدئولوژیک، برای جلب جوانانی که بدام چپ گرایان افراطی سکتاریست افتاده اند ادامه میدهند
و در این رهگذرانند گذشته را هم روانمیدارند .
این مبارزه با وجود این نباید برپا می آید . ولی حزب کمونیست آلمان بخاطر وحدت عمل کمونیست
۱۵ اوسوسال دموکراتها در صفوف سابقه کارگزارش باطابق دارد . ما بر این عقیده ایم که هرگاه موفق شویم
صفوف حزب کمونیست راست حکمتر سازیم و با موفقیت بیشتری امیال و خواسته های آن برای وحدت
عمل را تحقق بخشیم ، پیروز میشویم .

بر علیه ترور و تضییق و فشار

نژاد پرستان افریقای جنوبی باید مجازات برسند!

سوتو، آلکساندرا . . . نام این شهرها و سایر ششم سرها و روستاهای جمهوری افریقای جنوبی که نزدیک زوهانسبورگ قرار دارند از این بعد با نام شهر ریشاریهویل که در مارس سال ۱۹۶۰، پلیس نژاد پرستان در آنجا حمله خون برآوردند و ۶۹ تن از افریقائیان را که در تظاهرات مسالمت آمیز شرکت کرده بودند بضرر گلوله از پای درآورد، از لحاظ سرنوشت تراژیک خود در یک رن یف، قتل قرار خواهند گرفت.

صغیرنخستین گلوله ها در ۱۶ ژوئن ۱۹۶۶ بگوش رسید. بیشتر از ۱۷۰ تن بهلاکت رسیدند که کودکان و زنان هم در میان آنان بودند. ۱۲۰۰ نفر هم زخمی شدند. اینهم ارقامی است که دولت جمهوری افریقای جنوبی پس از یک هفته مجازات و کشتار اهالی گنوهای افریقا، با ورور رسمی انتشار داده است. تیراندازی بی امان بسوی دانشآموزان و تظاهرکنندگان بی سلاح - این است عمدترین شیوه "گفتگوی" (دیالوگ) نژاد پرستان افریقا و پلیس فورستر یا افریقائیهها.

بدین شکل رژیم آپارتیید (Apartheid) باقیافه سبعانه اثر که یکی از نفرت آمیزترین و خشنترین اشکال نژاد پرستی است، از خود را به جهانیان نشان داد.

جنایت تازه ای که هیئت حاکمه پر توری مرتکب گردیده، بار دیگر روغ بودن دعاوی آنان را درباره "مشی جدید" گذاشت که گویا باید مصلحت انفجار آمیز افریقای جنوبی را برطرف کند، فاش و برمسلا میسازد و بار دیگر ثابت میکند که دولت فورستر برای حفظ رژیم جور و ستم نژادی که استثمارنا محسوس و

بومیان کشور را از طرف اقلیت سفید پوست تامین خواهد کرد فقط و فقط به نیروی نظامی متکی است.

کشورهای امپریالیستی برهبری ایالات متحده آمریکا که به رژیم فورستر کمک فراوان اقتصادی و نظامی میکنند و بدینوسیله با او امکان میدهند در مقابل موج فزاینده جنبش خلق حاکمیت خود را حفظ کنند،

در مسئولیت وقوع این تبهکاریها شریک هستند. اقدامات برخی از محافل ایالات متحده آمریکا، فرانسه و اسرائیل که میکوشند جمهوری افریقای جنوبی را در رشته امنی با وسائل تکنیکی لازم مجهز کنند،

یعنی اقداماتی که خطر افتادن بمب امنی بدست نژاد پرستان را در پی دارد و همچنین دیدار فورستر و کیسینجر در جمهوری فدرال آلمان که هنگامی انجام شد که جهان براسستی از اخبار دهشتناکی که از سوتو و سایر شهرهای جمهوری افریقای جنوبی میرسد بلرزه در آمد، از آخرین نمونه های چنین

کمک هائی است.

تبهکاریهای رژیم فورستر و جمعی از اعتراض خشم آمیز در سراسر جهان برانگیخت. شورای امنیت سازمان ملل متحد این تبهکاریها را با قطعیت محکوم کرد و بار دیگر تاکید کرد که سیاست آپارتیید "جنایتی بر علیه وجدان و شرافت جامعه بشری و خطری برای صلح و امنیت است".

مجمع سران کشورهای اوروسا و دول سازمان وحدت افریقا که اوائل ژوئیه در پورت لوئی (ماوریتینی)

تشکیل گردید کشتار جمعی افریقائیان را در جمہوری افریقای جنوبی محکوم کرد و شرکت کنندگان را بہ اتحاذ تدابیر موثر برای مہاگردن فوری نژاد پرستان فراخواند . ۱۶ ژوئن " روزگشت - سار " دستہ جمعی در سوتو " اعلام شدہ است .

کشورهای جامعہ کشورهای سوسیالیستی و تمام نیروهای مترقی سیارہ ماہمیستی رزمندہ خود را با تمام قوا با خلعہای جمہوری افریقان جنوبی مبارزہ ابراز داشتند .

کمونیست ۵۰اگہ بمیانہ کنفرانس جهانی احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۶ (خطاب بہ تمام مردم شرافتمند جهان کہ آنہار بہ " وحدت و تشریک مساعی برای مبارزہ با ایدئولوژی و پراتیک ضد بشری نژاد پرستان " فرامیخواند ، وفادار هستند ، در صف مقدم این جنبش جهانی ہمبستگی قرار دارند .

ما آمینان داریم کہ مردم افریقای جنوبی آزادی خود را بدست خواهند آورد ! ورشکستگی و زوال رژیم آپارتیڈ اجتنابناپذیر است .

کمیسیون ویژه دستر آزاد بیختر ملی در کنفرانس آسیا و افریقا

مجلہ " مسائل صلح و سوسیالیسم "

سازارن راه اسپانیای نوین را آزاد کنید !

مانتیا گوالوارس عضو کمیتہ اجرائیہ و دبیرخانہ کمیتہ مرکزی حزب کمونیست اسپانیا و دبیرکل حزب کمونیست گالیسی رایاز داشت کردہ و بزندان افکنندہ اند .

خوانندگان " مجلہ صلح و سوسیالیسم " این رہبر مشہور و رو بہ اعتبار مبارزہ در راه آزادی اسپانیا را کہ ۲۰ سال از عمر خود را در زندانہای فرانکو بسر بردہ خوب میشناختند ، او یکی از بنیاد گذاران این مجلہ است و سہم ارزندہ ای در نگارہای آن دارد و مدت ۸ سال نمایندندہ حزب کمونیست اسپانیا در شورای ہیئت تحریرہ مجلہ بودہ است . در " آلوارس " اغلب در مجلہ مقالاتی منتشر میکرد و در بحث ہا و مذاکرات و یادداشتہایی کہ در ادارہ مجلہ صورت میگرفت شرکت می جست . در شمارہ ماہ ژوئن سال جاری ہم گزارشی در بارہ سخنانی او در شورای ہیئت تحریرہ در مورد اوضاع اسپانیا درج شد بود . بازداشت و زندانی کردن او ما را بر آن میدارد کہ بار دیگر با تمام عینت با اعتراض نیروهای دموکراتیک؛ جهان کہ خواستار عفو عمومی در سراسر اسپانیا هستند ہم صدا شویم . کمونیست ۵۰ ای اسپانیا و تمام اسپانیائی ہائی کہ خواستار پایان بخشیدن بہ مانند ۱۵۰ رژیم سفور فرانکو دستند اظہار میکنند کہ بدون عفو عمومی آزادی وجود نخواہد داشت .

در سال ۱۹۶۵ ہم سر " آلوارس " ہمچو برگزینہ مبارزہ در راه آزادی اسپانیا از فاشیسم بہ دور برعلنی بداند افرقتہ بود و در ہمہ رخشا اعدام قرار گرفت . اعتراض ہا و مجامع بین المللی و ہمبستگی جهانی جان و نجاتش داد . او پس از گذراندن مدت درازن در زندان تبعید شد . این بار دیگر وی رایاز داشت کردہ و محاکمہ کشاندہ اند ، اگرچہ این بار بہ اورقانونی با اسپانیا بازگشتہ و گذرنامہ ای در دست دارد کہ از بارہ یکی از کنسولگریہای اسپانیا صادر شدہ است .

در اعلامیہ کمیتہ اجرائیہ کمیتہ مرکزی حزب کمونیست اسپانیا کہ ۱۳ ژوئن انتشار یافته گفتم شدہ است : " در حالیکہ شاہ در ایالات متحدہ امریکا از دموکراسی بدون تبعیذ در مینزد و ما در سہم مانتیا گوالوارس را بازداشت کردہ و محاکمہ میکنند . . . اطلاع دادہ اند کہ برعلیہ فرانسیسکو روسرو ماریں عضو کمیتہ اجرائیہ کمیتہ مرکزی حزب کمونیست اسپانیا ہم پروندہ تشکیل دادہ اند .

دادستان بران اوتقاعی ۸ سال زندان کرده است . لوسیولوبانوف بود یگر کمیته اجرائیه کمیته مرکزی هم کفنیعی ارزندگی خود را در زندانها در رژیم فرانکو سراسر آورده مانند گذشته هنوز زندان است این افراد رهبرین حزب کمونیست بعزلت اینکه با دلاوری از آزادی دفاع میکردند و بر علیه حکومت استبداد و ممالک فرانکو مبارزه برخاسته اند ، به غیر قانونی زندان افکنده شده اند عفو عمومی برای آنان و سران مهاجرین از مساعلی است که به تمام دموکراتها مربوط میشود برای آزادی مبارزان استوار علیه فاشیسم ، امپریالیسم و ارتجاع کمونیست های تمام جهان باید تمام نیروی و درابسیه کنند .

س . س . پایراین - نماینده حزب کمونیست اسپانیا در مجله

روح مقاومت و پیکار جوشی را با تضییق و فشار نمیتوان درهم شکست

در آستانه جلسه ژوئن مجمع عمومی سازمان کشورهای امریکائی که در سانتیاگو برگزار گردید ، خونتا ، فاشیستی با موج تازه ای از ترور و پیگرد بر میهن پرستان شیلی تاخت ، تنهاد راه مسه صدها تن بازداشت شدند . و یکشور یاسر معاون دبیرکل حزب کمونیست شیلی ، ماریوسا مورانو و خوزه مون اسرازه بران حزب هم در میان بازداشت شدگان اند . همانطور که در اینجا همیمن شماره روزنامه غیرعنی کمونیست ها " اونیداد آنتی فاشیستا " قید گردیده پیئوشه در نظر داشت با تشدید تضییق و فشار مانع از تظاهرات مردم در جریان انجام جلسه مشاوره شود . ولی تلاش خونتا بران جلوگیری از اعتراضات ضد فاشیست ۱۵ این بار نیز با شکست روبرو گردید . اسنادی که افشاکنده جنایات دولت بود به شرکت کنندگان در این جلسه داده شد ، کارهای تبلیغاتی غیرعنی تشدید گردید و زندانیان یکی از زندانهای سانتیاگو اعلام گرسنگی کردند . رویدادهای ماههای اخیر نشان میدهد که فاشیست ها قادر نیستند بکنگ ترور صدای اعتراض توده های مردم را خفه کنند . بازداشت های تازه روح مقاومت و پیکار جوشی کمونیست ها و دیگر یگسر میهن پرستان را ، چنانکه مورد انتظار خونتا بود ، نتوانست درهم شکند .

ت . د .

شور و خونی را باید پایان داد !

کمیته مرکزی حزب توده ایران طی بیانیه ای خطاب به تمام احزاب دموکراتیک ، سازمانها و رجال اجتماعی جهان ، از آنها خواسته است بدفاع از حقوق انسانیها در ایران برخیزند . در بیانیه قید شده است که در دوران اخیر رژیم ترور و تضییق و فشار بر خشونت خویش افزوده است . به زندان افکندن ، آدم زدی و سر به نیست کردن افراد ، محکومیت افراد بیگناه در دادگاههای نظامی زجر و شکنجه ، اعمال زور و قتل و جنایت دامنه هر چه گسترده تری پیدا میکند . در طرف سه هفته از طرف عمال مخفی سازمان امنیت ۲۸ تن از میهن پرستان در زرد و خورد های خیابانی به هلاکت رسیده اند . دهها هزار تن از ایرانی ها ، نمایندگان تمام طبقات و قشرهای جامعه و افراد با عقاید گوناگون در زندانها رنج و عذاب میکشند . دانشگاهها و مدارس حتی مراکز مذهبی ایران در ماههای اخیر به صحنه کشتارهای خونین بدل شده اند . بیش از ۹۰ درصد زندانیان سیاسی ، یا آنکه اصولا بدون محاکمه زندانی شده اند و با آنکه در روان محکومیت و زندان را مدتتهاست گذرانده اند . بدستور شاه هنوز زندان اند .

کمیته مرکزی حزب توده ایران یا محکوم ساختن رژیم تروریست‌گرد تمام‌نیروها و دموکراتیک و متمدنی را بدفاع از حقوق انسان‌ها در ایران فرامی‌خواند تا بدینوسیله به پایان بخشیدن به ترور و خونریزی و تضییق و بیگانه‌سازی کرده باشند .

ح ۰ ص ۰ ۰

از خود سرپهای ارتجاع در نیکاراگوئه باید جلوگیری کرد !

دراواخر ماه مه لوئیس سانچس مانچود بیراول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست نیکاراگوئه در ماناگوا پایتخت این کشور وسیله پلیس مخفی ربوده شد . از سر نوشت و محل زیست رهبر کمونیست های نیکاراگوئه هیچ خبری در دست نیست . در عین حال رجال برجسته جنبش سندیکائی ، رهبران اتحادیه دموکراتیک آزادی یاجبه گسترده نیروهای میهن پرست کشور که کمیونسیت ها هم بطور پیگیر و فعالیت های آن شرکت میکنند بازداشت گردیده و بدون دادگاه و دادرسی بزند ان افکنده شده اند . برخی از زندانیان در نتیجه شکنجه های طاقت فرسا جان سپردند .

ساموسای دیکتاتور ، بمنظور سرکوب مخالفان بزور اسلحه و نجات رژیم خائنی که مدافع منافع ارتجاع و انحصارهای امپریالیستی است در کشور وضع فوق العاده اعلام کرده است . سیاست ترور جمعی و تلاش برای نابود ساختن سران سازمانهای دموکراتیک توده ای گواه بحران عمیق دیکتاتوری و منفرد شدن روزافزون آن و همچنین گناه بیم و هراس گردانندگان رژیم از مردم است .

جان‌ورندگی لوئیس سانچس و دیگر میهن پرستان نیکاراگوئه در خدای راست . مجامع متمدنی جهان خواستار پایان بخشیدن به ترور در نیکاراگوئه و آزادی فوری لوئیس سانچس و دیگر زندانیان سیاسی این کشور اند .

پرولتاریای کشورهای در حال رشد

در سالهای اخیر کشورهای آسیا، آفریقا و امریکا لاتین رشد سریع طبقه پرولتاریا، افزایش تعداد آن و فزونی نقش این طبقه در زندگی اجتماعی به چشم میخورد. بدست آوردن استقلال و گام نهادن بسیاری از کشورهای در راه تغییر و تحول اجتماعی - اقتصادی مترقی. (بر طرف نمودن جوهر مستم مالکان بزرگ، استحکام بخش دولتی اقتصاد و ایجاد صنایع ویژه خود برای پایه و نظایر اینها) اهمیت فراوانی برای پیشرفت این جریان داشت. در عین حال در این کشورهای همنوز ساختارهایی که از دوران استعماریاتی مانده و تاثیر باز دارند و در تمام پیرویه پیدايش و شکل گرفتن طبقات دارد، از بین برفته است.

در کشورهای در حال رشد در ردیف پرولتاریای معاصر، طبق برخی از آمار بیشتر از ۵۰ میلیون نفر، انبوه عظیمی از افرادی وجود دارد که به صف پرولتاریا درآمده اند و عبارتند از قشرها، گروهها و عناصری که خصائص پرولتاریایی کسب کرده اند ولی هنوز به طور کامل از محیطی که آنها را بوجود آورده، یعنی از جگرگه دهقانان، پیشه‌وران و طبقات پائین شهر جدا نشده اند. این افراد زحمتکشی هستند که در رشته‌های کوچک تولید مانند کارگاههای حرفه‌های گوناگون، صنایع دستی و موسسات از نوع مانوفاکتوریکار اشتغال دارند. عناصر پرولترونییم پرولتر در قانی و تمهیدستان شهرنایر کارگران کشاورزی و افراد روزمزد و نظایر اینها هم جزء این طبقه است.

پرولتاریای کشورهای در حال رشد با وجود تنوع بسیار دارای خصوصیات مشترکی است. یکی از ویژگیهای این طبقه تغییر و تبدیل ترکیب آن، پائین بودن سطح تمرکز و برتری تعداد افراد و نیروی کار بدون تخصصی است. خرافات و مانده‌های مذهبی، ملی و اتنیک و دسته‌ان میان کارگران و قشرهای نزدیک بدانها هنوز تیر و منداست و فکروش مورآنها تحت تاثیر محیط سنتی قرار دارد. کشورهای جوان و در رجه اول کشورهای کوه در جهت سوسیالیسم گام برمیدارند کوشش خود را متوجه بر طرف ساختن این عوامل باز دارند و مبارزه با مانده‌های کولونیالیسم میکنند.

بخش پرولتاریایی با ورمعه مرکب از کارگران بخش‌های کشاورزی و صنعتی است. در بخش‌های بازرگانی، ادارات و در عرصه خدمات عناصر پرولتری فقط پنج تا ده درصد تمام شاغلین در این رشته‌ها را تشکیل میدهد. ساختار و برنامه توسعه و تکامل پرولتاریای صنعتی و کشاورزی این کشورهای را میتوان بر پایه آمار رسمی که درباره کارمزدی وجود دارد مورد توجه و بررسی قرار داد. باین نکته نیز باید توجه داشت که اگر در رشته کشاورزی تعداد عناصر پرولتری تقریباً برابر با تعداد کارگران مزد بگیر در این رشته است، شاخص کارمزدی در صنایع اندکی بالاتر از تعداد کارگرانی است که در این رشته کار میکنند. (کارمندان و کارکنان در رشته‌های مهندسی و تکنیک و نظایر اینها هم جزء کاتگوری کارگران مزد بگیر می‌آیند)

کارگران مزد بگیر کشاورزی انبوه ترین گروه این رشته‌ها هستند. تعدادشان در سال ۱۹۷۵ به ۱۰۰ میلیون نفر رسید که از جمله: بیش از ۸۳ میلیون در آسیای جنوبی و جنوب شرقی و خاور دور و

کاربردی در صنایع و کشاورزی کشورهای در حال رشد
نسبت یک میلیون نفر

جمع	صنایع (با اضافه کارهای ساختمان و حمل و نقل)				کشاورزی				
۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
۱۱۱٫۳۳-۱۰۵٫۳۳	۱۱۴٫۲۲-۱۴۴٫۲۱	۱۲۲٫۶	۳۰۰-۴۰۰	۳۸۳	۱۰۰	۸۲٫۳-۸۲٫۵	۷۲-۳	تمام کشورهای در حال رشد	
۳۰٫۷	۲۸٫۰	۱۸٫۷	۱۱	۱۱٫۹	۱۴	۱۲	۱۱	امریکای لاتین	
-	۶۰-۶۰	-	۴۰-۴۲	۳۱	-	۲۰-۲۲	۱۹	خاور نزدیک و میانه	
۱۱۱٫۶	۹۳٫۲	۷۰-۷۰٫۷	۳۳٫۴	۲۶٫۶	۸۳٫۲	۶۶٫۶	۴۲٫۳-۴۰	آسیای جنوبی و جنوب شرقی خاور دور	
۸٫۷	۷٫۱-۷٫۴	۴٫۵	۳٫۴	۲٫۷-۳٫۰	۵٫۳	۴٫۴	۲٫۸	آفریقای شمالی	
۷٫۱	۶٫۷	۵٫۵-۵٫۷	۴٫۶	۳٫۶	۳٫۳	۳٫۱	۲٫۵-۲٫۶	آفریقای حاره	
۳٫۷	۳٫۲	۲٫۶-۲٫۷	۲٫۵	۲٫۰	۱٫۲	۱٫۲	۰٫۸-۰٫۹	آفریقای جنوبی	

این آمار با اطلاعات با استناد به اژانس ویدارک شیمیاسف جنبش بین المللی کمونیستی و سایر روز ضد انحصار در این کشورها جمع شده است .
فرهنگستان علوم اتحاد شوروی تهیه شده است .

۱۲ میلیون در امریکای لاتین و نزدیک به ۱۰ میلیون نفر در آفریقا است . پرولتاریای کشاورزی علیرغم تعداد کمی سرش بیشتر از اندازه پراکنده است و بطور متفرق در زراعت های بدوی بکار شغول است .

وزن مخصوص کارگران مزارع و فرم های بزرگ کشاورزی طی سالهای اخیر افزایش مییابد . آنها تمرکز یافته ترین و متشکل ترین بخش رزمند پرولتاریای روستاها را تشکیل میدهند (بیش از ۵ میلیون نفر) .

قشر کوچکی که ملاتازه ای در جمع این کارگران پدید آمده که : رانندگان تراکتور ، رانندگان ماشین های کشاورزی ، کارگران آبیاری و تعمیرکاران (در حدود ۵ میلیون نفر) را شامل میگرد . تمام اینها گویای پدیدایش تغییراتی در روند پیوستن بخشی از اهالی این کشورها به جمع پرولتاریای کشاورزی است که یکی از عقب ماندترین رشته های اقتصاد کشورهای مستعمره و وابسته سابق است . پرولتاریای صنعتی گروهی از زحمتکشان است که با سریع ترین آهنگها افزایش مییابد . طی پانزده سال (از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۶) تعداد کارکنان مزدگیری که در صنایع مشغول بکار بودند بیش از یک برابری افزایش یافته و از ۳۸ میلیون نفر به ۶۳ میلیون نفر رسیده است و وزن مخصوص آنم در جمع کل افراد مشغول بکار طی همین دوره از ۲۷٫۷ درصد به ۹۶٫۶ درصد بالغ گردیده است . آهنگهای کنونی گسترش صفوف پرولتاریای صنعتی در مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره سابق تقریباً دوبرابری کشورهای سرمایه داری پیشرفته است .

روشن است که وزن مخصوص پرولتاریای صنعتی در مناطق و کشورهای مختلف یکسان نیست . در اکثر کشورهای آفریقای حاره و دیربخی از کشورهای آسیا که خیلی عقبمانده اند تعداد پرولتاریا اندک است و به ۵ تا ۸ درصد اهالی میرسد . در کشورهای دیگری نظیر مکزیک و در کشورهای " مخروط جنوبی " امریکای لاتین و هندوستان پرولتاریا دیگر در ساختار طبقاتی کشور جای مهمی دارد و تا ۲۰ درصد افراد فعال کشور را تشکیل میدهد . اما با وجود تمام تفاوتها که میان این کشورهای و این مناطق موجود است همه آنها در این دوران وجه مشخصه مشترکی دارند که عبارت از افزایش مداوم و مستعوز وزن مخصوص پرولتاریای صنعتی است .

میزان درصد کارکنان صنایع نسبت به افراد فعال و مشغول بکار

۱۹۷۵	۱۹۷۰	۱۹۶۰	
۹۶	۹۱-۹۰	۷۷	تمام کشورهای در حال رشد
۱۹۱	۱۸۸	۱۷۵	امریکای لاتین
۱۲۶	۱۲۵-۱۱۳	۱۰۶	آفریقای شمالی
۸۲	۷۳	۵۷	خاور نزدیک و میانهم و خاور دور
۴۱	۳۶	۳۴-۳۶	آفریقای حاره
۲۷۸	۲۵۰	۲۶۴	آفریقای جنوبی

رشد کمی پرولتاریای صنعتی با تغییر ساختار روسیای آن همراه است . با پیشرفت صنایع ملی و پدیدایش موسسات جدید ورشته های تازه ای که بر پایه تکنیک معاصر وجود میآید قشر کارگران با تخصص گسترده تر میشود و سطح فرهنگ عمومی و تکنیکی طبقه کارگر بالا تر میرود .

در ترکیب پرولتاریای صنعتی رشته‌های گوناگون نیز تغییرات مهمی پدید می‌آید . تاثیر طبقات کارگر بر روند پیشرفت اجتماعی در کشورهای آزاد شده بطور مستمر افزایش می‌یابد . نقش این طبقه بمنزله نیروی ضد امپریالیستی تثبیت می‌گردد .

پرولتاریای آسیا ، افریقا و امریکای لاتین دارای سازمانهای رزمنده سندیکائی ویژه خود میباشد که وظیفه تربیت سیاسی راکه بعهدہ دارند انجام میدهند . این سندیکاها در برخی از کشورهای رفاصله بین دو جنگ جهانی و در برخی دیگر بلافاصله پیرا جنگ جهانی دوم و در تعدادی از کشورهای ده ، پانزده سال اخیر بوجود آمدند . وحدت طبقه کارگر در اتحادیه‌های کارگری میانگرواقعی رشد خود آگاهی کارگران کشورهای آزاد شده است .

دامنه تأثیرات واقعات استواری پرولتاریا بمیزان چشمگیری افزایش یافته است . طی پنج سال اخیر از ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۶ بیش از ۸۰ میلیون نفر در چین ، تأثیراتی شرکت کرده اند . مبارزه اعتصابی به وحدت کارگران بمقیاس موسسات ، رشته های مختلف و حتی تمام کشوری انجامد ، بسه پیدايش درك اشتراك منافع باقیاتی ونقش طبقه کارگر بمنزله نیروی مستقل سیاسی کمک میکند .

نقش سیاسی طبقه کارگری سالهای اخیر در کشورهای در حال رشد افزایش یافته است . پرولتاریا در برخی از کشورهای امریکای لاتین همین امروز هم پیشتر از معترضین مبارزه ضد امپریالیستی است و در صف مقدم روند انقلابی قرار دارد . نقش سیاسی پرولتاریا در کشورهای مانده هندوستان ، سری لانکا ، سوریه ، الجزیره و برخی دیگر از کشورهای نیز قابل توجه است . منافع و مصالح پرولتاریا ایند بیشتر از آنست که در گذشته در احزاب سیاسی در نظر گرفته شده است . روند شدید اشاعه اندیشه های مارکسیستی - لنینیستی میان طبقه کارگر کشورهای آزاد شده در جریان است .

بدین ترتیب طبقه کارگر آسیا ، افریقا و امریکای لاتین هرچه بیشتر به نیروی آگاه سیاسی مبدل میگردد و خصائلی کسب میکند که ویژه طبقه ایست که نمونها قادر به قیام شورشی نامنظم است بلکه توانائی آنرا دارد که به مبارزه انقلابی متشکل در راه دگر سازی جامعه دست زند .

مجله «مسائل بین‌المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، انتخاب و ترجمه می‌شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۷۶ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز:

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله
«مسائل بین‌المللی»:

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010